

بج



شرکت چاپ و انتشارات

وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه

آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور افغانستان / گردآورنده ؛ دفتر نوسازی و تحول
معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه - تهران: شرکت چاپ و انتشارات؛ سازمان اوقاف
و امور خیریه.

۱۷۲ ص.

ISBN: 978 – 964 – 422 – 892 – 6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

چاپ اول: ۱۳۹۶.

۱. وقف - افغانستان. ۲. خیریه - افغانستان. الف. دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان
اوقاف و امور خیریه. ب. ایران. شرکت چاپ و انتشارات ؛ سازمان اوقاف و امور خیریه. ج. آشنایی با نظام
مدیریت وقف و امور خیریه در کشور افغانستان.

۲۹۷/۳۷۲

BP۱۹۳/۲/۶۴

۱۳۹۵

۴۶۳۴۹۱۵

کتابخانه ملی ایران

آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور افغانستان



Management system of waqf and charitable affairs in
Afghanistan

تهیه و تألیف: دفترنوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهران ۱۳۹۶



آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور افغانستان

Management system of endowment and charitable affairs in
Afghanistan

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و انتشارات
وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار
دفترنوسازی و تحول معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۲-۸۹۲-۶
ISBN: 978 - 964 - 422 - 892 - 6

چاپخانه، انتشارات، پخش و فروشگاه:

کیلومتر ۵ جاده مخصوص کرج، نیش سهراب شیشه مینا، تهران ۱۳۹۷۸۱۵۳۱۱
تلفن: (چهار خط) ۴۴۵۱۳۰۰۲، نمابر: ۴۴۵۱۴۴۲۵، انتشارات و فروشگاه: ۴۴۵۲۹۶۰۱
تلفن پخش: ۴۴۵۱۴۴۱۱، تلفکس پخش: ۴۴۵۱۴۴۲۵

سازمان اوقاف:

تهران، خ نوفل لوشاتو، ساختمان مهر طبقه اول، دفترنوسازی و تحول معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی

شماره تماس: ۶۴۸۷۱۱۰۸ و ۶۴۸۷۱۱۴۹

سایت سازمان: www.mfso.ir

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

پیشگفتار ۱۵

فصل اول

۱- اطلاعات کلی کشور افغانستان ۲۳

۱-۱- مقدمه ۲۳

۲-۱- اطلاعات جغرافیایی ۲۳

۱-۲-۱- تقسیمات کشوری ۲۵

۳-۱- اطلاعات اقتصادی ۲۶

۴-۱- اطلاعات سیاسی اجتماعی ۳۰

۱-۴-۱- قوه مجریه ۳۳

۲-۴-۱- قوه قضاییه ۳۴

۳-۴-۱- قوه مقننه ۳۵

۵-۱- جمعیت و پراکندگی سنی ۳۵

۶-۱- اطلاعات فرهنگی مذهبی ۳۷

۱-۶-۱- فرهنگ ۳۷

۲-۶-۱- مذهب ۳۷

فصل دوم

۲- مفهوم وقف و امور خیریه در کشور افغانستان ۴۳

۱-۲- مقدمه ۴۳

۲-۲- اشخاص حکمی (حقوقی) ۴۳

۴۳	۳-۲- وقف
۴۴	۳-۲-۱- اداره وقف
۴۵	۲-۴- جمعیت‌ها
۴۷	۲-۴-۱- جمعیت‌های عام‌المنفعه
۴۷	۲-۴-۲- جمعیت خیریه
۴۸	۲-۴-۳- جمعیت فرهنگی
۴۸	۲-۵- مؤسسات
۴۹	۲-۵-۱- مؤسسات غیردولتی
۵۰	۲-۶- قوانین مرتبط با وقف و امور خیریه

فصل سوم

۵۳	۳- روند توسعه و وضعیت موجود وقف و امور خیریه در کشور افغانستان
۵۳	۳-۱- مقدمه
۵۳	۳-۲- نگاهی گذرا به تاریخچه تحول حکمرانی وقف در کشور افغانستان
۵۴	۳-۳- وضعیت موجود مؤسسات و انجمن‌های فعال وقف و امور خیریه افغانستان
۵۷	۳-۴- وضعیت دریافت کمک‌های بشردوستانه

فصل چهارم

۶۵	۴- نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور افغانستان
۶۵	۴-۱- مقدمه
۶۵	۴-۲- انواع کنشگران فعال در حوزه وقف و امور خیریه
۶۶	۴-۲-۱- سیاست‌گذار
۶۶	۴-۲-۲- تنظیم‌گر
۶۹	۴-۲-۳- تسهیل‌گر
۷۰	۴-۲-۴- ارائه‌دهنده خدمات
۷۰	۴-۳- نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه
۷۱	۴-۳-۱- کمیسیون عالی ارزیابی
۷۲	۴-۳-۲- وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان
۷۳	۴-۳-۱- خط‌مشی وزارت ارشاد، حج و اوقاف
۷۷	۴-۳-۲- چند نمونه از فعالیت‌های اوقاف این کشور در طول ۸ سال گذشته
۷۸	۴-۳-۳- وزارت مالیه
۷۸	۴-۳-۳-۱- ریاست مدیریت کمک‌ها وزارت مالیه
۸۱	۴-۳-۴- وزارت امور خارجه

- ۴-۳-۵- وزارت دادگستری ۸۱
- ۴-۳-۵-۱- ریاست انسجام، بررسی وثبت احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی... ۸۵
- ۴-۳-۶- وزارت اقتصاد ۸۶
- ۴-۳-۶-۱- ریاست انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی ۹۰
- ۴-۳-۷- اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی افغانستان (INSO) ۹۱
- ۴-۳-۸- اداره هماهنگی کمک‌ها برای افغان‌ها - مؤسسه اکبر (ACBAR) ۹۲
- ۴-۳-۹- جمعیت‌ها و مؤسسات غیردولتی داخلی و خارجی در افغانستان ۹۴
- ۴-۳-۹-۱- سازمان آموزش و تحقیق صلح ۹۵
- ۴-۳-۹-۲- انجمن توسعه افغانستان ۹۶

فصل پنجم

- ۵- جمع‌بندی ۱۰۱

- منابع ۱۰۷

پیوست

- پیوست اول: قانون مدنی افغانستان ۱۱۱
- پیوست دوم: قانون مؤسسات غیردولتی NGOs در افغانستان ۱۳۵
- پیوست سوم: قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان ۱۵۵
- پیوست چهارم: قانون جمعیت‌ها ۱۶۳

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۱) پرچم کشور افغانستان ۲۴
- شکل ۲-۱) موقعیت کشور افغانستان در جهان ۲۵
- شکل ۳-۱) تقسیمات کشوری افغانستان ۲۶
- شکل ۴-۱) نمودار رشد تولید ناخالص داخلی افغانستان، ایران و جهان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ ۲۸
- شکل ۵-۱) نمودار تولید ناخالص داخلی کشور افغانستان، ایران و جهان ۲۹
- شکل ۶-۱) نمودار تولید ناخالص داخلی افغانستان و ایران به قیمت بازار از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ ۲۹
- شکل ۷-۱) ساختار تشکیلاتی حکومت افغانستان ۳۴
- شکل ۸-۱) نمودار رشد جمعیت افغانستان و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ ۳۵
- شکل ۹-۱) نمودار ساختار سنی شهروندان افغانستان در سال ۲۰۱۴ ۳۶
- شکل ۱-۳) وضعیت پناهندگان، مهاجران و نیازمندان افغانستان ۵۷
- شکل ۲-۳) وضعیت نیازمندان در افغانستان از لحاظ ساختار سنی، جمعیت و مشکلات ۵۸
- شکل ۳-۳) وضعیت نیازمندان در افغانستان براساس بخش‌های مختلف ۵۹
- شکل ۴-۳) درصد برآورده شدن درخواست‌های کمک کشورهای مختلف ۵۹
- شکل ۵-۳) ۱۰ کشور اول که کمک‌های بین‌المللی به آن‌ها در ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ ارسال شده ۶۰
- شکل ۶-۳) میزان کمک‌های بشردوستانه کشورهای عضو کمیته کمک‌های توسعه‌ای ۶۱

- شکل ۳-۷) میزان کمک‌های بشردوستانه چند کشور به افغانستان طی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ ۶۱
- شکل ۴-۱) نگاهش نهادی ۷۱
- شکل ۴-۲) سایت وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان ۷۳
- شکل ۴-۳) ساختار سازمانی ریاست مدیریت کمک‌ها ۸۰
- شکل ۴-۴) نمایی از سایت وزارت عدلیه (دادگستری) افغانستان ۸۲
- شکل ۴-۵) ساختار سازمانی وزارت عدلیه (دادگستری) افغانستان ۸۴
- شکل ۴-۶) ساختار سازمانی وزارت اقتصاد افغانستان ۸۷
- شکل ۴-۷) نمایی از سایت اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی افغانستان ۹۱
- شکل ۴-۸) نمایی از سایت مؤسسه اکبر ۹۲
- شکل ۴-۹) نمایی از سایت سازمان آموزش و تحقیق صلح ۹۵
- شکل ۴-۱۰) نمایی از سایت انجمن توسعه افغانستان ۹۶

فهرست جدول ها

جدول ۱-۱) پیروان مذاهب مختلف اسلام در افغانستان ۳۸

جدول ۱-۳) جدول عمومی تلفیقی رده بندی تعداد پروژه ها ۱۵۰ مؤسسه غیردولتی برتر در ۱۳۹۳ ۵۵

مقدمه

از دیرباز سنت حسنه وقف در همه ادیان آسمانی و جوامع بشری مورد توجه و اهتمام وافر قرار داشته است. دین مبین اسلام نیز همچون سایر ادیان الهی اهتمام ویژه‌ای به ترویج وقف در بین مسلمین دارد، به گونه‌ای که پیشوایان اسلام ناب همگی از جمله واقفین و متولیان موقوفات بوده‌اند. در طی قرون متمادی نهاد وقف نقطه اتکاء و مهمترین بستر تعالی نهاد دین و یکی از زیرساخت‌های کلیدی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اداره جوامع اسلامی بوده است. با توجه به اهداف بلند انقلاب اسلامی در راستای ایجاد جامعه اسلامی ایرانی و تمدن بین‌الملل اسلامی، احیاء نهاد وقف و شکوفایی هر چه بیشتر موقوفات از ضروریات اساسی‌ای است که مورد تاکید مکرر مقام معظم رهبری قرار دارد.

در این راستا سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان حکمران نهاد وقف بر آن شد تا با مطالعه نظام مدیریت وقف و امور خیریه سایر کشورها، مقدمات آشنایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سایر ملل، و توسعه ارتباطات بین‌المللی در حوزه وقف، به ویژه ارتباطات با کشورها و ملت‌های مسلمان را فراهم نماید. لذا از سال گذشته معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی سازمان اقدام به تعریف و راهبری پروژه پژوهشی «شناخت وضعیت نظام مدیریت وقف و امور خیریه پانزده کشور اسلامی و پانزده کشور غیراسلامی» نمود که نتایج آن در قالب بیش از سی کتاب مستقل منتشر شد و در همایش هفته وقف سال جاری توسط جناب آقای دکتر صالحی امیری، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد

اسلامی، جناب آقای دکترستاری، معاون محترم علم و فناوری ریاست جمهوری و حجت الاسلام والمسلمین محمدی، نماینده ولی فقیه و ریاست محترم سازمان اوقاف و امور خیریه رونمایی گردید.

اجرای این پروژه مرهون تلاش افراد متعددی است که در اینجا لازم می دانم از زحمات همه آنها به ویژه مدیرکل دفترنوسازی و تحول اداری، جناب آقای دکتر غلامعلی رحیمی و کارشناسان این دفتر، آقایان اسماعیل خارستانی و علی علاءالدینی که نقش کارفرمایی این مطالعات را برعهده داشتند، و جناب آقای محمدمهدی جعفری که مدیریت اجرای این پروژه را برعهده داشت، و همکار ایشان، آقای علیرضا رحیمی تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین مراتب سپاس خود را از زحمات بی دریغ جناب آقای حسین آب نیکی— مشاور عالی ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه— که نظارت بر این پروژه را برعهده گرفت و در جهت ارتقاء کیفی آن تلاش نمود اعلام می دارم.

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی

سازمان اوقاف و امور خیریه

زمستان ۱۳۹۵

پیشگفتار

مطالعه نظام مدیریت وقف و امور خیریه کشورهای جهان از شهریورماه سال ۱۳۹۴ به منظور آشنایی با بیشینه، روند توسعه وضعیت و عملکرد فعلی کشورها در این حوزه، نگاشت نهادی مجموعه‌های فعال در بخش وقف (شامل معرفی نهادها و روابط ما بین آن‌ها) و برنامه‌های آتی این کشورها با هدف استفاده از تجربیات موفق و پرهیز از تجربیات ناموفق، با لحاظ اقتضائات منحصربه‌فرد کشورهای مورد مطالعه، در دستور کار قرار گرفت و عملیاتی گردید.

به منظور تحقق اهداف مدنظر، شرح خدمات این پروژه در قالب چهار فاز ذیل طراحی و اجرا گردید:

- فاز صفر: تدوین طرح و چارچوب اولیه
 - فاز اول: تعیین شاخص‌های انتخاب کشورهای مدنظر و انتخاب و نهایی سازی کشورها
 - فاز دوم: گردآوری، تحلیل و جمع‌بندی گزارش مطالعات انجام شده مرتبط
 - فاز سوم: جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات هریک از کشورهای مدنظر
 - فاز چهارم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی مطالعه
- فاز صفر به تدوین چهارچوب کلان، تفصیلی و محدوده پروژه و جزییات هریک از مراحل و فعالیت‌ها اختصاص یافت. در فاز اول شاخص‌هایی جهت انتخاب کشورهای هدف مطالعه، تعیین گردید و مبتنی بر این شاخص‌ها، کشورهای مدنظر

جهت مطالعه، مشخص شدند. این شاخص‌ها به گونه‌ای انتخاب شدند که کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی فعال در حوزه وقف و امور خیریه، کشورهای موفق در حوزه وقف و امور خیریه در دنیا و نیز کشورهای مشابه جمهوری اسلامی ایران از جهت وضعیت فرهنگی، اجتماعی و دینی مورد مطالعه قرار گیرند.

فاز دوم با عنوان «گردآوری، تحلیل و جمع‌بندی مطالعات انجام شده» به جمع‌آوری و تحلیل مطالعات موجود در کشور در خصوص نظام مدیریت وقف و امور خیریه سایر کشورها اختصاص یافت. هدف این فاز بهره‌برداری از اطلاعات و پژوهش‌های مرتبط انجام شده موجود در کشور و همچنین پرهیز از نادیده گرفتن مطالعات پیشین بود.

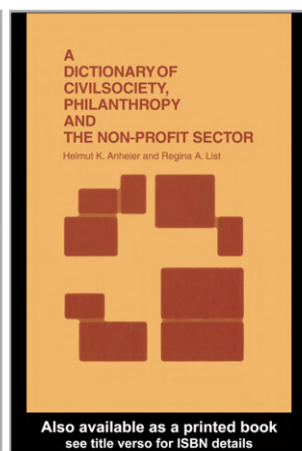
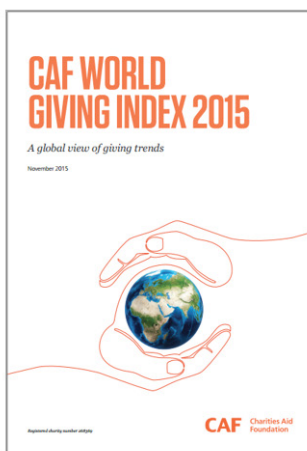
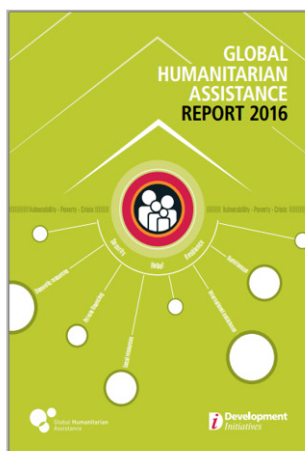
فاز سوم نیز به ترتیب به جمع‌آوری اطلاعات پیرامون نظام وقف و امور خیریه کشورهای منتخب از منابع مکتوب، اینترنتی و سایر منابع در دسترس، و تجزیه و تحلیل اطلاعات و جمع‌بندی مطالب اختصاص یافت. در نهایت طی فاز چهارم جمع‌بندی و نتایج حاصل از مطالعه همه کشورها و نتیجه‌گیری کلی مطالعه انجام و ارائه گردید.

مجموعه کشورهایی که در این پروژه هدف مطالعه قرار گرفتند شامل پانزده کشور اسلامی و پانزده کشور غیراسلامی می‌باشد که با توجه به شاخص‌های مدنظر سازمان، همچون همسایگی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مشابه با جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از نظام مدیریت و فعالیت‌های درخور تامل در حوزه وقف و امور خیریه، وجود ارتباطات بخش وقف و امور خیریه بین جمهوری اسلامی ایران و کشور مورد مطالعه و مواردی از این دست، انتخاب شدند.

یکی از کشورهای اسلامی منتخب افغانستان است. ارتباط گسترده سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان، اهمیت افغانستان در منطقه و قرابت دینی و مذهبی بین آن کشور با کشور ما و زبان مشترک، از جمله دلایل انتخاب افغانستان به عنوان یکی از کشورهای هدف مطالعه می‌باشد.

پژوهش حاضر حاصل گزارش بررسی ساختار و وضعیت نظام وقف و امور خیریه کشور افغانستان می‌باشد و در آن وضعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی کشور افغانستان، مفهوم وقف و امور خیریه، روند توسعه و وضعیت موجود بخش وقف و

امور خیریه، نگاشت نهادی بخش وقف و امور خیریه و برنامه‌های توسعه‌ای این بخش در کشور افغانستان طی فصول یک الی پنج به اجمال بررسی شده است. برای انجام تحقیق حاضر در ابتدا به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌های مختلف کشور افغانستان، اعم از اطلاعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته شد. این اطلاعات با جستجو در سایت‌های اینترنتی و سایر منابع اطلاعاتی به دست آمد. برای بررسی آمار و اطلاعات مرتبط با امور خیریه و شاخص‌های بخشندگی کشور افغانستان مقالات و گزارش‌های دیگری بررسی شدند. این گزارش‌ها شامل برخی گزارش‌های خارجی مربوط به سال‌های اخیر است که اطلاعات ارزشمندی را در ارتباط با کشور افغانستان در اختیار قرار می‌دهد. برخلاف اکثر کشورها، رتبه‌بندی کشور افغانستان در میان دیگر کشورهای جهان و شاخص‌های بخشندگی آن در گزارش‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار نگرفته است ولی اطلاعات بسیار زیادی در خصوص وضعیت فقر و کمک‌های بشردوستانه به این کشور در طول سال‌های اخیر و به خصوص از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ ارائه شده است.



در ادامه به بررسی سازمان‌ها، برنامه‌ها و وضعیت موجود وقف و امور خیریه در کشور افغانستان پرداخته شد. اطلاعات این بخش از کار که در فصول یک تا سه ارائه شده است، از سایت‌ها و مقالات و مجلات مختلفی که عمدتاً به زبان فارسی (پشتو) بودند،

به دست آمدند.

برای مطالعه در خصوص نگاشت نهادی کشور افغانستان در ابتدا نهاد اصلی این کشور، یعنی وزارت ارشاد، حج و اوقاف مورد بررسی قرار گرفت و در بخش اوقاف این وزارتخانه اهم وظایف و اهداف مورد مطالعه قرار گرفت و خط مشی آن تبیین گردید. وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان در مناطق مختلف این کشور ریاست‌های ارشاد، حج و اوقاف دارد و در ذیل این ریاست سازمان انسجام امور قرآنی وظیفه تنظیم گری و تسهیل گری در این حوزه را برعهده دارد.



در ادامه وزارت دادگستری به عنوان سیاست گذار و ناظر جمعیت‌ها در افغانستان و وزارت اقتصاد به عنوان سیاست گذار و ناظر مؤسسات غیردولتی در افغانستان مورد بررسی قرار گرفت. همچنین وزارت امور خارجه به عنوان متولی نظارت و بررسی مؤسسات خارجی فعال در افغانستان و وزارت مالیه به عنوان مسئول انجام امور مربوط به مالیات در این کشور مورد بررسی قرار گرفت.

سپس مؤسسات خیریه کلان و رسمی ثبت شده در افغانستان مورد مطالعه قرار گرفتند. که در این خصوص وزارت دادگستری و اقتصاد اطلاعاتی کلی در خصوص جمعیت ها و مؤسسات غیردولتی در اختیار عموم قرار می دهند.

در مجموع علیرغم اینکه تاکنون در کشور هیچ مطالعه ای در خصوص نظام وقف و امور خیریه افغانستان انجام نشده است و اطلاعات موجود در پایگاه اینترنتی نهادهای مرتبط با بخش وقف و امور خیریه این کشور نیز حاوی محتوای قابل توجهی نیست و گزارش های مطالعات بین المللی نیز مطالب قابل توجهی مرتبط با نظام وقف و امور خیریه این کشور ارائه نمی کنند، تیم پروژه تلاش نمود تا همین اطلاعات اندک را در قالب یک گزارش گردآوری و منتشر نماید تا در همین حد مورد استفاده محققان و پژوهشگران قرار گرفته و انشاء الله با نقد و نظرات متخصصین و کارشناسان مرتبط و تعریف و اجرای مطالعات و پژوهش های بعدی تکمیل گردد.

در پایان لازم می دانم از محضر همه خوانندگان گرامی استدعا نمایم تا با ارائه دیدگاه های ارزشمندشان ما را در ادامه این روند و تکمیل مطالعات انجام شده یاری فرمایند.

مشاور عالی سازمان اوقاف و امور خیریه
و ناظر پروژه



فصل اول |

اطلاعات کلی کشور افغانستان



۱- اطلاعات کلی کشور افغانستان

۱-۱- مقدمه

یکی از گام‌های مطالعات تطبیقی، آشنایی مختصر با موقعیت جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی - مذهبی کشور مورد مطالعه است. مقایسه یک کشور با کشورهای دیگر بدون در نظر گرفتن شرایط و موقعیت آن، موجب درک سطحی موضوع و نتیجه‌گیری نادرست می‌شود.

به منظور آشنایی و مطالعه روندهای اجتماعی و فرهنگی یک کشور، آشنایی با ویژگی‌های کلی آن کشور ضروری است؛ در این گزارش همان‌طور که پیش از این اشاره گردید، به بررسی روند تغییر کمک‌های خیریه و وقف و سازوکارهای مربوط به آن پرداخته می‌شود. مطالعات گسترده‌ای در زمینه مؤلفه‌های تأثیرگذار در زمینه کمک‌های خیریه و وقف در کشورهای مختلف دنیا انجام شده است که از آن میان می‌توان به مذهب، سن افراد و درآمد آن‌ها اشاره نمود.

در راستای پروژه در خصوص مطالعه تطبیقی کشور افغانستان باید با اطلاعات کلی اعم از موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقتصادی، دین رسمی، میزان جمعیت و سایر اطلاعات کلی مرتبط را استخراج نمود و بدان آشنا شد که بدین منظور در این فصل به این مهم رسیدگی می‌شود.

۱-۲- اطلاعات جغرافیایی

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان کشور محصور در خشکی در

آسیای مرکزی است. این کشور حدفاصل آسیای میانه، آسیای غربی و خاورمیانه و پایتخت آن کابل است. همسایگان افغانستان، پاکستان در جنوب و شرق، ایران در غرب، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی هستند. مرز افغانستان با ایران ۹۳۶ کیلومتر، ترکمنستان ۷۴۴ کیلومتر، ازبکستان ۱۳۷ کیلومتر، تاجیکستان ۱۲۰۶ کیلومتر، چین ۷۶ کیلومتر و پاکستان ۲,۴۳۰ کیلومتر است



شکل ۱-۱) پرچم کشور افغانستان

مساحت افغانستان ۶۵۲,۸۶۴ کیلومترمربع است و مساحت ایران ۱,۶۴۸,۰۰۰ می باشد، به عبارتی مساحت افغانستان در حدود کمتر از نصف مساحت ایران می باشد. این کشور در محل ژئواستراتژیکی مهمی قرار گرفته که آسیای شرقی، آسیای جنوبی، آسیای غربی و آسیای میانه را به هم وصل می کند. [۱]

افغانستان کشوری محصور در خشکی و کوهستانی است که بین جنوب آسیا و آسیای میانه در طول جغرافیایی ۶۰ تا ۷۵ درجه شرقی و عرض ۲۹ تا ۳۸ درجه شمالی قرار گرفته است. بلندترین نقطه کشور قله نوشاخ به ارتفاع ۷,۴۸۵ متر از سطح دریا در شمال شرقی کشور در مرز تاجیکستان است.

افغانستان از نظر جغرافیایی به سه منطقه متمایز از یکدیگر تقسیم می شود؛ دشت های شمالی کشور که ناحیه ای عمدتاً زراعی است. فلات جنوب غربی که بیشتر چشم اندازی بیابانی و نیمه خشک دارد و ارتفاعات مرکزی از جمله رشته کوه هندوکش که این دورا از هم جدا می کند.

در شکل ۱-۱ موقعیت کشور افغانستان در جهان آورده شده است.



شکل ۱-۲) موقعیت کشور افغانستان در جهان

۱-۲-۱- تقسیمات کشوری

افغانستان دارای ۳۴ ولایت (استان) و حدود چهارصد ولسوالی (شهرستان) است. هر ولایت توسط یک والی اداره می شود که رییس جمهور وی را به این مقام منصوب می کند و هر شهرستانی به دست یک ولسوال که از سوی والی منصوب می شود. در هر ولایت یک شورای ولایتی وجود دارد که اعضای آن در انتخابات عمومی انتخاب می شوند. نقش شوراهای ولایتی مشارکت در برنامه ریزی های توسعه ولایت و نظارت و ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی ولایت است.

بر اساس اصل ۱۴۰ قانون اساسی افغانستان شاروال ها (شهردارها) نیز باید با انتخابات برای یک دوره چهار ساله تعیین شوند اما به دلیل هزینه های بسیار برگزاری انتخابات این اتفاق تاکنون نیفتاده و شهرداران منتخب حکومت هستند. همچنین در هر شهرستانی نیز یک شورای ولسوالی باید وجود داشته باشد که این شوراها هم به همین دلیل هنوز تشکیل نشده اند.



شکل ۱-۳) تقسیمات کشوری افغانستان

۱-۳- اطلاعات اقتصادی

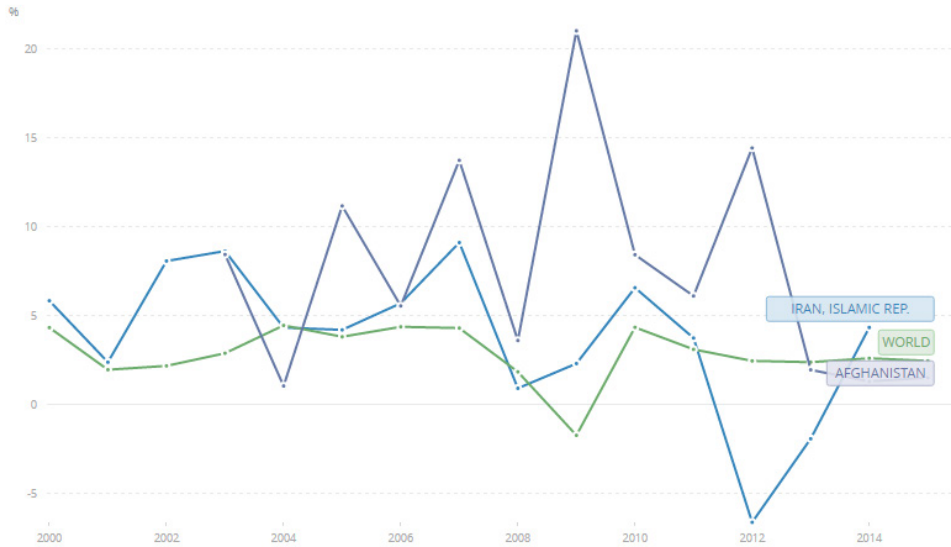
افغانستان یکی از اعضای اتحادیه همکاری های منطقه ای جنوب آسیا، سازمان اکو و سازمان کنفرانس اسلامی می باشد. افغانستان یکی از کشورهای فقیر و با نرخ توسعه پایین یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. در سال ۲۰۰۹، نرخ مبادله تولید ناخالص داخلی ۱۴ میلیارد دلار و سرانه تولید ناخالص داخلی به ۱،۰۰۰ دلار می رسید. نرخ بیکاری این کشور ۳۵ درصد و تقریباً ۳۶٪ ساکنان آن زیر خط فقر زندگی می کنند. بیش از ۴۲ درصد از جمعیت افغانستان برای کمتر از ۱ دلار در روز زندگی می کنند. اقتصاد افغانستان از حوادثی که از سال ۱۹۷۸ تاکنون جریان دارد رنج می برد، همراه با آن چندین خشکسالی نیز به مشکلات مردم در طول سال های ۱۹۹۸-۲۰۰۱ اضافه شدند. اگرچه بعد از جاری شدن میلیاردها دلار توسط تجارت های بین المللی و کمک های کشورهای دیگر، در طول شش سال پیش، این اقتصاد کمی توانست رشد کند. حدود ۸۱ درصد مردم این

کشور کشاورز هستند و بقیه شامل ۱۱ درصد در صنعت (اغلب بافندگی) و ۹ درصد در خدمات مشغول به کار هستند. [۱]

واحد پول افغانستان، «افغانی» نام دارد که از سال ۱۳۸۰ به بعد ارزش آن نسبت به دلار و به بهبودی می‌رود. سال مالی آن از یکم فروردین (۲۱ مارس) تا ۲۹ اسفند (۲۰ مارس) است. عمده‌ترین محصول صادراتی این کشور مرفین یا تریاک است. حجم تولید تریاک در افغانستان به حدی است که بنابر گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، «بخش عمده تریاک جهان» در این کشور تولید می‌شود. از دیگر اقلام صادراتی این کشور می‌توان به جامه پشمی بومی این کشور و فرش‌های دستباف و پوست گاو و گوسفند و سمور و پلنگ و مار اشاره کرد.

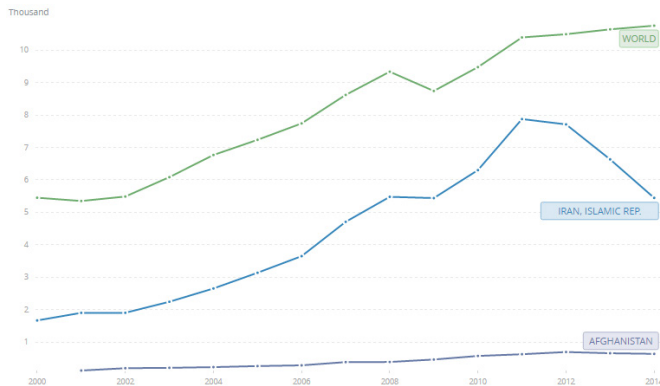
این کشور دارای معادنی چون: طلا، لاجورد، زمرد، فیروزه و زغال سنگ در استان بغلان می‌باشد که در نوع خود در جهان بی‌نظیر است و حدود ۱۳ نوع زغال سنگ از این معدن استخراج می‌شود و حتی در زمان جنگ نیز به فعالیت خود ادامه می‌داده است. بعضی از تجهیزات و وسایل موجود در این معدن به حدود ۴۵ سال پیش برمی‌گردد که از طرف دولت اتریش به افغانستان داده شده بود.

بنابر گزارش بانک جهانی (شکل ۱-۴)، رشد تولید ناخالص داخلی کشور افغانستان برای سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به ترتیب ۳/۱٪ و ۵/۱٪ است. رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۵ در سایت بانک جهانی اعلام نشده است؛ بنابراین برای مقایسه سه نمودار، سال ۲۰۱۴ بررسی شده است. در سال ۲۰۱۴، میزان رشد تولید ناخالص داخلی افغانستان (۳/۱٪) از جهان (۲/۶٪) کمتر است و از ایران (۴/۳٪) پایین‌تر می‌باشد [۲].



شکل ۴-۱) نمودار رشد تولید ناخالص داخلی افغانستان، ایران و جهان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

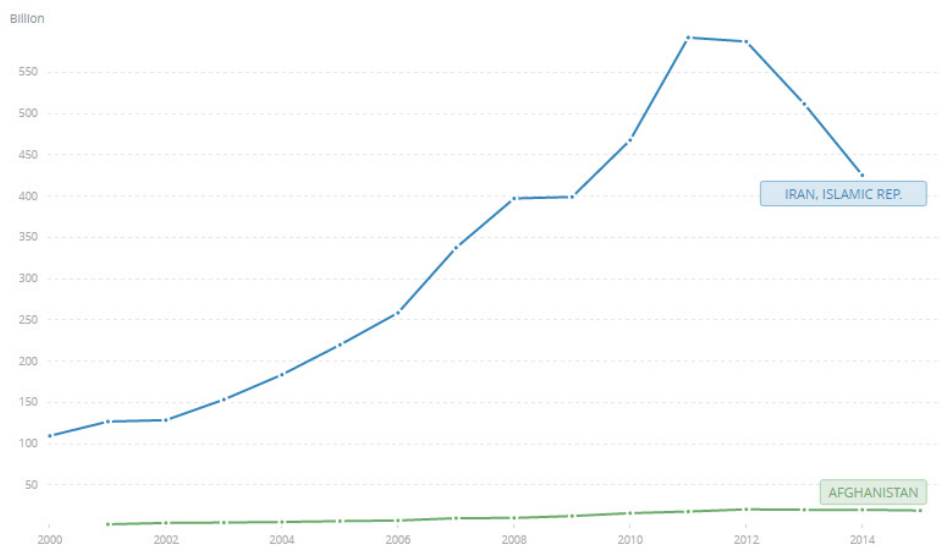
بنا بر گزارش بانک جهانی (شکل ۵-۱) میزان تولید ناخالص افغانستان براساس سرانه جمعیت^۱ در سال ۲۰۱۴ برابر با \$۶۳۴ می باشد. در سال ۲۰۱۴، میزان تولید ناخالص داخلی افغانستان براساس سرانه جمعیت، از ایران و جهان کمتر و تفاوت قابل ملاحظه‌ای هم با ایران دارد. [۲]



شکل ۵-۱) نمودار تولید ناخالص داخلی کشور افغانستان، ایران و جهان به ازای سرانه جمعیت از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

1. GDP Per Capita

بنا بر گزارش بانک جهانی، میزان تولید ناخالص داخلی افغانستان براساس قیمت بازار^۱ در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ در شکل ۱-۶ آورده شده است. میزان تولید ناخالص داخلی افغانستان در سال ۲۰۱۵، برابر با ۱۹ میلیارد دلاری باشد. میزان تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت بازار، در سال ۲۰۱۵ در سایت بانک جهانی اعلام نشده است؛ بنابراین جهت مقایسه دو نمودار، سال ۲۰۱۴ بررسی شده است. در سال ۲۰۱۴، تولید ناخالص داخلی افغانستان ۲۰ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی ایران، ۴۲۵ میلیارد دلاری باشد و همان طور که در شکل نمایان است، تولید ناخالص داخلی ایران در حدود ۲۱ برابر افغانستان می باشد [۲].



شکل ۱-۶) نمودار تولید ناخالص داخلی کشور افغانستان و ایران به قیمت بازار (دلار آمریکا) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

۴-۱- اطلاعات سیاسی اجتماعی

بالاترین مقام سیاسی در افغانستان رییس جمهور است که بارای مستقیم مردم به همراه معاون اول و دوم خود برای یک دوره ۵ ساله انتخاب می شود. رییس جمهور نظربه ماده ۶۱ قانون اساسی و قانون انتخابات، با کسب اکثریت بیش از پنجاه درصد آرای

1. GDP at Market Prices

رأی دهندگان انتخاب می گردد.

دولت کنونی جمهوری افغانستان از قوای سه گانه (اجرائیه، مقننه و قضائیه) تشکیل شده که رییس جمهور دولت جمهوری اسلامی افغانستان، در رأس آن قرار دارد. براساس قانون اساسی افغانستان، دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان، در حدود احکام قانون آزاد می باشند. رییس جمهور، با کسب اکثریت بیش از پنجاه درصد رأی رأی دهندگان و از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردد [۱].

جنگ های کابل یا جنگ های داخلی افغانستان بعد از سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان و پیروزی مجاهدین افغان در سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ (۱۹۹۲-۹۶) بین نیروهای متخاصم در شهر کابل اتفاق افتاد و بسیار خشونت بار بود.

نیروهای شورای نظار (جمعیت اسلامی افغانستان) به رهبری احمد شاه مسعود و برهان الدین ربانی منطقه شمال شرق کابل، نیروهای حزب اسلامی افغانستان به رهبری گلبدین حکمتیار در مناطق وسیع جنوب کابل، اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان رسول سیاف مناطق افشار قرغه، جنبش ملی اسلامی افغانستان به رهبری عبدالرشید دوستم شمال کابل، نیروهای حزب وحدت اسلامی افغانستان به رهبری عبدالعلی مزاری و محمد کریم خلیلی در مناطق شمال غرب و غرب کابل حضور داشتند. این نیروها از طرف کشورهای خارجی حمایت می شدند. کشورهای غرب و منطقه مانند روسیه، پاکستان، عربستان سعودی، ایران.

یکی از فاجعه هایی که طی این جنگ اتفاق افتاد قتل عام مردم غرب کابل بود. اکثر مردم غرب کابل متعلق به قوم هزاره هستند. براساس آمارهای غیررسمی بین ۲۵۰۰۰ هزار تا ۳۰۰۰۰ نفر در این فاجعه کشته شدند. سازمان ملل متحد این فاجعه را با نام democide قلمداد می کند که یک نوع نسل کشی است.

در سال ۱۹۹۶، جنگ های داخلی با پیروزی طالبان پایان یافت. طالبان که در سال ۱۹۹۴ تشکیل شده بود شهر کابل را تسخیر کردند و بیش از ۹۰٪ کشور را تحت کنترل گرفتند و منطقه کوچکی را در شمال شرقی برای مجاهدین اختصاص دادند [۲].

• طالبان

در سال ۱۹۹۴ میلادی توسط «ملا محمد عمر» در قسمت جنوبی افغانستان در شهر «قندهار» تأسیس شد و از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۱ قسمت معظم کشور افغانستان را تحت سیطره خود داشت.

حرکت اولیه طالبان به صورت ضعیف در سال‌های بین ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ شکل گرفت. در آن ایام میان افغانستان و شوروی جنگ در گرفته بود و هرج و مرجی که در فضای افغانستان حاکم بود، فرصتی را برای حرکت طالبان بوجود آورده بود. در دهه ۱۹۸۰ میلادی افغانستان توسط اتحادیه جماهیر شوروی به تسخیر درآمد و در طی این نبرد، نیروهای مجاهدین افغانستان توسط آمریکا حمایت می‌شدند، ولی سلطه شوروی بر افغانستان دیری نپایید.

بعد از عقب‌نشینی نیروهای شوروی در سال ۱۹۸۹ میلادی از شهرهایی نظیر «ازبک» و «تاجیک» گروه‌های کوچک دیگری نیز به قدرتی نسبی دست یافتند. در همین ایام بود که نیروی طالبان خود را به عنوان «اسلام خواهان» معرفی کردند. آن‌ها که اکثر از نژاد «پشتو» بودند، تصمیم گرفتند که بار دیگر حکومت مرکزی را در کابل تسخیر کنند و در طی این مدت از ناحیه آمریکا تأمین تسلیحاتی می‌شدند. در بدو این حرکت هزاران نفر از مردان جوان که اکثر آن‌ها در اردوی حفاظتی آوارگان به سر می‌بردند و نیز افراد یتیم و بی‌سرپرست بسیاری به این گروه پیوستند. طالبان خود را به عنوان لشکر صلح معرفی کردند و افراد بسیاری که بیشتر پشتو بودند و از جنگ‌های سابق و هرج و مرجی که بر این کشور حاکم بود، خسته شده بودند این گروه را حمایت می‌کردند؛ در حالی که بسیاری از افراد طالبان در مدارس وهابیتون افراطی در پاکستان پرورش یافته بودند.

طالبان جنگ خود را در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ در قسمت جنوب و غرب افغانستان آغاز کردند و قندهار، هرات و سایر شهرهای مجاور را به تصرف خود درآوردند. در سال ۱۹۹۵ به حوالی کابل رسیدند ولی در همان سال توسط نیروهای حکومت عقب رانده شدند. آن‌ها همچنان در تسخیر کابل سعی کردند تا آن‌که در سال ۱۹۹۶ کابل را به تصرف خود درآوردند، که نتیجه آن از بین رفتن ۵۰۰۰۰ نفر بود. «برهان‌الدین ربانی» و

«گلبدین حکمتیار» به سمت شمال کشور فرار کردند و طالبان نیز بعد از اشغال کابل «محمد نجیب الله» را که از طرف شوروی در آنجا فعالیت می‌کرد، اعدام کردند. در این ایام بود که طالبان قوانین خشک مذهبی وهابی‌های افراطی را به مرحله اجرا درآوردند. «بن‌لادن» کسی بود که آمریکایی‌ها او را به عنوان تروریستی با نبوغ و خوش استعداد تشخیص داده بودند چراکه در سال ۱۹۹۸ به سفارت آمریکا در کنیا و تانزانیا حمله کرده بود که در نتیجه حدود ۲۵۰ یا ۱۹۰ نفر کشته و بیش از ۱۴۰۰ نفر زخمی شدند. به گفته آمریکایی‌ها حمله ۱۱ سپتامبر هم توسط بن‌لادن انجام شده بود و بدیهی بود که آمریکا «اسامه» را از «طالبان» طلب کند ولی رهبر طالبان این خواسته را هرگز نپذیرفت چراکه او و ام‌دار «بن‌لادن» بود، و او را حافظ منافع خود می‌دانست. در ماه اکتبر آمریکا حمله خود را بر ضد تروریسم آغاز کرد و در نتیجه قسمتی از حمله خود را به طالبان و القاعده معطوف داشت و انگلیس هم او را همراهی می‌کرد. در این هنگام نیروی ائتلاف شمال نیز به حرکتی بر ضد طالبان دست زد که از طرف آمریکا نیز حمایت می‌شد و کابل و سایر شهرهای مهم را به تصرف درآوردند و در نتیجه در همان سال طالبان نیروی مقاومت خود را از دست داد و سرانجام در همان سال «هرات» را نیز واگذار کرد [۲۱].

• القاعده

دیگر گروه تروریستی که در افغانستان فعالیت می‌کند، القاعده است. شبکه القاعده در بدو امر در سال ۱۹۸۸ در پیشاور پاکستان تأسیس شد. مناطق قبایلی شمال غرب این کشور که با افغانستان هم‌مرز است، همچنان خط مقدم جبهه در جنگ علیه تروریست‌های اسلام‌گرا است. همکاری القاعده با طالبان سبب شد که قبل از حملات یازدهم سپتامبر در آمریکا، اسامه بن‌لادن بتواند در افغانستان اسکان یابد. در پی اشغال افغانستان توسط نیروهای آمریکا در سال ۲۰۰۱، اسامه بن‌لادن ناچار شد افغانستان را ترک کند. نیروهای آمریکایی نهایتاً در سال ۲۰۱۱ به مخفیگاه او در پاکستان رخنه کردند و او را کشتند. پس از آن ایمن الظواهری، که آخرین بار در اکتبر ۲۰۰۱ در افغانستان دیده شده بود، به عنوان سرکرده جدید القاعده معرفی شد. در این میان آمریکا همچنان به حمله با هواپیماهای بدون سرنشین به نواحی مرزی شمال غرب پاکستان که با افغانستان

هم مرز است، ادامه می دهد. این حملات در ظاهر علیه کسانی است که شک آن می رود از روسای القاعده باشند و با تأیید باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا صورت می گیرد. برخی از طرفداران این حملات می گویند این استراتژی مؤثر بوده و سبب حذف برخی رؤسای تروریست ها از میدان نبرد شده است. گفته می شود متحدان القاعده در پاکستان از جمله لشکر جنگوی و لشکر طیبه، به مخفی شدن تروریست های رده بالای القاعده کمک کرده اند. حافظ محمد سعید، سرکرده لشکر طیبه به اسامه بن لادن در تأسیس شبکه القاعده در سال ۱۹۸۸، کمک کرده بود. گروه تحت رهبری او عامل حملات به بمبئی در سال ۲۰۰۸ بود که منجر به کشته شدن ۱۷۴ نفر شد.

شبکه حقانی و سایر گروه های تروریستی طالبان پاکستانی و جنبش اسلامی ازبکستان نیز از متحدان القاعده هستند. این شبکه مانند القاعده پس از اشغال افغانستان توسط آمریکا به نواحی مرزی شمال غرب پاکستان نقل مکان کرد [۲۲].

۱-۴-۱- قوه مجریه

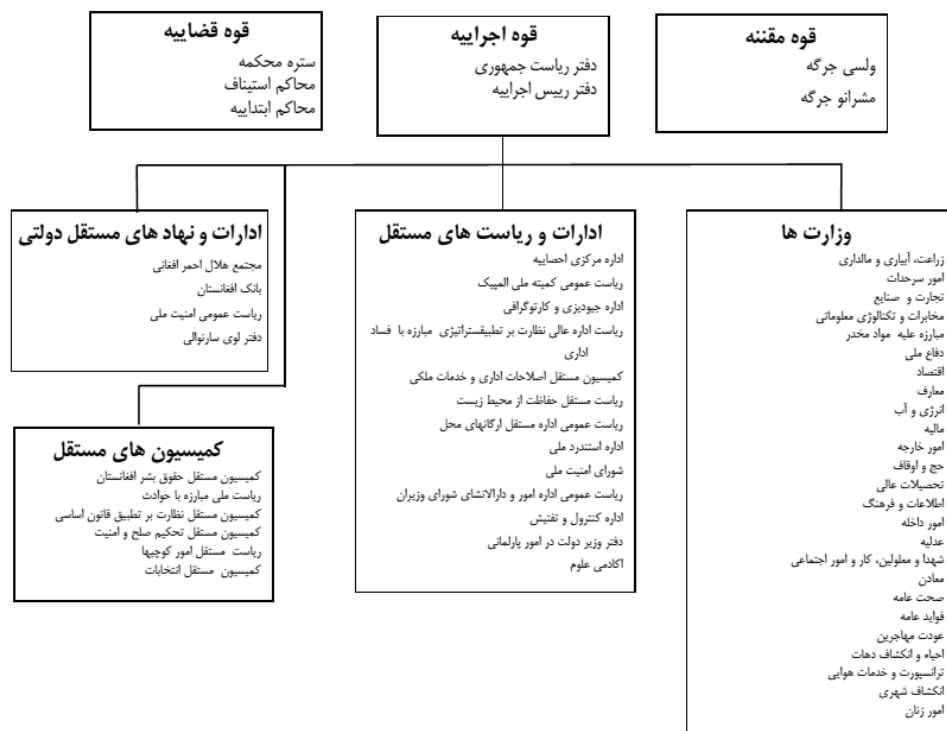
قوه مجریه (حکومت) ارگان اجرایی است که وظیفه مقررات و تطبیق قوانین را به عهده دارد. براساس ماده ۷۱ قانون اساسی افغانستان، حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس جمهور اجرایی وظیفه می نمایند. تعداد وزرا و وظایفشان، توسط قانون تنظیم می گردد. وزرا از سوی رئیس جمهور انتخاب می گردند. حکومت افغانستان ۳۰ وزیر دارد. دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سطح کشور در بخش های مختلف ریاست ها، ادارات و کمیسیون ها را ایجاد کرده تا این ادارات در راستای جریان پیشرفت، مفید واقع شوند. وزارتخانه های افغانستان که در حوزه وقف و امور خیریه به فعالیت می پردازند وزارت اقتصاد، وزارت ارشاد، حج و اوقاف و وزارت دادگستری هستند.

۱-۴-۲- قوه قضاییه

قوه قضاییه، به عنوان یک نهاد مستقل دولتی فعالیت می کند. این قوه متشکل است از دادگاه عالی، محکمه های استیناف و همچنین محکمه های مقدماتی می باشد که سازمان و صلاحیتش، باید توسط قانون تنظیم گردد. دادگاه عالی به عنوان عالی ترین

نهاد قضایی است که ریاست قوه قضاییه جمهوری اسلامی افغانستان را برعهده دارد. دادگاه عالی از نه (۹) عضو انتصابی رییس جمهور با تایید مجلس سفلی و با رعایت مفاد بند ۳ ماده ۵۰ و همچنین ماده ۱۱۸ قانون اساسی تشکیل می شود. سه عضو آن برای مدت ۴ سال، سه عضو دیگر برای مدت ۷ سال و سه عضو بعدی برای مدت ۱۰ سال منصوب می شوند. انتصابات بعدی برای مدت ۱۰ سال خواهد بود. انتصاب اعضاء برای دور دوم اجازه داده نمی شود.

ساختار تشکیلاتی حکومت افغانستان



شکل (۷-۱) ساختار تشکیلاتی حکومت افغانستان

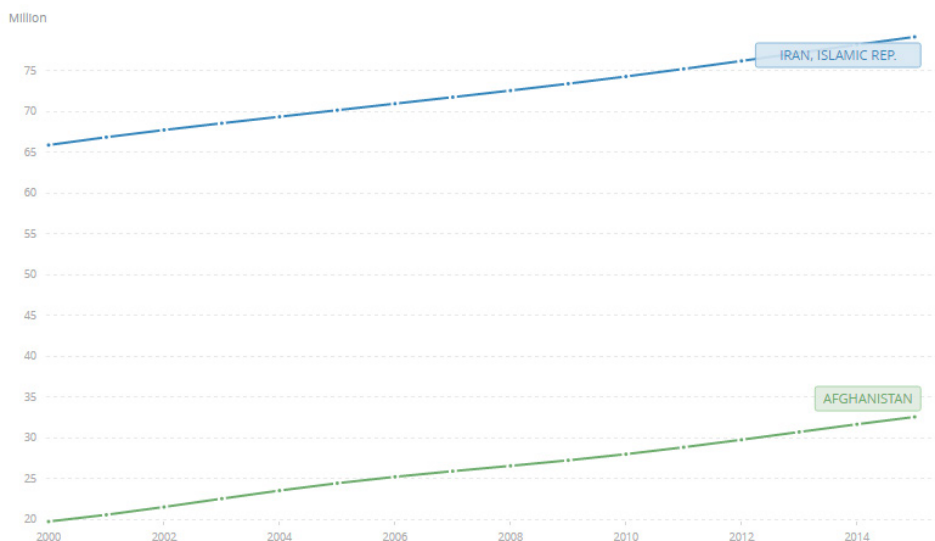
رییس جمهور، یکی از اعضا را به عنوان رییس دادگاه عالی انتخاب می نماید. اعضای دادگاه عالی قرار نیست تا آخر دوره شأن عزل گردند؛ مگر تحت شرایطی که در ماده ۱۲۷ قانون اساسی بیان شده باشد.

۱-۴-۳- قوه مقننه

به قوه مقننه جمهوری اسلامی افغانستان، شورای ملی نیز گفته می شود که شورای ملی از دو مجلس سفلی و مجلس علیا تشکیل شده است. براساس ماده ۸۱ قانون اساسی، شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، به عنوان عالی ترین ارگان قانون گذار، مظهر اراده مردم افغانستان است و از قاطبه ملت نمایندگی می کند [۱]. به صورت کلی ساختار حکومتی افغانستان در شکل زیر نشان داده شده است.

۱-۵- جمعیت و پراکندگی سنی

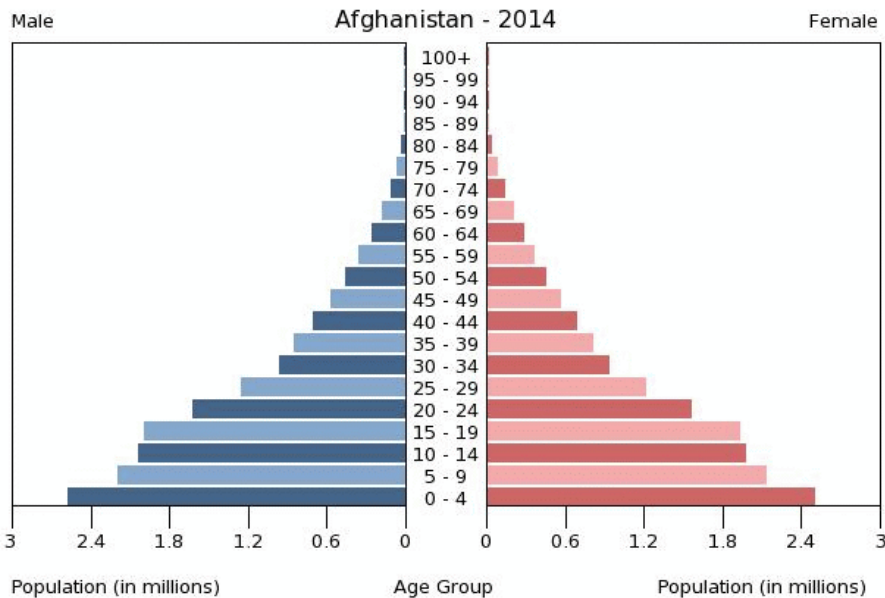
بنا بر گزارش بانک جهانی، نمودار رشد جمعیت افغانستان بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ در شکل ۱-۸ نشان داده شده است. همان طور که در شکل مشخص است، جمعیت افغانستان در سال ۲۰۱۵، تقریباً ۳۲,۵۲۶,۵۶۲ نفر می باشد در حالی که جمعیت ایران در سال ۲۰۱۵، در حدود ۷۹,۱۰۹,۲۷۲ نفر می باشد [۲].



شکل ۱-۸) نمودار رشد جمعیت افغانستان و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

سن افراد می تواند در میزان کمک های خیریه مذهبی تأثیرگذار باشد اما رابطه مشخصی بین سن افراد و کمک های غیرمذهبی مشاهده نشده است. از جمله عواملی که سبب می شود میزان کمک های خیریه در میان افراد با سن بالاتر افزایش یابد، بالاتر

بودن گرایش‌های مذهبی این افراد نسبت به افراد جوان‌تر است، از سوی دیگر افراد در سنین بالا کمتر نگران آینده مالی فرزندان خود هستند و راحت‌تر می‌توانند از اندوخته خود به دیگران کمک نمایند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که افراد با نزدیک شدن به پایان زندگی و یاد مرگ بیشتر به دیگران فکر می‌کنند و به کمک به آن‌ها می‌اندیشند. در برخی مطالعات، مشاهده شده است که زنان به دلیل حس همدلی و تمایلات مذهبی و اجتماعی، تمایل بیشتری به کمک‌های خیریه نشان می‌دهند و در عین حال مردان با وجود اینکه تمایل کمتری به کمک کردن ابراز می‌کنند، در عمل کمک‌های بیشتری می‌کنند؛ علی‌رغم این مسائل جنسیت نمی‌تواند به عنوان یک متغیر مستقل و منفرد در میزان بخشندگی افراد سنجیده شود بلکه متغیرهایی نظیر درآمد افراد و نظر سایر افراد خانواده نسبت به کمک کردن نیز تأثیرگذار می‌باشند.



شکل (۹-۱) نمودار ساختار سنی شهروندان افغانستان در سال ۲۰۱۴

۱-۶-۱- اطلاعات فرهنگی مذهبی

۱-۶-۱- فرهنگ

افغانستان به دلیل قرارگرفتن در مسیر جاده ابریشم محل پیوندگاه تمدن‌های بزرگ جهان بوده و یکی از مهم‌ترین مراکز بازرگانی عصر باستان به شمار می‌رفته است. این موقعیت مهم و حساس ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی افغانستان در شکل دادن موزاییکی غنی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ همچون ایرانی، آسیای مرکزی، خاورمیانه و آسیای جنوبی در این کشور نقش مهمی داشته است. از عصر پارینه‌سنگی و طی دوره‌های تاریخی، مردم افغانستان، یا همان ایرانیان شرقی باستان، جایگاه عمده‌ای در معرفی و گسترش ادیان جهانی و نقش مهمی در بازرگانی و دادوستد داشته و گهگاه کانون مسلط سیاسی و فرهنگی در آسیا بوده‌اند.

نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های به‌جامانده از دوران باستان است. زمان برگزاری نوروز، در آغاز فصل بهار است. نوروز در افغانستان نیز همچون ایران آغاز سال نو محسوب می‌شود. این جشن طبق سنت‌ها برای مدت دو هفته برگزار می‌شود و مردم از چند روز قبل (حداقل قبل از چهارشنبه سوری) برای آغاز این جشن آماده می‌شوند. جشن‌های نوروزی در افغانستان عبارت‌اند از:

جشن گل سرخ: جشن گل سرخ (میله گل سرخ) یک جشن خاص است که در مزار شریف در ۴۰ روز اول سال و به مناسبت رویدن گل‌های سرخ اجرا می‌شود و در طول این ۴۰ روز مردم از همه جا برای حضور در این جشن به مزار شریف می‌آیند. این مراسم به‌طور همزمان با مراسم جهنده علی (یا پرچم علی) انجام می‌شود. این مراسم با برافراشتن یک علم (که ترکیب رنگ آن به درفش کاویانی شباهت دارد و به آن ژنده سخی می‌گویند) در حرم منسوب به امام علی و در اولین روز سال اجرا می‌شود. جشن گل سرخ برای چهل روز در دشت‌های لاله و حرم ادامه می‌یابد [۱۹].

۱-۶-۲- مذهب

کشور افغانستان به دلیل همسایگی با ایران نقاط مشترک فرهنگی مذهبی زیادی با ایران دارد. ۹۹٫۷ درصد مردم افغانستان مسلمان هستند و مابقی پیرو دیگر ادیان‌اند [۱۵].

جدول ۱-۱) پیروان مذاهب مختلف اسلام در افغانستان

مذهب	درصد پیروان
سنی	۸۴,۷ - ۸۹,۷
شیعه	۱۰-۱۵

غالب مردم مسلمان افغانستان از پیروان مذهب حنفی هستند، گرچه در این زمینه، آمار دقیق رسمی وجود ندارد، اما آنچه بیشتر پژوهشگران، به طور تقریبی ارائه کردند، پیروان مذهب حنفی را بین ۶۵ تا ۷۰ درصد از کل جمعیت افغانستان اعلام داشته‌اند. که از اقوام پشتون، تاجیک، ترکمن، عرب، بلوچ، ایماق، قرقیز، قزاق، نورستانی، هزاره و... ترکیب یافته است. پیروان مذاهب دیگر اهل سنت مثل شافعی، حنبلی و مالکی یا وجود ندارند و یا این که در خفایند و کسی به پیروی از این گونه مذاهب شهرت نیافته است.

مذهب «حنفی» همواره تنها مذهب رسمی افغانستان بوده است که دربرگیرنده اقوام مختلف ساکن افغانستان را شامل می‌شده است.

در کشور افغانستان در گذشته امور قضایی مردم افغانستان (شیعه و سنی) تابع تصمیمات و صلاح‌دیدهای قاضی (حنفی) بوده است، قضات دارای اختیارات گسترده بوده‌اند، نیز نوع مجازات و کیفر متناسب با جرایم را از قبل تعیین نمی‌کرد و در واقع مجازات تابع دیدگاه و رأی شخص قاضی بود. در دوره امان الله خان دست به اصلاحات قضایی زد با همکاری برخی از فقهای نواندیش، مثل، «مولوی عبدالواسع قندهاری» اقدام به تدوین کتاب «تمسک القضا امانیه» نمود. در این کتاب مبانی و صلاحیت‌های قضات را محدود کرد و از همه مهم‌تر این که به تعریف و تعیین مجازات و جرم نیز پرداخته شد که از این پس هر قاضی نمی‌تواند، طبق برداشت‌های شخصی خویش حکم، صادر کند.

شیعیان افغانستان از نظر جمعیت، دومین مذهب مردم افغانستان به حساب می‌آیند. شیعه‌ها از اقوام مختلفی چون: هزاره، قزلباش، سادات، بلوچ‌ها، پشتون‌ها، تاجیک‌ها و... ترکیب یافته‌اند که عمدتاً جمعیت شیعیان افغانستان را (هزاره‌ها و

سادات) تشکیل می دهند. البته در این زمینه آمار دقیق و متفق علیه از تعداد پیروان این مذهب وجود ندارد [۱۶].

در افغانستان مساجد باشکوه و معروفی بنا نهاده شده که هم محل عبادت است هم در آن کارهای فرهنگی و سیاسی صورت می گیرد در برخی شهرها مساجد امن ترین پناهگاه در هنگام بارش برف و باران است. از مساجد معروف می توان به مسجد کبود در شهر مزار شریف اشاره کرد که برخی از حنفی های آن منطقه معتقدند که پیکر حضرت علی ابن ابی طالب در آن مکان به خاک سپرده شده است. این مسجد یکی از قدیمی ترین مساجد افغانستان است و در سال ۱۰۱۷ هجری شمسی بازسازی شد و تغییراتی در ظاهر آن ایجاد گشت [۱۷]. از مساجد دیگر می توان به مسجد عبدالرحمن کابل، مسجد شاه دو شمشیره، مسجد عیدگاه و مسجد جامع پل خشتی اشاره کرد [۱۸].



| فصل دوم |

مفهوم وقف و امور خیریه در کشور افغانستان



۲- مفهوم وقف و امور خیریه در کشور افغانستان

۲-۱- مقدمه

در فصل گذشته اطلاعاتی کلی درباره کشور افغانستان بیان شد. پیش از ورود به بررسی ساختار نظام مدیریت وقف و امور خیریه در افغانستان لازم است مفاهیم اولیه در خصوص وقف، امور خیریه، جمعیت‌ها، و مؤسسات خیریه بیان گردد.

۲-۲- اشخاص حکمی (حقوقی)

مطابق با ماده ۳۳۸ قانون مدنی افغانستان شخص حکمی (حقوقی) شخصیت معنوی است که واجد اهلیت حقوقی بوده و بنابر اهداف معین به شکل مؤسسه، شرکت یا جمعیت تشکیل می‌گردد. شخصیت حکمی دو نوع است:

– شخصیت حکمی عام که شامل دولت، ارکان، ادارات فرعی یا شعبات مربوط به آن و تأسیسات عامه می‌باشد.

– شخصیت حکمی خاص که ناشی از اراده افراد خصوصی بوده به شکل جمعیت‌ها، وقف، مؤسسات، شرکت‌های مدنی یا تجارتي و امثال آن به وجود آمده باشد، مگر اینکه قانون چنین شخصیت‌ها را عام قرار داده باشد [۲].

۲-۳- وقف

مطابق با ماده ۳۴۴ قانون مدنی افغانستان وقف عبارت است از حبس مال از تصرف مالکانه و بذل منفعت آن به امور خیریه. وقف، دارای شخصیت حکمی است که

توسط اساسنامه تثبیت می‌گردد. برای واریسی امور مربوط به وقف اداره دولت به نام اوقاف وجود دارد که عواید و مصارف آن را مطابق با شرایط لازمه وقف بر وفق اساسنامه آن اداره و مراقبت می‌نماید. مگر اینکه قوانین خاص طور دیگری حکم کرده باشد. وقف دارای حقوق و وجایب مالی مستقل بوده و به پرداخت دیونی که طبق شرایط اساسنامه به مصرف رسیده، مکلف می‌باشد. صحت وقف، رجوع از آن و هرگونه تغییر در مصارف و شرایط لازمه و یا معاوضه مال موقوفه، وقتی از طرف وقف کننده اعتبار دارد، که در دفاتر مربوط ثبت (دفاتر خاصی که در اداره ثبت اسناد به این منظور تعیین گردیده به ثبت می‌رسد) گردیده باشد.

در قانون افغانستان هرگاه سند وقف مشتمل بر تصرفی باشد که قانوناً ممنوع و یا باطل بوده و یا وقف کننده فاقد اهلیت قانونی باشد، اداره ثبت اسناد در چنین موارد به ثبت آن اقدام نمی‌نماید.

در قانون افغانستان وقف به دو صورت دائمی یا موقت صورت می‌پذیرد. موقوفه برای مسجد و مؤسسات عامه به صورت موقت نمی‌تواند اتفاق بیفتد. از طرفی نیز وقف خاص موقت بوده و به زیاده از دو طبقه اولاد وقف کننده جواز ندارد. در تقسیم بندی دیگر وقف در افغانستان به دو صورت وقف اموال منقول و غیرمنقول نیز صورت می‌پذیرد. در افغانستان وقف به امور خیریه در صورتی مجاز است که از نظر احکام دین مقدس اسلام و منافع ملی، امر خیریه شناخته شود.

مطابق با قانون مدنی مبادله مال موقوفه پس از بررسی و اظهار نظر اداره اوقاف در دفتر مربوط ثبت می‌گردد. ضمناً در افغانستان وقف کننده نمی‌تواند بیش از ثلث مال خود را به اشخاص غیر وارث یا به بعضی از ورثه و یا امور خیریه وقف نماید. هرگاه وقف کننده شرطی گذارد که مخالف منافع ملی، مصلحت وقف یا مستحقان باشد، وقف صحیح اما شرط از اعتبار ساقط می‌گردد [۲].

۲-۳-۱- اداره وقف

وقف کننده در سند وقف، شخصی را برای نظارت در امور اداره، به کار انداختن مال موقوفه و توزیع فواید آن بر مستحقان به تناسب سهامشان که در سند وقف تصریح شده

باشد، تعیین نموده، حدود وظایف و صلاحیت وی را با شخصی که بعداً نظارت می‌کند تعیین می‌نماید.

نظارت وقف عام از وظایف وزارت ارشاد، حج و اوقاف می‌باشد. این اداره امور مربوط به اموال موقوفه را مطابق اساسنامه خود تنظیم، تصرف و اداره می‌نماید. محکمه نمی‌تواند برای اداره مال موقوفه بیش از یک ناظر تعیین نماید. مگر اینکه در تعددشان مصلحت متصور باشد. در این صورت محکمه صلاحیت هریک از ناظران را تعیین نموده و می‌تواند به هریک از ناظران قسمتی از وقف را تخصیص بدهد؛ که در این صورت هر ناظر در اداره قسمت مربوط به خود مستقل می‌باشد.

ناظر در برابر مال موقوفه امین و از طرف مستحقان وقف وکیل شناخته می‌شود. ناظر مکلف است تمام مصارف را مطابق با دستورالعملی که محکمه تعیین نموده به عمل آورد، مگر اینکه عرف جاریه مخالف آن باشد.

ارکان وقف در افغانستان عبارت‌اند از:

۱. واقف: شخصی است که مال خود را وقف می‌کند.
۲. موقوف علیه: شخصی است که استیفای منافع موقوفه از طرف واقف به او واگذار شده است.

۳. عین موقوفه: مالی است که موضوع وقف قرار می‌گیرد.

۴. جهت وقف (شخصیت حکمی وقف).

وقف به اعتبار موقوف علیه و جهت آن بر دو قسم ذیل می‌باشد:

۱. وقف عام: مالی که برای امور خیریه جهت منافع عامه وقف شده باشد، مانند مدرسه یا برای اشخاص غیرمحصور مثل محصلان.
۲. وقف خاص: مالی که برای امور خیریه در جهات مخصوص یا اشخاص محصور وقف شده باشد (مانند اولاد) [۲].

۴-۲- جمعیت‌ها

مطابق با ماده ۴۰۳ قانون مدنی افغانستان جمعیت عبارت است از مجموع اشخاص حقیقی یا حکمی (حقوقی) که برای مدت معین یا غیر معین به منظور تأمین اهداف

خیریه عام المنفعه اجتماعی، علمی، ادبی، فنی و هنری به صورت غیرانتفاعی مطابق با احکام این قانون تشکیل شده باشد.

اعطای اجازه تأسیس جمعیت‌ها از طریق مراجع صلاحیت‌دار دولتی صورت می‌گیرد. این مراجع موارد اجرایی جمعیت‌ها را از رهگذر تطابق آن با قوانین، مقررات و اساسنامه مراقبت می‌نماید.

جمعیت‌های که خلاف احکام قانون یا آداب عامه فعالیت نموده یا به اعمالی دست بزنند که برخلاف منافع ملی و اهداف تأسیسی آن باشد، باطل می‌گردد.

جمعیت دارای اساسنامه ایست که فعالیت آن را تنظیم و از طرف اعضای مؤسس آن منظور می‌شود. اساسنامه جمعیت حاوی موارد ذیل است:

– عنوان جمعیت، هدف و مرام تأسیس آن و مرکز اداره جمعیت. (مرکز اداره جمعیت در خارج از افغانستان نمی‌تواند باشد)

– شهرت مکمله اعضای مؤسس.

– عواید جمعیت، به کار انداختن و تصرف در آن.

– هیئت‌هایی که جمعیت را تمثیل می‌کند با تعیین اعضا، وظایف و طرق عزل آن‌ها.

– حقوق اعضای مؤسس.

– طریقه نظارت اموال جمعیت.

– طریقه تعدیل اساسنامه جمعیت.

– الحاق، تقسیم و تأسیس نمایندگی.

– انحلال و تصفیه امور مالی جمعیت و مرجعی که اموال به آن انتقال می‌یابد.

مطابق با قانون مدنی افغانستان جمعیت دارای هیئت‌مدیره می‌باشد. تعیین

اعضای هیئت‌مدیره، صلاحیت، وظایف و ختم عضویت اعضا در اساسنامه جمعیت

توضیح می‌گردد. هیئت‌مدیره مرکب از سه عضو و یا بیشتر بوده و مدت خدمتشان بیش

از سه سال نمی‌تواند باشد. هیئت‌مدیره در حدود صلاحیتی که در اساسنامه به آن

تصریح گردیده، امور مربوط به جمعیت را اداره می‌نماید. ضمناً جمعیت‌ها یک مجمع

عمومی نیز دارند که در خلال سه ماه بعد از ختم هر سال مالی به صورت عادی تشکیل

جلسه داده و امور مربوطه به بودجه، حساب سالانه، گزارش سالانه هیئت مدیره و گزارش مربوط به امور مالی را بررسی می نماید.

جمعیت ها در حالات آتی منحل می گردد:

– درحالی که تعهدات خود را نتوانند ایفا بکنند.

– درحالی که اموال یا منافع خود را خارج از اهدافی تخصیص دهد که در اساسنامه آن توضیح گردیده است.

– در حالی که جمعیت به تخلف از مواد مندرج اساسنامه و یا هر نوع اجراییات مخالف قانون، اهداف تأسیسی، نظام و آداب عامه مبادرت ورزد.

هرگاه محکمه به انحلال جمعیت حکم نماید، یک و یا چند شخص را برای تصفیه امور حسابی و توزیع دارایی جمعیت با رعایت احکام مندرج در اساسنامه مربوط تعیین می نماید. در صورتی که درباره توزیع دارایی جمعیت منحل شده، حکمی در اساسنامه آن موجود نباشد، محکمه می تواند این دارایی را به جمعیت و یا مؤسسه دیگری انتقال دهد که با جمعیت منحل شده اهداف مشترک داشته باشد[۲].

۲-۴-۱- جمعیت های عام المنفعه

جمعیت عام المنفعه، عبارت از جمعیتی است که به منظور تأمین منافع عامه تأسیس می گردد. اعطای عنوان جمعیت به صفت عام المنفعه توسط فرمان دولت صورت می گیرد. سلب عنوان اعطاشده توسط چنین فرمان نیز جواز دارد.

جمعیت عام المنفعه تحت مراقبت مرجع صلاحیت دار مربوط فعالیت می نماید. اجراییات جمعیت از نظر تطابق با قوانین، اساسنامه و مصوبه های مجمع عمومی توسط مرجع مذکور مورد تفتیش و تحقیق قرار می گیرد. هیئت تفتیش از طرف مرجع صلاحیت دار تعیین گردیده و در ختم کار گزارش اجراییات خود را به مرجع مربوط تقدیم می نماید [۲].

۲-۴-۲- جمعیت خیریه

جمعیت خیریه عبارت از جمعیتی است که برای تأمین اهداف خیریه و یا رفاه اجتماعی جهت استفاده اعضای جمعیت یا سایر اشخاص تأسیس شده باشد.

اعضای هیئت مدیره نمی توانند در داخل جمعیت به شغل دیگری در مقابل اجرت اشتغال ورزند. هیئت مدیره جمعیت خیریه مکلف به تهیه گزارش اجراییات سالانه می باشد. هیئت مدیره بودجه سالانه جمعیت را با اسناد و مدارک آن به مرجع صلاحیت دار تقدیم نموده معلومات مورد ضرورت مرجع مذکور را تهیه می کند.

۲-۴-۳- جمعیت فرهنگی

جمعیت فرهنگی، عبارت از جمعیتی است که هدف تأسیس آن را توسعه امور علمی، فنی، ادبی و هنری تشکیل می دهد. هیئت مدیره جمعیت فرهنگی مکلف است گزارش اجراییات سالانه خود را به اطلاع مرجع صلاحیت دار برساند.

۲-۵- مؤسسات

در قانون مدنی افغانستان مؤسسه، عبارت از شخصیت حکمی (حقوقی) است که برای انجام خدمات بشری، دینی، علمی، فنی و یا حمایتی از طریق تخصیص اموال برای مدت غیر معین تأسیس یافته و به روی اهداف غیرانتفاعی فعالیت می نماید. تأسیس مؤسسه توسط سند رسمی صورت می گیرد و سند رسمی به عنوان اساسنامه مؤسسه بوده و حاوی مطالب زیر می باشد:

- عنوان مؤسسه و مرکز اداره آن. مرکز اداره مؤسسه در خارج از افغانستان نمی تواند باشد.
- هدف و مرام تأسیس آن.
- اسم و شهرت مکمله مؤسس یا مؤسسان.
- تفصیلات دارایی ای که به مؤسسه تخصیص یافته است.
- تشکیل اداری مؤسسه و اسم رییس آن.
- طریقه نظارت و تفتیش امور مالی مؤسسه.
- طریقه تعدیل اساسنامه، الحاق، تجزیه و تأسیس نمایندگی های مؤسسه با توضیح طریقه تصفیه و تعیین مرجعی که اموال مؤسسه به آن تعلق می گیرد.
- احکام مربوط به جمعیت ها از قبیل تأسیس، الحاق، تجزیه، تأسیس نمایندگی، تعیین رییس موقت، انحلال و تصفیه، تبدیل مؤسسه به عام المنفعه و همچنان حکم مندرج ماده (۴۱۸) این قانون بر عموم مؤسسات نیز قابل تطبیق می باشد. احکام مربوط

به مؤسسات مندرج این قانون درباره مؤسسه که به شکل وقف تأسیس یافته باشد، استثناء تطبیق می‌گردد [۲].

۲-۵-۱- مؤسسات غیردولتی

مطابق با قانون مؤسسات غیردولتی افغانستان مؤسسات غیردولتی به صورت زیر تعریف می‌شود:

۱. مؤسسه غیردولتی: سازمان غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی بوده که شامل مؤسسات داخلی و خارجی می‌گردد.

۲. مؤسسه غیردولتی داخلی: عبارت از مؤسسه غیردولتی داخلی بوده که به منظور پیشبرد هدف یا اهداف معین تشکیل می‌گردد.

۳. مؤسسه غیردولتی خارجی: عبارت از تشکل غیردولتی بوده که در خارج افغانستان مطابق قانون دول خارجی تأسیس گردیده و شرایط این قانون را بپذیرد.

۴. مؤسسه غیردولتی خارجی بین‌المللی: عبارت از تشکل غیردولتی بوده که در خارج افغانستان مطابق قانون دول خارجی ایجاد و فعالیت آن بیش از یک کشور را شامل می‌نماید. مؤسسات ملل متحد و ارگان‌های مربوطه آن شامل این تعریف نمی‌باشند.

۵. غیرانتفاعی به این مفهوم که:

— مؤسسه نمی‌تواند دارایی، عایدات و منافع حاصله را به جز اهداف کاری مؤسسه به هیچ شخصی توزیع نماید.

— مؤسسه نمی‌تواند از دارایی، عایدات و منافع حاصله به مقاصد و منافع شخصی مؤسسان، اعضا، هیئت‌مدیره، مسؤولان، کارکنان، کمک‌دهندگان یا نزدیکان آن‌ها به شکل مستقیم یا غیرمستقیم استفاده نماید.

مؤسسه از پرداخت هر نوع مالیات، تکس و محصولات گمرکی در ارتباط با واردات اموال، اجناس و سایر تجهیزات مربوط به حوزه فعالیتشان که در پیشبرد اهداف غیرانتفاعی و خیریه ضروری می‌باشد، طبق احکام قوانین مالیات بر عایدات و گمرکات معاف می‌باشد [۳].

۲-۶- قوانین مرتبط با وقف و امور خیریه

قانون مدنی افغانستان با ۲۴۱۶ ماده به تفصیل در خصوص موضوعات مختلف مطالبی را بیان نموده است. در این قانون وقف و مفهوم آن در افغانستان و شرایط و احکام اجرایی آن بحث شده است. ضمناً در این قانون به طریقه نظارت بر موقوفات و انواع آن بیان شده است. همچنین مشابه وقف در این قانون در خصوص جمعیت‌ها، جمعیت‌های عام‌المنفعه، جمعیت خیریه، جمعیت فرهنگی و مؤسسات مطالبی بیان شده و تعریف هر یک و مسئولیت اداره و نظارت در هر یک مشخص گردیده است. یکی دیگر از قوانین نافذ در حوزه وقف و امور خیریه قانون مؤسسات غیردولتی افغانستان می‌باشد. در این قانون به تفصیل در خصوص مؤسسات غیردولتی، احکام مترتب بر آن، معنا و مفهوم آن در حقوق افغانستان، مسئولیت اداره و نظارت بر مؤسسات غیردولتی و مباحثی این چنینی بحث شده است. ضمناً در این قانون در خصوص مسئولیت وزارت اقتصاد و کمیسیون عالی ارزیابی نیز مطالبی بیان شده است. قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان یکی دیگر از قوانین حاکم بر بخش وقف و موقوفات در افغانستان می‌باشد. در این قانون به تفصیل در خصوص وقف و احکام و شرایط آن به صورت مجزا پرداخته شده است. علاوه بر قانون مدنی افغانستان که در آن به اختصار به جمعیت‌ها پرداخته شده بود، قانونی دیگری با عنوان قانون جمعیت‌ها به صورت مجزا در خصوص جمعیت و تعاریفی که در این خصوص وجود دارد و همچنین احکام و شرایط آن در افغانستان وجود دارد. قوانین فوق به تفصیل در پیوست گزارش قرار دارد.



| فصل سوم |

روند توسعه و وضعیت موجود وقف و امور خیریه در کشور افغانستان



۳- روند توسعه و وضعیت موجود وقف و امور خیریه در کشور افغانستان

۳-۱- مقدمه

در این فصل ابتدا تاریخچه تحول حکمرانی وقف در کشور افغانستان بیان شده است و سپس به صورت مختصر در خصوص وضعیت موجود امور خیریه و وقف و همچنین مساجد و اماکن مذهبی افغانستان توضیحاتی بیان می‌گردد.

۳-۲- نگاهی گذرا به تاریخچه تحول حکمرانی وقف در کشور افغانستان

بر اساس نیاز جامعه افغانستان و تصمیم حکومت حاکم بر آن اداره‌ای تحت عنوان اداره عالی اوقاف برای اولین بار در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی به صورت غیرانتفاعی عام‌المنفعه در حوزه وزارت قوه قضاییه تأسیس و اساس کار آن روی موضوعاتی چون: (ثبت و نام‌نویسی، پس گرفتن و به دست آوردن املاک و املاک وقفی، اموال منقول و غیرمنقول اماکن متبرکه، مزارها، تنظیم امور و انسجام مساجد و...) تشکیل داده شد. این اداره در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی بعد از تغییر رژیم شاهی به جمهوری، منحل شد و به مدیریت عمومی اوقاف و مدیریت عمومی حج تبدیل شد.

در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی این اداره ارتقا و به نام ریاست شئون اسلامی تبدیل شد. در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی ریاست شئون اسلامی به وزارت شئون اسلامی ارتقا پیدا کرد. در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی این معاونت به وزارت حج و اوقاف ارتقا پیدا کرد. در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر وقت به عنوان

ارشاد اسلامی در تشکیلات وزارت حج و اوقاف ادغام شد و وزارت حج و اوقاف به نام وزارت ارشاد، حج و اوقاف نام گذاری شد^۱ [۴].

۳-۳- وضعیت موجود مؤسسات و انجمن های فعال وقف و امور خیریه افغانستان^۲
مطابق با اطلاعات موجود در سایت وزارت اقتصاد طی سال مالی ۱۳۹۳ به تعداد ۲۵۷ انجمن غیردولتی داخلی و ۱۳ انجمن خارجی مجوز فعالیت داده شده و ارزیابی و ثبت شده است.

مطابق با گزارش وزارت اقتصاد افغانستان ۲۹۳ انجمن غیردولتی طی دو سال از اواخر سال های ۱۳۹۲ تا اواخر ۱۳۹۴ گزارشی از فعالیت های خود را به این وزارتخانه ارائه نکرده اند.

همچنین بر طبق گزارشی دیگر از وزارت اقتصاد در سال ۱۳۹۳ جمعاً ۹۰۰ مؤسسه غیردولتی داخلی و خارجی که شامل ۶۹۷ مؤسسه غیردولتی داخلی و ۲۰۳ مؤسسه غیردولتی خارجی گزارش فعالیت های خود را به ریاست تنظیم فعالیت های مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد ارائه کرده اند [۵].

جدول عمومی تلفیقی رده بندی تعداد پروژه، صورت مصارف با تفکیک درصد مصارف پروژه های اداری و بخش ها تعداد ۱۵۰ مؤسسه داخلی و خارجی برای سال ۱۳۹۳ مطابق برنامه صدر روز ریاست انسجام فعالیت های مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد نشان داده شده است.

۱. در زمینه تاریخچه وقف، علی رغم جستجو هایی که در اینترنت صورت پذیرفت، به دلیل محدودیت های دسترسی منابع و همچنین عدم انتشار اطلاعات مفید از طرف کشور مورد مطالعه، مطالب کامل تری یافت نگردید و تکمیل اطلاعات موجود، نیاز به انجام تحقیقات میدانی و مطالعات تکمیلی در این زمینه دارد.

۲. در زمینه وقف و امور خیریه، علی رغم جستجو هایی که در اینترنت صورت پذیرفت، به دلیل محدودیت های دسترسی منابع و همچنین عدم انتشار اطلاعات مفید از طرف کشور مورد مطالعه، مطالب کامل تری یافت نگردید و تکمیل اطلاعات موجود، نیاز به انجام تحقیقات میدانی و مطالعات تکمیلی در این زمینه دارد.

جدول ۳-۱) جدول عمومی تلفیقی رده بندی تعداد پروژه ها ۱۵۰ مؤسسه غیردولتی برتر در سال ۱۳۹۳ (میلیون دلار)

تعداد کارمندان پروژوی					
تعداد مستفید شونده					
45.68%	744	169	575	تعداد پروژه	مجموع مصارف
	298.8	65.8	233		
7.42%	116	50	66	تعداد پروژه	مجموع مصارف
	43.14	10.14	33		
17.88%	240	43	197	تعداد پروژه	مجموع مصارف
	117	36	81		
29.81%	272	161	111	تعداد پروژه	مجموع مصارف
	195	90.5	104.5		
100%	1372	423	949	تعداد پروژه های چهار سکتور	
11.15%	72.86	18.34	54.52	مصارف ادارى	مجموع مصارف
88.85%	581.17	184.17	397	مصارف پروژوى	
100%	654.03	202.51	451.52	مجموع مصارف	
تعداد	150	50	100	تعداد	
	مجموع كل	داخلى	خارجى	مؤسسات غير دولتى	
		1393		سال	

مطابق با گزارش ریاست انسجام بررسی و ثبت جمعیت ها و احزاب سیاسی وزارت دادگستری افغانستان در سال ۱۳۹۵، تعداد مجوزهای صادرشده برای جمعیت های مختلف توسط این ریاست ۶۶۴ مورد بوده است و مجوز ۵۷۰ جمعیت تمدید شده است. همچنین بر طبق این گزارش ۹۴ مورد مجوز جدید برای جمعیت ها صادر شده

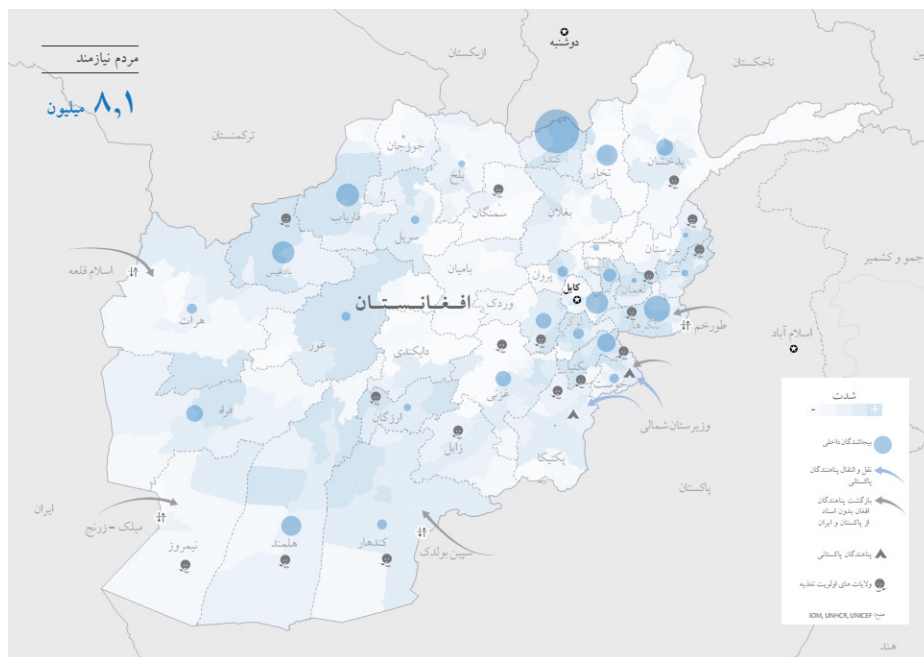
است. در سال ۱۳۹۴ تعداد مجوزهای صادر شده برای جمعیت‌های مختلف توسط این ریاست ۷۰ مورد بوده است و مجوز ۵۰ جمعیت تمدید شده است. همچنین بر طبق این گزارش ۲۰ مورد مجوز جدید برای جمعیت‌ها صادر شده است [۶].

به گزارش مرکز بین‌المللی قوانین غیرانتفاعی، تعداد ۴۰۰۱ مؤسسه غیردولتی داخلی در افغانستان وجود دارد و همچنین ۴۳۴ مؤسسه غیردولتی بین‌المللی به فعالیت می‌پردازند. البته لازم به ذکر است که ۱۹۷۱ مؤسسه غیردولتی فعال و ۲۷۹ مؤسسه غیردولتی بین‌المللی در اطلاعات پایه وزارت اقتصاد افغانستان وجود دارد.

همچنین به گزارش این منبع تا سال ۲۰۱۶ در افغانستان و در وزارت دادگستری ۲۳۳۴ جمعیت غیرانتفاعی به فعالیت می‌پردازند.

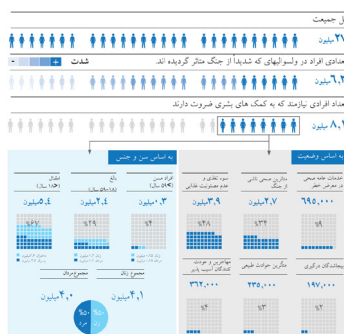
یکی از معضلات اساسی در افغانستان وجود مهاجرت‌های فراوان در این کشور به سمت کشورهای همسایه و همچنین پناهندگان مختلف از کشورهای همسایه همچون پاکستان می‌باشد. علاوه بر این بسیاری از افغان‌ها پس از مهاجرت در صورتی که قصد بازگشت به کشور خود را داشته باشند با مشکل مکانت زندگی روبه‌رو می‌شوند. همان‌طور که در شکل زیر نشان داده شده است تعداد ۸٫۱ میلیون نفر نیازمند در افغانستان وجود دارد که وضعیت آن‌ها در حالات مختلف نشان داده شده است [۷].

در شکل (۳-۱) نیازمندان افغانستان براساس ساختار سنی و جنسیت و همچنین مشکلاتی که هریک از این نیازمندان در افغانستان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند نشان داده شده است. تقریباً ۵ میلیون کودک در افغانستان با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. همچنین از حیث مشکلات بیشترین مشکل در بخش سوء تغذیه و عدم وجود مصونیت غذایی می‌باشد [۷].



شکل ۳-۱) وضعیت پناهندگان، مهاجران و نیازمندان افغانستان

در شکل (۳-۲) تعداد افراد نیازمند در افغانستان براساس بخش‌های مختلف از قبیل سرمایه اضطراری، مصونیت غذایی و امنیت غذایی، سلامت، تغذیه، مصونیت و آب و نظافت و باز طرفی با توجه به وضعیت مهاجرت، پناهندگی در معرض جنگ بودن و حوادث طبیعی نشان داده شده است [۷].



شکل ۳-۲) وضعیت نیازمندان در افغانستان از لحاظ ساختار سنی، جمعیت و مشکلات

در شکل (۳-۳) براساس مناطق جغرافیایی وضعیت نیازمندان در افغانستان تحلیل شده است.

تعداد افراد نیازمند بر اساس بخش

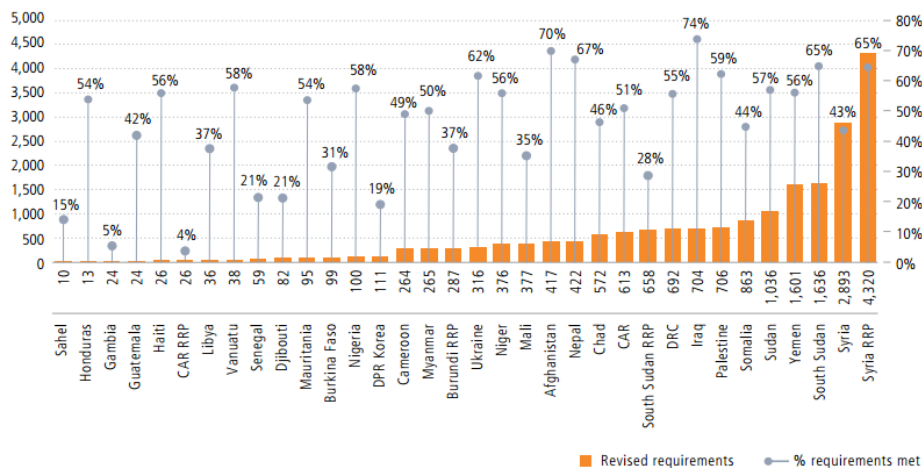


(مردان) (> ۱۸ سال)، بالغ (۱۸-۵۹ سال)، سن (< ۵۹ سال)

شکل (۳-۳) وضعیت نیازمندان در افغانستان براساس بخش های مختلف

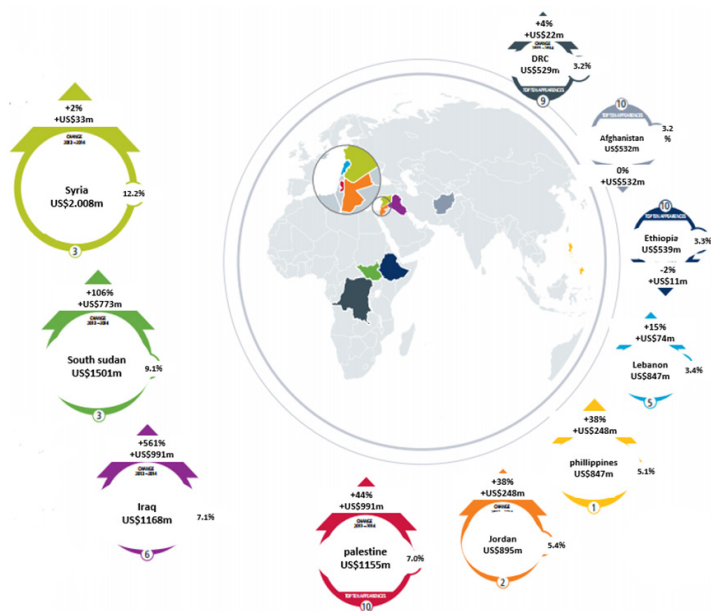
۳-۴- وضعیت دریافت کمک های بشردوستانه

در شکل (۳-۴) میزان درخواست های کمک کشورهای مختلف از جمله افغانستان (برحسب میلیون دلار) و میزان درصدی از این نیازها که برآورده شده، نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می شود کشور افغانستان در اواسط این رده بندی قرار دارد. افغانستان ۴۱۷ میلیون دلار درخواست شده و از این مقدار ۷۰٪ تأمین شده است.



شکل ۳-۴) درصد برآورده شدن درخواست های کمک کشورهای مختلف

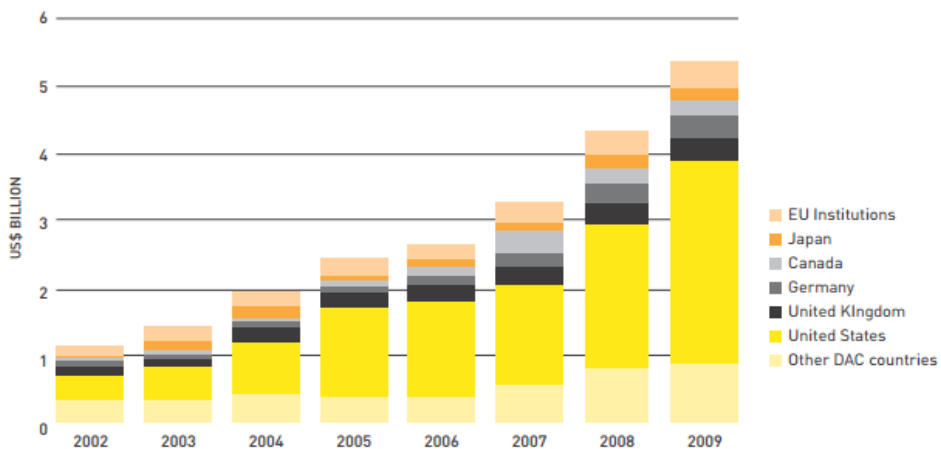
در شکل (۳-۵) ۱۰ کشور اول که بیشترین کمک های بین المللی در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به آن ها ارسال گردیده است نشان داده شده اند. در این شکل افغانستان بارنگ



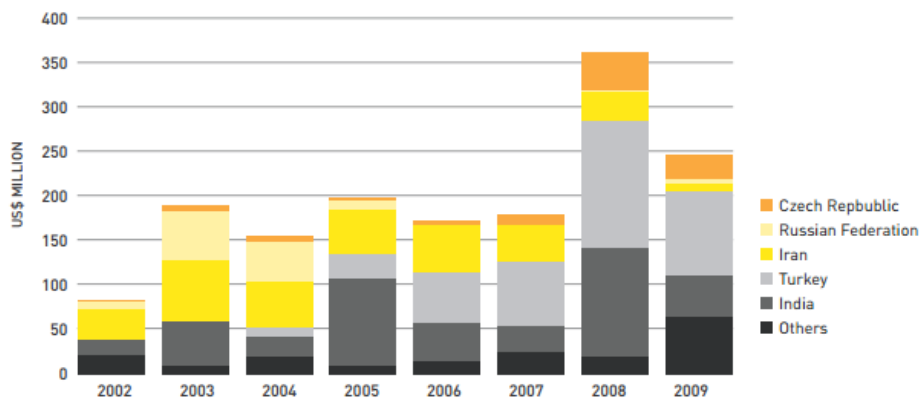
شکل ۳-۵) ۱۰ کشور اول که کمک های بین المللی به آن ها در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ ارسال گردیده است

خاکستری نشان داده شده است و نهمین کشور از نظر دریافت کمک‌های بین‌المللی بوده است. ۳٫۲٪ از کمک‌های بین‌المللی برای کشورهای محروم به افغانستان منتقل شده است و همچنین میزان کمک‌های بین‌المللی به افغانستان در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال ۲۰۱۳ تغییرات چندانی نداشته است.

میزان کمک‌های کشورهای مختلف به کشور افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ در نمودارهای (۳-۶) و (۳-۷) نشان داده شده است. همان‌طور که در نمودار قابل مشاهده است آمریکا بیشترین حجم کمک‌های بشردوستانه را به افغانستان داشته است اما آنچه که واضح است به‌طور قطع این کمک‌ها صرفاً با اهداف بشردوستانه در این کشور هزینه نشده است و آمریکا با برقراری جنگ در افغانستان و با استفاده از تأسیس مؤسسات خیریه مختلف در این کشور اهداف سیاسی و امنیتی را نیز در این کشور دنبال می‌نماید. کمک‌های سایر کشورها در نمودار به تفکیک مشخص شده است [۸].



شکل ۳-۶) میزان کمک‌های بشردوستانه کشورهای عضو کمیته کمک‌های توسعه‌ای به افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹



شکل ۳-۷) میزان کمک های بشردوستانه چند کشور به افغانستان طی سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹



افصل چهارم |

نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف وامور خیریه در کشور افغانستان



۴- نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور افغانستان

۴-۱- مقدمه

یکی از موضوعات مهم برای شناخت وضعیت وقف و امور خیریه، قرآن و مساجد در کشورهای مختلف شناخت ساختار و بازیگران فعال در این حوزه است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که با شناخت انواع بازیگران فعال در زمینه‌های مختلف و بررسی و تحلیل نوع فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، می‌توان از دستاوردهای هریک از این بازیگران استفاده کرد و از تجربیات ناموفق آن‌ها دوری جست.

در این فصل پس از معرفی انواع کنشگران فعال در سه بخش وقف و امور خیریه، مساجد و اماکن متبرکه، و قرآن و فعالیت‌های مذهبی، به شناسایی و تحلیل بازیگران مختلف با توجه به نقشی که در این سه بخش ایفا می‌کنند، پرداخته شده است. سپس نگاشت نهادی تمامی این بازیگران به همراه نوع ارتباط آن‌ها ترسیم شده است و پس از آن هریک از این بازیگران و مجموعه فعالیت‌ها، اهداف، مأموریت، چشم‌انداز، ساختار و... آن‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۲- انواع کنشگران فعال در حوزه وقف و امور خیریه

کنشگر، عبارت است از فرد، گروه و یا سازمانی که می‌تواند بر ورودی‌ها (منابع) و یا بروندهای یک سیستم تأثیر بگذارد و یا از خروجی‌ها و بروندهای آن (خدمات، محصولات، پیامدها و...) تأثیر پذیرد. در این گزارش کنشگران به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۴-۲-۱- سیاست‌گذار

یک سیاست‌گذار نهادی است که برنامه‌هایی که باید توسط دولت، کسب‌وکارها و غیره دنبال شود را تعیین می‌کند.

سیاست‌گذاری به صورت فرآیندی تعریف شده است که به واسطه آن دولت به منظور ارائه پیامد (تغییرات مطلوب در دنیای واقعی)، چشم‌انداز سیاسی خود را به برنامه و عمل تبدیل می‌کند. لذا سیاست‌گذاری، کارکرد اصلی هر دولت می‌باشد. به طور کل، سیاست می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد مانند سیاست‌های غیرمداخله‌ای، تنظیم، تشویق تغییرات داوطلبانه (مانند کمک‌های مالی) و ارائه خدمات عمومی.

براین اساس نهادهای سیاست‌گذار در سه بخش وقف و امور خیریه، مساجد و قرآن در کشور افغانستان شامل: کمیسیون عالی ارزیابی، وزارت ارشاد، حج و اوقاف، وزارت مالیه، وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری و وزارت اقتصاد می‌باشد.

– کمیسیون عالی ارزیابی: درخواست‌های مؤسسات غیردولتی برای ثبت به وزارت اقتصاد رفته این وزارتخانه به مطالعه و بررسی این اسناد می‌پردازد. سپس جهت ارزیابی نهائی به کمیسیون عالی ارزیابی سپرده می‌شود.

– وزارت ارشاد، حج و اوقاف: این وزارت سازمان‌دهی امور مربوطه اوقاف، حج و زیارت، مساجد و نشریات را بر عهده دارد. علاوه بر این بخش‌های دیگری نظیر سازمان انسجام امور قرآنی، سازمان اسناد و ارتباط، ریاست سیاست‌ها و انسجام، ریاست اداری و مالی نیز در این وزارتخانه قرار دارد. این وزارتخانه در اصل در حوزه وقف مسئولیت حکمرانی را بر عهده دارد و در برخی موارد در حوزه تصدی‌گری نیز ورود پیدا می‌کند.

۴-۲-۲- تنظیم‌گر

تنظیم مجموعه گوناگونی از ابزارهاست که به واسطه آن دولت نیازمندی‌های شرکت‌ها و مردم را تنظیم می‌کند. کارکردهای تنظیم‌کننده بنا به دلایل گوناگونی به وجود آمده‌اند از جمله:

– تعیین حقوق و مسئولیت‌های هریک از موجودیت‌های جامعه به منظور تحقق اهداف توسعه پایدار

- تنظیم استانداردهای صنعتی
- جمع‌آوری مالیات‌ها و دیگر درآمدها و ...
- به منظور درک بهتر کارکردهای تنظیم‌کننده، بررسی انواع روش‌های تنظیمی مفید خواهد بود. به صورت کلی انواع تنظیمات عبارت‌اند از:
 - فرمان و کنترل: تنظیم دستور و کنترل نوعاً وضع / تحمیل استانداردهای حمایت‌شده توسط مصوبات قانونی است، هرگاه استانداردها سازگار نباشند. بنابراین، قانون به عنوان منع یا اجبار فعالیت‌های معینی به کار می‌رود. استانداردها می‌تواند از طریق قانون‌گذاری یا تنظیم‌کنندگانی که به واسطه فرآیند تنظیم برای تعریف قانون مشروعیت دارند، تنظیم شود.
 - خود-تنظیمی: این رویکرد می‌تواند به عنوان نوعی از نسخه خود انجामी رویکرد دستور و کنترل تلقی شود. در این مورد، اغلب انجمن‌های تجاری یا کسب و کار تشکیل شده که قوانین عملکرد را ایجاد، کنترل و اجرا می‌کنند. به عنوان یک قانون، خودتنظیمی اغلب به عنوان یک روش کسب و کار دیده می‌شود که اقدام انحصاری به منظور جلوگیری از مداخله دولت انجام می‌دهد. مزایای این رویکرد شامل سطح بالای تعهد کسب و کارها و ماهیت جامع قوانین تنظیم شده می‌باشد. به علاوه، این رویکرد منعطف‌تر از رویکرد دستور و کنترل بوده چراکه به قانون‌گذاری نیازی ندارد. از سویی دیگر، خودتنظیمی می‌تواند به صورت یک رویکرد غیردموکراتیک، محدود به بررسی دقیق بیرونی و در معرض سوءاستفاده توسط کسانی که با اهداف مختلف قوانین را تنظیم می‌کنند، دیده شود. در کمترین سطح، خودتنظیمی همواره در معرض چالش‌های منتج شده از علاقه‌های بیرونی کسانی که فکر می‌کنند استانداردها و قوانین به سمت کاهش تأثیر فعالیت‌های غیرمطلوب تنظیم نشده است، قرار دارد.
 - تنظیم مبتنی بر تشویق: یک تشویق، سیاست، قانون، مکانیسم قیمت، یا رویه‌ای است که به دنبال تعدیل رفتار افراد یا شرکت‌ها به واسطه تغییر در هزینه‌ها یا سودهای حاشیه‌ای مرتبط با تصمیم یا فعالیت خاص می‌باشد. از یک سو، می‌توان گفت که تمامی تنظیمات بر مبنای تشویق است چراکه تنظیم از طریق مفهوم پایه جرمه برای

رفتارهای "بد" و پاداش برای رفتارهای "خوب" عمل می‌کند. تنظیم مبتنی بر تشویق سعی دارد به منظور کاهش هزینه‌ها و بهبود خدمات، برنامه سودمند با سودهای زیاد را پاداش دهد. هدف عمده این است که تنظیم شده فعالیت‌های غیرمطلوب خود را از طریق تحمیل / وضع مالیات و کمک‌های مالی محدود یا متوقف کند. برای به‌کارگیری این رویکرد، گام‌های اصلی شامل انتخاب واحدهای اندازه‌گیری، تعیین خط مبنا، انتخاب اهداف برای بهبود و / یا نگهداری و سپس اجرای تشویق‌ها و جریمه‌ها می‌باشد. یکی از انواع تنظیمات مبتنی بر تشویق، تنظیم مبتنی بر عملکرد (PBR) است که تشویق‌ها ملزم به بهبود در عملکرد مطلوب، کاهش قیمت و بهبود در کیفیت خدمات می‌باشد. به علاوه، PBR بیشتر به استانداردهای عملکرد خارجی متکی است و کمتر به فعالیت‌های خاص شرکت حساس است. مزایای PBR این است که به بهبود در بهره‌برداری شرکت‌ها، کاهش هزینه‌های نگهداری و عملیات و بهبود در پایایی سیستم کمک می‌کند. طرح تنبیه و تشویق به صورت مکانیکی عمل می‌کند. بنابراین کاهش در حوزه صلاحیت تنظیمی، در مقابل امکان تسخیر در فرآیند تنظیم را کاهش می‌دهد. به علاوه این رویکرد، انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری شرکت، که آیا از قانون تبعیت کند یا جریمه بپردازد، را فراهم می‌کند. اگرچه به عنوان یکی از معایب این روش، می‌توان به ایجاد قوانین بسیار پیچیده و غیرمنعطف که واقعیت‌های بازار در آن لحاظ نشده است، اشاره کرد. از مفروضات اصلی این رویکرد، عقلانیت اقتصادی است که لزوماً در همه موارد یافت نمی‌شود. همچنین، گاهی اوقات پیش‌بینی تأثیر این نوع رویکرد مشکل است. به عنوان مثال، رفتار "بد"، مانند آلودگی، می‌تواند پاداش بگیرد اگر که قوانین به طور صحیح تنظیم نشده باشند.

براین اساس نهادهای تنظیم‌گر در سه بخش وقف و امور خیریه، مساجد و قرآن در کشور افغانستان شامل: ریاست‌های ارشاد، حج و اوقاف مناطق مختلف عربستان، ریاست مدیریت کمک‌ها، ریاست انسجام، بررسی و ثبت سازمان‌های اجتماعی و احزاب سیاسی، و ریاست انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی می‌باشد.

— ریاست انسجام، بررسی و ثبت احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی وزارت

دادگستری: جمعیت‌ها از طرف وزارت دادگستری ثبت و نظارت می‌گردند و طرز تأسیس و ثبت جمعیت‌ها در مقرره جداگانه تنظیم می‌گردد و جواز نامه فعالیت جمعیت‌ها به مدت سه سال توسط وزارت دادگستری در برابره هزار افغانی صادر می‌گردد و بعد از سه سال قابل تمدید است.

— ریاست انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد: مطابق با قانون مؤسسات غیردولتی افغانستان، وزارت اقتصاد مرجع ثبت، نظارت، بررسی و انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی در افغانستان می‌باشد.

— ریاست مدیریت کمک‌ها وزارت مالیه: ریاست مدیریت کمک‌ها جهت حمایت از توسعه و بازسازی افغانستان با همکاران بین‌المللی همکاری می‌کند. این ریاست جریان کمک‌های رسمی توسعه‌ای را پیگیری نموده و در تهیه و تطبیق پروژه‌ها کمک می‌کند و در رابطه با کمک‌ها مشورت‌های سیاستی خود را ارائه می‌کند. این ریاست کوشش می‌کند تا اطمینان حاصل نماید که کمک‌های که چه از طریق بودجه ملی یا مکانیزم‌های خارجی ارائه می‌گردد.

۴-۲-۳- تسهیل‌گر

سازمان‌های محلی یا بین‌المللی هستند که معمولاً توسط دولت سرمایه‌گذاری می‌شوند و هدف آن توسعه و بهبود بازار خدمات می‌باشد. یک تسهیل‌کننده، تأمین‌کنندگان خدمات را از طریق انجام فعالیت‌های خدماتی جدید، ارتقاء تجارب مفید و ایجاد ظرفیت حمایت می‌کند. کارکردهای دیگر یک تسهیل‌کننده شامل ارزیابی خارجی تأثیر تأمین‌کنندگان خدمات، تضمین خدمات و حمایت برای محیط سیاسی بهتر می‌باشد. عمل تسهیل، کارکردی است که به‌طور معمول توسط سازمان‌های توسعه‌گرا انجام شده و می‌تواند شامل سازمان‌های غیردولتی و کارفرمایان و عامل‌های دولتی باشد. علاوه بر موارد مذکور در حوزه وقف و امور خیریه فراهم آوردن دیتابیس از مجموعه خیریه‌ها و یا انجام خدمات مشاوره‌ای برای مؤسسات خیریه نیز می‌تواند به عنوان کارکردهای تسهیل‌کنندگان در نظر گرفت.

براین اساس نهادهای تسهیل‌گر در حوزه وقف و امور خیریه شامل: اداره مشورت‌های

امنیتی برای مؤسسات غیردولتی و اداره هماهنگی کمک‌ها برای افغان‌ها (مؤسسه اکبر) می‌باشد.

— اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی افغانستان (INSO): این مؤسسه یک سازمان غیرانتفاعی، غیردولتی و بشردوستانه است که در کشور انگلستان ثبت می‌باشد. این دفتر که قبلاً در افغانستان بنام اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی افغانستان (ANSO) فعالیت می‌کرد، به صورت رایگان نیازمندی‌های مشورتی اجتماعات سازمان‌های غیردولتی را در زمینه‌های امنیتی ارائه می‌دارد. این مؤسسه توسط کمیسیون اروپا، دفتر کمک‌های بشردوستانه، اداره همکاری و توسعه‌ای سویس از نظر مالی تأمین می‌گردد.

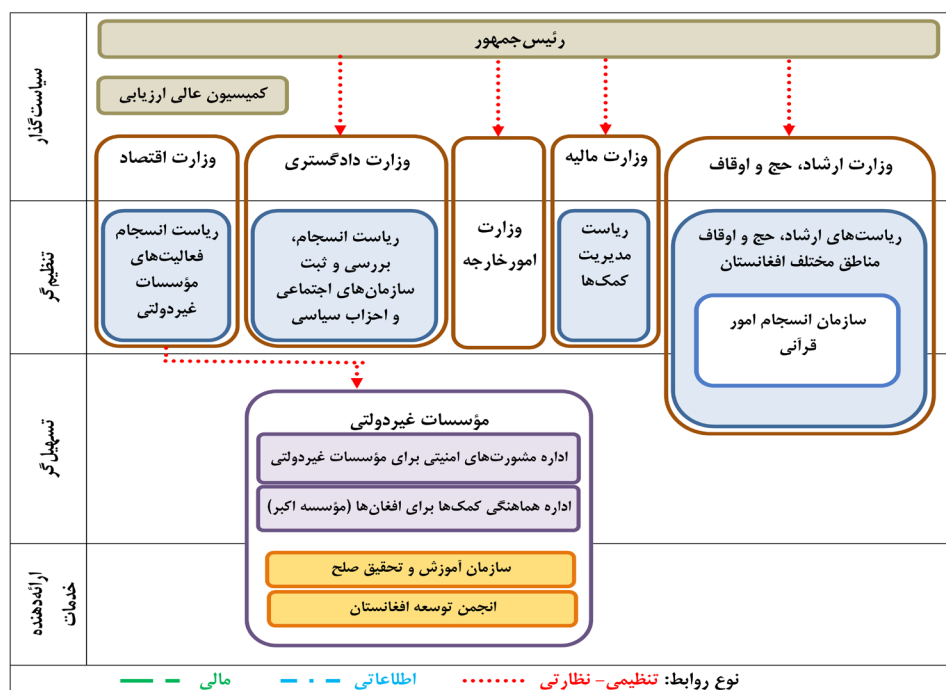
— اداره هماهنگی کمک‌ها برای افغان‌ها — مؤسسه اکبر (ACBAR): مؤسسه اکبر و اداره هماهنگی کمک‌ها برای افغان‌ها نهادی است که در زمینه حفظ شفافیت، حساب‌دهی و هماهنگی میان سازمان‌های غیردولتی در افغانستان فعالیت می‌نماید. این مؤسسه که در سال ۱۹۸۸ میلادی توسط تعداد از مؤسسات غیردولتی که برای مهاجرین افغان در پاکستان فعالیت می‌کردند، ایجاد گردید. اکنون به عنوان یک نهاد ارتباطی و انتقال‌دهنده اطلاعات میان دفاتر سازمان ملل متحد، مؤسسات غیردولتی، مؤسسات تأمین‌کننده مالی / اهداکنندگان و ادارات دولتی افغانستان همکاری می‌نماید.

۴-۲-۴ - ارائه‌دهنده خدمات

تأمین‌کننده خدمات آموزشی و پژوهشی شامل دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مؤسساتی هستند که در زمینه آموزش و پژوهش در حوزه وقف و امور خیریه فعالیت می‌کنند. ضمناً مؤسسات خیریه‌ای که وظیفه جمع‌آوری کمک‌های مردمی و صرف این کمک‌ها در میان افراد هدف را دارند نیز به عنوان ارائه‌کنندگان خدمات شناخته می‌شوند. براین اساس نهادهای ارائه‌دهنده خدمات در حوزه وقف و امور خیریه در کشور افغانستان شامل: سازمان آموزش و تحقیق صلح و انجمن توسعه افغانستان می‌باشد.

۳-۴- نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه

همان طور که در بخش پیشین اشاره شد، نهادهای مختلفی با نقش های متفاوت در حوزه وقف و امور خیریه، مساجد و قرآن در کشور افغانستان فعالیت می نمایند؛ در این بخش ابتدا نگاشت نهادی مربوط به این کنشگران در شکل ۴-۱ نشان داده شده است و سپس نهادهای سیاست گذار، تنظیم گر، تسهیل گر و ارائه دهنده خدمات در موضوعات مختلف در این سه حوزه مورد تحلیل قرار گرفته اند.



شکل ۴-۱) نگاشت نهادی

۳-۴-۱- کمیسیون عالی ارزیابی

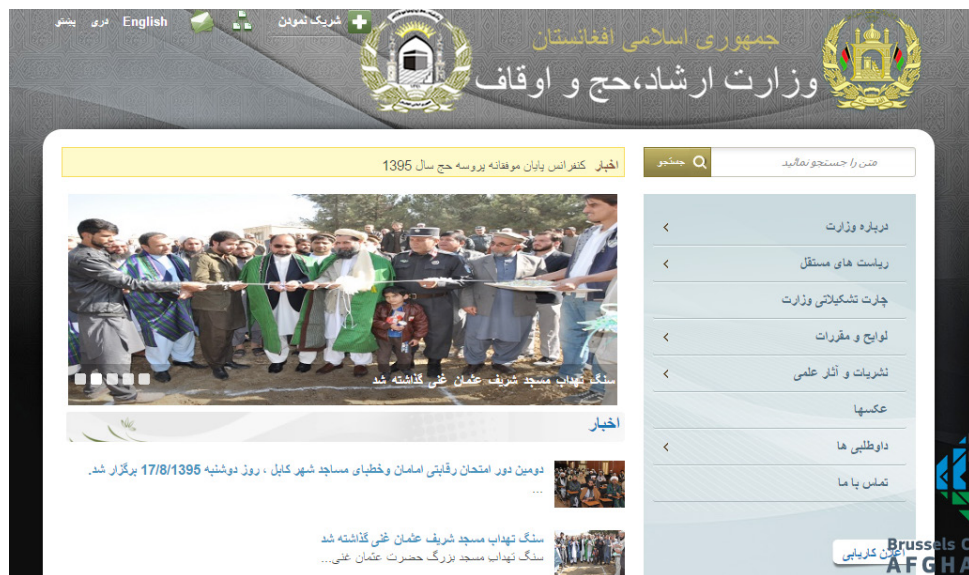
درخواست های مؤسسات غیردولتی برای ثبت به وزارت اقتصاد رفته این وزارتخانه به مطالعه و بررسی این اسناد می پردازد. سپس جهت ارزیابی نهایی به کمیسیون عالی ارزیابی سپرده می شود.

کمیسیون عالی ارزیابی از افراد زیر تشکیل شده است:

- نماینده با صلاحیت وزارت اقتصاد، به عنوان رئیس.
 - نماینده با صلاحیت وزارت امور خارجه، به عنوان عضو.
 - نماینده با صلاحیت وزارت مالیه به عنوان عضو.
 - نماینده با صلاحیت وزارت دادگستری به عنوان عضو.
 - نماینده با صلاحیت وزارت کار و امور اجتماعی، به عنوان عضو.
- کمیسیون عالی ارزیابی، درخواست های واصله ثبت را بررسی نموده، طی مدت پانزده روز از تاریخ ارائه درخواست تصمیم مبنی بر ثبت یا رد آن را اتخاذ می نماید. هرگاه ثبت مؤسسه از طرف کمیسیون عالی ارزیابی تصویب گردد، وزارت اقتصاد مکلف است جواز فعالیت به درخواست دهنده را به امضای وزیر اقتصاد و یکی از اشخاص صلاحیت دار صادر نماید. در صورتی که مؤسسه خارجی برای ثبت مراجعه کند وزارت اقتصاد مکلف است یک کپی مکمل اسناد مؤسسه خارجی را بعد از تصویب کمیسیون عالی ارزیابی به وزارت امور خارجه و وزارت بخش مربوطه ارسال نماید.
- کمیسیون عالی ارزیابی در حالات ذیل درخواست ثبت مؤسسات غیردولتی را رد می نماید:
- در صورتی که اساسنامه اسناد و مدارک ثبت مطابق شرایط مندرج در قانون مؤسسات غیردولتی نباشد.
 - در صورتی که اسناد نامکمل باشد.
 - در صورتی که نام مؤسسه درخواست دهنده با نام مؤسسه دولتی یا غیردولتی قبلاً ثبت شده و یا با نام شرکت های خصوصی مشابهت داشته و سبب سوء تفاهم گردد.
 - در صورتی که دو یا بیش از دو مؤسسه غیردولتی به عین نام درخواست ثبت را ارائه نماید. حق اولویت به مؤسسه ای داده می شود که اولاً درخواست ثبت را ارائه نموده است، در این صورت به درخواست دهنده بعدی فرصت داده می شود تا نام جدید را انتخاب نماید [۳].

۴-۳-۲- وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان

این وزارت سازماندهی امور مربوطه اوقاف، حج و زیارت، مساجد و نشریات را بر عهده دارد. علاوه بر این بخش‌های دیگری نظیر سازمان انسجام امور قرآنی، سازمان اسناد و ارتباط، ریاست سیاست‌ها و انسجام، ریاست اداری و مالی نیز در این وزارتخانه قرار دارد؛ که در حال حاضر وزارت دارای یک وزیر، دو معاون، چهار مشاور در تشکیلات داخلی و پنج مشاور در تشکیلات خارجی می‌باشد که حقوق و دستمزدشان از طرف وزارت اقتصاد پرداخت می‌شود. همچنان با یکجا شدن ریاست دادگاه عالی با این اداره تعداد ریاست‌های مرکزی آن به پانزده ریاست و دو بخش می‌رسد که جمعاً به تعداد (۸۳۳۰) پرسنل که شامل: ائمه و خطبای مساجد و واعظان تکیه‌ها و حسینیه‌ها در سراسر کشور می‌شود، علاوه بر آن براساس نیازمندی تعدادی ریاست‌های دیگر نیز در این وزارت جذب گردید که می‌توان از آن جمله از ریاست تحقیقات علوم اسلامی، ریاست مجمع علمی، نیز نام برد، همچنین شعبه‌های دومی از این وزارت نیز در منطقه تحت نام ریاست‌های ارشاد، حج و اوقاف فعالیت می‌نمایند [۴].



شکل ۴-۲) سایت وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان

۴-۳-۲-۱- خط مشی وزارت ارشاد، حج و اوقاف

وزارت ارشاد، حج و اوقاف یکی از مهم‌ترین نهادهای دولتی است که علاوه بر تنظیم امور دینی مردم، همچون پلی ارتباطی بین مردم جمهوری اسلامی افغانستان و جهان اسلام است. این وزارت به‌عنوان ارگان کلیدی برای انسجام بنیادی رشد و توسعه امور دینی و حفظ ارزش‌های فرهنگی و ملی مردم افغانستان با وجود مشکلات موجود در چارچوب مراتب قانونی و استراتژی‌های ملی براساس مسائل دینی فعالیت می‌کند [۴]. وزارت ارشاد، حج و اوقاف در عرصه ارائه خدمات دینی به مردم افغانستان با حفظ استقلال در راستای انجام وظایف خویش با ارگان‌های معارف، تحصیلات عالی، آکادمی علوم، دادگاه عالی، وزارت دادگستری، اطلاعات و فرهنگ و پارلمان در عرصه داخلی و با کشورهای اسلامی در عرصه خارجی در چارچوب مقررات قانونی، روابط کاری و استراتژیک دارد. بدین منظور این وزارتخانه می‌کوشد مراتب حقوقی خویش را در چارچوب اصول استراتژیکی دینی و ملی افغانستان توسعه و تحکیم ببخشد. این وزارت در عرصه‌های ذیل دارای خط‌مشی معین و هدفمندانه‌ای می‌باشد:

۱. در عرصه ارشاد امور دینی از طریق مساجد، حسینیه‌ها و مدارس دینی
۲. در عرصه ارائه خدمات برای حجاج و تنظیم پروسه حج و زیارت برای مسلمانان و پیروان سایر ادیان.
۳. در عرصه تنظیم امور وقف و پس گرفتن ملک‌های غصب شده وقفی.
۴. در عرصه ارائه خدمات فرهنگی، تحقیقی و علمی از طریق تحقیقات علوم اسلامی و کانال نشریاتی ازجمله: مجله پیام حق، ارشاد اسلام و چاپ کتب معتبر اسلامی.
۵. در عرصه روشن کردن افکار عامه از تحولات فقهی و مساعدت در حل مشکلات دینی مردم از طریق مجمع علمی و شوراهای علمای وزارت در مرکز و نواحی اطراف.
۶. در عرصه خدمات اجتماعی و مذهبی با بنا کردن و ترمیم ریاست‌های ارشاد، حج و اوقاف مناطق اطراف و مرکز، ساخت کتابخانه و موزه در مزار شریف، ساخت آکادمی آموزش و پرورش ائمه، ساخت مجتمع وزارت، ساخت سالن‌های فاتحه‌خوانی

زنانه در مرکز و اطراف، بازسازی ملک‌های واگذار شده وقفی از طریق درآمدهای وقفی، تأسیس یک اداره جمع‌آوری و توزیع زکات و خدمات مربوط به آن، ساخت مساجد برای ادای نماز جماعت زنان، تأسیس و ساخت یک مرکز نیرومند مستقل، باصلاحیت و علمی برای فتوا در مسائل شرعی در شهر کابل [۴].

هدف سیاست‌های این وزارت عرضه خدمات قانونمند و شایسته دینی و بالا بردن سطح آگاهی مردم برای توسعه و تحکیم مردم در برنامه‌های دولت جمهوری اسلامی افغانستان، بازسازی معنوی و فرهنگی و جلب اعتماد ملی برای تقویت نهاد دولت به منظور تحکیم پایه‌های امنیت و صلح پایدار، کاهش فقر و ایجاد یک مملکت مرفعی و متمدن و با افتخار در عرصه بین‌المللی می‌باشد. سیاست فعالیت‌های کاری وزارت ارشاد، حج و اوقاف با توجه به استراتژی‌های ملی و دینی جمهوری اسلامی افغانستان به قرار ذیل است:

الف) ارائه خدمات شایسته دینی و ارتقای سطح آگاهی‌های مردم با هدف کاهش فقر و حفظ روحیه وحدت ملی

- تقویت نهاد محراب و منبر با ساخت مساجد و حسینیه‌ها و مدارس خصوصی مربوط به مساجد.
- استخدام خطبا و امامان شایسته به منظور تحکیم و تقویت اصول شایسته سالاری.
- ایجاد کلاس‌های تخصصی برای امامان و خطبا به منظور تربیت کادرهای متخصص.
- تقویت و توسعه مدارس خصوصی در چارچوب مساجد به منظور کاهش بی‌سوادی و توسعه مسائل دینی برای اطفال و نوجوانان دختر و پسر.
- تبلیغات عمومی به منظور آگاهی سریع و به موقع مردم از ارزش‌های دینی و جلب حمایت مردم از دولت
- ارائه تبلیغات مؤثر در خطبه‌های نماز جمعه و عیدها به منظور جلب همکاری عامه مردم در نهادهای نمودن ارزش‌های حقوق بشر، محیط زیست، امور سلامت

و بهداشت، حقوق اطفال و زنان، حاکمیت قانون سهمگیری در انتخابات، مبارزه علیه مواد مخدر و فساد اداری و اخلاقی.

— تعلیم و تربیت در مدارس، جلوگیری از خروج بی رویه طلاب افغانی از کشور و توسعه فرهنگ آموزشی افغانی در داخل کشور.

ب) ارائه خدمات عبادتی و فرهنگی با هدف کمک به توسعه عمومی کشور و انجام امور عبادی سیاسی سازمان

— چاپ و نشر مجله پیام حق و هفته نامه ارشاد اسلام به منظور ارتقای سطح معلومات و آگاهی های اسلامی و دینی مردم و انعکاس فعالیت ها و عملکرد وزارت در تمامی عرصه های کاری.

— تشکیل محافل و کنفرانس ها به منظور ارج نهادن به مقام والای کتاب و سنت، گرمی داشت از ایام تاریخی کشور و توسعه روحیه همیاری در مسائل مهم کشوری و دینی.

— انسجام امور عبادی از جمله برنامه روزه ماه مبارک رمضان، برنامه ختم قرآن و جشن نزول قرآن کریم به منظور تشویق مردم به انجام رکن سوم اسلام و برجسته سازی نقش عامه مردم در توسعه فرهنگ، مبارزه علیه فقر، دستگیری از فقرا و مساکین و تحکیم عدالت اجتماعی

— راه اندازی مسابقات قرائت و تفسیر میان حافظان سراسر کشور به منظور رشد استعداد های درخشان حافظان، آماده ساختن آن ها در مسابقات بین المللی و توسعه اصل حمایت از تشکیل مراکز حفظ کلام الله مجید برای جوانان علاقه مند به دین.

— انجام تحقیقات دانشگاهی و علمی در حوزه علوم اسلامی به منظور توسعه فرهنگ غنی اسلام و تقویت نقش علما در حفظ میراث گران بهای تاریخی، علمی، فرهنگی و کشاورزی دوره های اسلامی و ملی افغانستان.

— سازماندهی هدفمندانه علمای افغانستان در چارچوب مجمع علمی به منظور

رسیدگی به مشکلات فقهی مردم و ارائه راهکار دینی برای مبارزه علیه تروریسم،
اختلاس، آدم ربایی، تعصبات قومی، زبانی، نژادی و مذهبی.

– تغییر و تنظیم مراحل حج و عمره به منظور اعزام آبرومندانه حجاج افغانی به
عربستان سعودی و تبلور حضور قانونمند و اخلاقی مردم افغانستان در کنگره
بین المللی حج.

– مساعد نمودن زمینه اعزام زائرین کربلا و امام رضا به عراق و ایران به منظور زیارت
مقبره حضرت امام حسین (ع) و امام رضا (ع).

– مساعد نمودن زمینه اعزام زائرین آب گنگ به هندوستان به منظور ادای مناسک
مذهبی سالانه هندوهای افغان.

– مساعد نمودن زمینه تحصیلات متوسط و عالی خطبا و امامان در کشورهای
اسلامی به منظور تقویت سیستم تحصیلات عالی کشور

ج) اداره املاک وقفی به منظور تقویت سیستم اقتصادی کشور و رسیدگی به مشکلات دینی مردم.

– وضع قوانین برای املاک وقفی و پس گرفتن املاک وقفی از صاحبان قدرت به منظور
تحقق عدالت اجتماعی و توسعه ارزش وقف در میان مردم.

– بازگشایی حساب مستقل در بانک به منظور جمع آوری درآمد وقفی و جلوگیری از
هدر رفتن آن ها توسط افراد و نهادهای غیرمسئول.

– آوردن تغییرات کلی در روش و شیوه جمع آوری عشر و زکات به منظور تقویت اصول
اقتصادی کشور.

– تقویت روابط کارشناسان امور وقفی افغانستان با کشورهای اسلامی به منظور انتقال
تجارب کافی کشورهای اسلامی برای بهبود سیستم کاری وقف در افغانستان.

۴-۲-۲- چند نمونه از فعالیت های اوقاف این کشور در طول ۸ سال گذشته

– سنگ فرش مسجد شریف وزیر محمد اکبر خان.

– ساخت هشت مغازه در ناحیه وقفی مسجد شریف نورزایی

- ترمیم و بازسازی زیارتگاه بابای خودی، ع،
- ترمیم و بازسازی زیارتگاه سخی
- ترمیم مقبره زیارتی تمیم صاحب انصار.
- ساخت سرویس ها بهداشتی زیارتگاه سخی صاحب با همکاری ریاست اوقاف.
- حفظ زمین های وقفی از دست صاحبان قدرت
- مجزا کردن درآمد اوقاف از درآمد دولت
- جا به جا نمودن غرفه های در ساحات وقفی نواحی مختلف شهر کابل [۴].

۴-۳-۳- وزارت مالیه

وزارت مالیه ترتیب و تطبیق بودجه، جمع آوری مالیه، تنظیم و کنترل مصارف دولت و تنظیم امور گمرکی را به عهده دارد. ضروری است تا هر دولت از دخل و خرج خود با خبر بوده تا با معلومات دقیق امکانات مالی خود را تنظیم و آنرا بطور مؤثر تخصیص دهد. مهمترین شرط موفقیت یک دولت، جلوگیری از کسر بودجه است. برای جلوگیری از کسر بودجه باید تناسب عواید و مصارف در نظر گرفته شود و در تنظیم امور آنها تدابیر جدی اتخاذ و اقدامات لازم صورت گیرد تا از یکسو جمع آوری عواید افزایش یابد و از سوی دیگر از مصارف بیجا جلوگیری گردد. چنانچه مشخص است بخش زیاد بودجه افغانستان از طریق کمک های بین المللی تامین می شود، وزارت مالیه توانسته است روز به روز نفوذ خود را بر انسجام و تنظیم کمک های بین المللی برای افغانستان افزایش دهد و حداکثر تلاش خود را صورت داده است تا جذب کمک های بین المللی از مجاری دولتی انجام گردد.

هدف وزارت مالیه افغانستان این است تا امور مالی کشور مبتنی بر اصول و موازین علمی اقتصادی تنظیم شود، افغانستان از ثبات، مصونیت و خود کفائی مالی برخوردار گردد و به این ترتیب از بیت المال با حساب دهی و شفافیت کامل جهت رفع نیازمندی های مردم استفاده صورت گیرد.

یکی از معاونت های وزارت مالیه، ریاست مدیریت کمک ها است که جهت

حمایت از توسعه و بازسازی افغانستان با همکاران بین‌المللی همکاری می‌کند و در ادامه به صورت مفصل اهم فعالیت‌های آن تبیین می‌گردد.

۴-۳-۱- ریاست مدیریت کمک‌ها وزارت مالیه

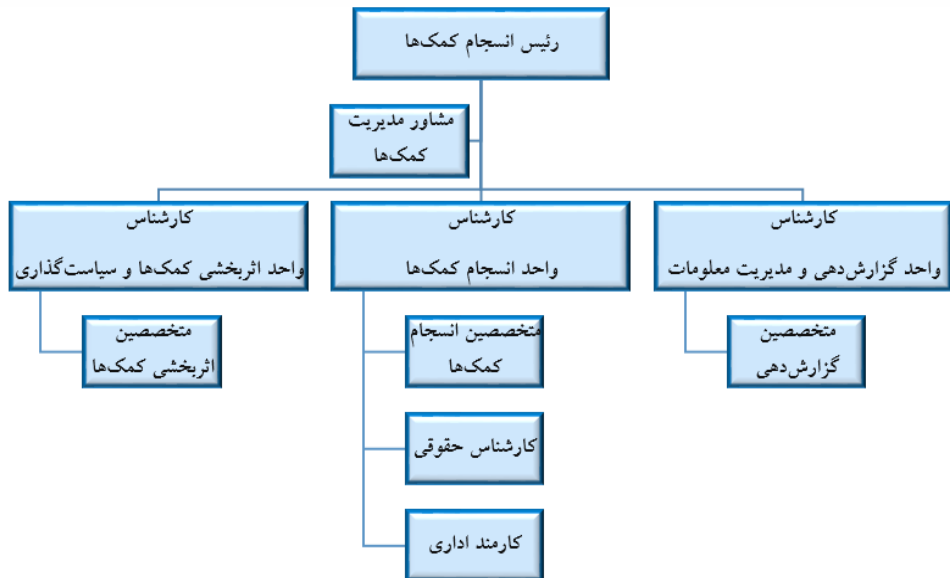
ریاست مدیریت کمک‌ها جهت حمایت از توسعه و بازسازی افغانستان با همکاران بین‌المللی همکاری می‌کند. این ریاست جریان کمک‌های رسمی توسعه‌ای را پیگیری نموده و در تهیه و تطبیق پروژه‌ها کمک می‌کند و در رابطه با کمک‌ها مشورت‌های سیاستی خود را ارائه می‌کند. این ریاست کوشش می‌کند تا اطمینان حاصل نماید که کمک‌های که چه از طریق بودجه ملی یا میکانیزم‌های خارجی ارائه می‌گردد، از طریق مطابقت آن با اولویت‌های دولت که در استراتژی توسعه ملی افغانستان تصریح گردیده است، به حد امکان به طور مؤثر استفاده گردند به صورتی که ملت افغانستان شدیداً وابسته به کمک‌ها می‌باشد، نقش ریاست مدیریت کمک‌ها به عنوان یک پل میان همکاران بین‌المللی، وزارت‌های ذی‌ربط، وزارت مالیه و جامعه مدنی برای صلح پایدار و رفاه در افغانستان، بسیار مهم تلقی می‌گردد [۹].

مأموریت اصلی ریاست مدیریت کمک‌ها با همکاری نزدیک همراه با همکاران توسعه‌ای بین‌المللی اطمینان حاصل می‌کند که کمک‌های خارجی به افغانستان به طور مؤثر و در مطابقت با نیازمندی‌ها و اولویت‌های دولت استفاده گردند.

در سال ۲۰۰۲، در جریان اداره موقت افغانستان، اداره هماهنگی کمک‌های افغانستان من حیث یک نهاد مستقل به همکاری (UNDP) ایجاد گردید. هدف از ایجاد این نهاد پیگیری کمک‌هایی بود که به افغانستان ارائه می‌گردید تا اطمینان حاصل گردد که کمک‌ها به اولویت‌ها و نیازمندی‌های دولت و مردم افغانستان پاسخگو باشد. در اواخر سال ۲۰۰۳، اداره هماهنگی کمک‌های افغانستان منحل گردید و یک واحد دیگر بنام ریاست بودجه توسعه‌ای و روابط خارجی در وزارت مالیه ایجاد گردید که مسائل مربوط به کمک‌ها را تنظیم می‌نمود. در سال ۲۰۰۶، واحد هماهنگی کمک‌ها تحت ریاست بودجه ایجاد گردید تا کمک‌های بین‌المللی را پیگیری نموده و در

خصوص سیاست‌های هماهنگی کمک‌ها و اثربخشی کمک‌ها مشورت ارائه نماید. با در نظر داشت اینکه این واحد نقش مهمی را در هماهنگی و اثربخشی کمک‌ها ایفا می‌نماید، این واحد به ریاست تحت نام ریاست مدیریت کمک‌ها در سال ۲۰۱۰ ارتقا یافت. در حال حاضر ریاست مدیریت کمک‌ها یکی از سه ریاستی می‌باشد که تحت ریاست عمومی بودجه ایفای وظیفه می‌کند. هدف ریاست مدیریت کمک‌ها عبارت است از تنظیم جریان کمک‌های توسعه‌ای و حصول اطمینان از اینکه این کمک‌ها به اولویت‌های تعیین شده و مشخص شده در استراتژی توسعه ملی افغانستان پاسخگو باشد.

در حال حاضر، این ریاست دارای سه واحد می‌باشد که عبارت‌اند از واحد هماهنگی کمک‌ها، واحد سیاست‌گذاری و اثربخشی کمک‌ها و واحد گزارش دهی و تنظیم معلومات. ساختار ریاست مدیریت کمک‌ها در چارت ذیل تشریح گردیده است [۹].



شکل ۴-۳) ساختار سازمانی ریاست مدیریت کمک‌ها

- به صورت کلی شرح وظایف مسئولیت های عمومی ریاست مدیریت کمک ها به صورت ذیل می باشد:
- حصول اطمینان از اینکه همه کمک ها (کمک هایی از طریق بودجه حکومت و همچنین خارج از بودجه به مصرف می رسد) با استراتژی توسعه ملی افغانستان همسویی و تطابق دارد
 - فعالیت در جهت افزایش میزان کمک به بودجه اصلی از سوی کشورها / مؤسسات کمک دهنده
 - هماهنگی با ریاست عمومی بودجه به منظور کمک به ترتیب بودجه ملی (بودجه های اصلی و خارجی) از طریق همسویی با تأمین مالی خارجی
 - فراهم آوری تسهیلات در جهت شامل ساختن کمک ها در اولویت های ملی از طریق شرکت در جلسات مختلفی چون جلسه کمیته عالی اثربخشی کمک ها
 - آگاه ساختن مقامات رهبری وزارت مالیه از مسائل مربوط به کمک ها
 - نمایندگی از وزارت مالیه در جلسات مختلف با جامعه بین المللی در داخل و خارج کشور [۹].

۴-۳-۴- وزارت امور خارجه

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان یکی از ۲۵ وزارت خانه دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. این وزارتخانه مسئولیت اجرای دیپلماسی و همچنین اداره روابط افغانستان با دیگر کشورهای جهان و سازمان های بین المللی را بر عهده دارد. در حال حاضر ضرار احمد عثمانی سرپرست این وزارتخانه می باشد.

مطابق با مواد مختلف قانون مؤسسات غیردولتی NGOs در افغانستان مؤسسات خارجی، اسناد و یا مدارک معتبر دیگری که ثبت و فعالیت آن ها را در سایر کشورها اثبات می نماید، باید به وزارت امور خارجه ارائه نمایند و سپس این مؤسسات، فرم های کتبی خود را که حاوی اهداف و شرح کلی فعالیت های آن ها می باشد توسط نماینده با صلاحیت دفتر مرکزی خود بعد از تأیید وزارت امور خارجه جهت ثبت به وزارت اقتصاد ارائه می نماید.

ضمناً اداره مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد بعد از دریافت درخواست ثبت مؤسسه خارجی، در صورت نواقص یک کپی اسناد را در مدت یک هفته به وزارت امور خارجه ارسال می نماید و وزارت امور خارجه مکلف است در مدت یک ماه اسناد را ارزیابی و از نتیجه آن وزارت اقتصاد را کتباً مطلع سازد، در غیر این صورت کمیسیون عالی ارزیابی می تواند درخواست ثبت را به جریان بیاورد. در صورتیکه وزارت امور خارجه در مورد ثبت مؤسسه اعتراض داشته باشد، اعتراض را همراه با اسناد و شواهد به وزارت اقتصاد ارائه می نماید و وزارت اقتصاد مکلف به بررسی آن می باشد.

۴-۳-۵- وزارت دادگستری

این وزارت از دوره های قبل از اسلام به صورت ساده و ابتدایی و نه به نام وزارت وجود داشت که طی سال های متوالی توسعه پیدا کرد و تحت قوانینی که موجب ایجاد عدل و داد در سرزمین های مختلف می شد فعالیت می کرد و به تحقیق و بازپرسی جرائم، قوانین جزا، محاکمه و صدور حکم مراجعی در تشکیلات دولتی آن وقت می پرداخت. وزارت دادگستری در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، قانون تشکیلات اساسی دولت و سایر اسناد قانونی کشور فعالیت می نماید [۶].

وزارت دادگستری جمهوری اسلامی افغانستان یک اداره دولتی بوده که وظایف عمده آن عبارت است از:

- تنظیم پیش نویس قوانین و دستورات مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان.
- ابراز نظر درباره مطابقت قراردادهای حقوقی و بین المللی، مقاوله ها (کنوانسیون ها) و موافقت نامه های تجارتي خارجی با قوانین جمهوری اسلامی افغانستان.
- مطالبه و بررسی نظریات وزارت ها و اداره های درباره پیش نویس قوانین و مقرره هایی که از طرف آن ها طرح می گردد و تکمیل آن قوانین و مقرره ها با همکاری متخصصان وزارت ها و ادارات مربوطه.
- ارائه مشاوره های قانونی و حقوقی به وزارت ها و ادارات دولتی.
- دفاع از ملک ها و منافع مادی دولت و در صورت لزوم دفاع از افراد غیردولتی.



شکل ۴-۴) نمایی از سایت وزارت عدلیه (دادگستری) افغانستان

- دفاع از حقوق مالکان، کار، خانواده و سایر حقوق مدنی اتباع براساس شکایت آنان.
- تلاش جهت ارتقای سطح آگاهی حقوقی عموم.
- بررسی اساسنامه‌های گروه‌های سیاسی و سازمان‌های اجتماعی و صدور اجازه فعالیت رسمی برای آن‌ها.
- تنظیم امور اطفال متخلف از قانون در مراکز اصلاح و تربیت اطفال.
- تنظیم و اداره امور مربوط به مساعدت‌های حقوقی.
- تنظیم و صدور جواز نامه‌های فعالیت وکلای مدافع، راهنمای معاملات و عریضه نویسان.
- چاپ و نشر اسناد قانونی.
- نشر علائم و نشان‌های تجارتي ثبت شده و اعلان ثبت اسناد در روزنامه رسمی [۶].

این وزارتخانه مطابق با چارت سازمانی زیر فعالیت های فوق را به انجام می رساند.

- سازمان بازرسی داخلی
- سازمان نشریات و ارتباطات با عموم
- سازمان بازرسی عمومی
- سازمان عمومی قضایای دولتی
- سازمان عمومی حقوقی
- سازمان عمومی کمک‌های حقوقی
- سازمان عمومی مراکز اصلاح و تربیت اطفال
- سازمان انسجام احزاب و سازمان‌ها
- سازمان امور اداری و مالی
- سازمان منابع انسانی
- سازمان حمایت حقوق بشر
- سازمان تدارکات

۴-۳-۵-۱- ریاست انسجام، بررسی و ثبت احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی
ریاست انسجام، بررسی و ثبت سازمان‌های اجتماعی و احزاب سیاسی باهدف
بررسی و ثبت سازمان‌های اجتماعی و احزاب سیاسی براساس فرمان شماره ۱۵۲ مورخ
۱۳۸۱/۸/۵ در چارچوب وزارت عدلیه ایجاد گردید.

اهم وظایف این ریاست به شرح ذیل می‌باشد:

- مطابق قانون احزاب سیاسی و مقررہ طریقه ثبت احزاب سیاسی که به اساس مصوبه
شماره ۲۳ مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۷ مجلس عالی و ذرا و طی فرمان شماره (۷۳) در تاریخ
۱۳۸۲/۷/۲۲ از جانب رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و به تاریخ
۲۶ میزان سال ۱۳۸۳ نیز در جریده رسمی شماره (۸۱۲) به نشر رسید، وزارت عدلیه
عهده‌دار بررسی، ثبت و صدور جواز فعالیت برای احزاب سیاسی گردید که این
وظیفه به ریاست انسجام محول شد و هم‌اکنون اجرای آن را بر عهده دارد.
- طبق قانون سازمان‌های اجتماعی بنا بر مصوبه شماره (۴۴ بر ۱۲) مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۵
مجلس عالی و ذرا که به تاریخ ۱۳۸۱/۸/۵ توسط رئیس دولت انتقالی اسلامی

افغانستان توشیح و به تاریخ ۲۲ جدی سال ۱۳۸۱ در جریده رسمی شماره (۸۰۴) به نشر رسید، این ریاست عهده دار بررسی، ثبت و صدور جواز فعالیت برای سازمان های اجتماعی مذکور گردیده است.

لازم به ذکر است که از آغاز فعالیت ریاست انسجام درباره ثبت احزاب سیاسی تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۷ جمعاً ۵۷ حزب سیاسی توانسته اند بر اساس قانون جدید احزاب سیاسی پس از طی مراحل قانونی، مجوز فعالیت دریافت نمایند و همچنین از آغاز فعال شدن این ریاست تا حال جمعاً به تعداد ۳۷۷۰ سازمان اجتماعی جواز فعالیت کسب نموده اند.

لذا همان طور که در بالا نیز اشاره شد در افغانستان جمعیت ها از طرف وزارت دادگستری ثبت و نظارت می گردند و طرز تأسیس و ثبت جمعیت ها در مقررۀ جداگانه تنظیم می گردد و جوازنامه فعالیت جمعیت ها به مدت سه سال توسط وزارت دادگستری در برابره هزار افغانی صادر می گردد و بعد از سه سال قابل تمدید است. وزارت دادگستری موظف است شعبه صدور و تمدید جوازنامه ها را در مراکز ولایت ها ایجاد نماید [۶].

۴-۳-۶- وزارت اقتصاد

این وزارت هماهنگ کننده ی فعالیت های اقتصادی در سطح کشور است و با رشد اقتصادی و اجتماعی تأمین کننده رفاه عموم جامعه می باشد و عامل فقرزدایی در جامعه است و در این عرصه بیش از ۶۰ سال سابقه ی کاری دارد. اهداف استراتژیک وزارت اقتصاد عبارت است از:

- نهادینه ساختن سیاست ها و استراتژی های اقتصاد ملی بر مبنای اقتصاد بازار
- تسریع پروسه رشد اقتصادی و اجتماعی، ارتقای تأثیرات اقتصادی و تأمین ظهور متوازن بخش های اقتصاد ملی.
- تأمین رشد پایدار در روشنائی سیاست های دولت همچنین تشویق، حمایت و تقویت بخش خصوصی که منتج به ازدیاد درآمد سرانه، تولید ملی، بهبود سطح استخدام و استقرار سطح متولیان گردد.
- از وظایف اصلی وزارت اقتصاد افغانستان می توان به موارد زیر اشاره نمود:

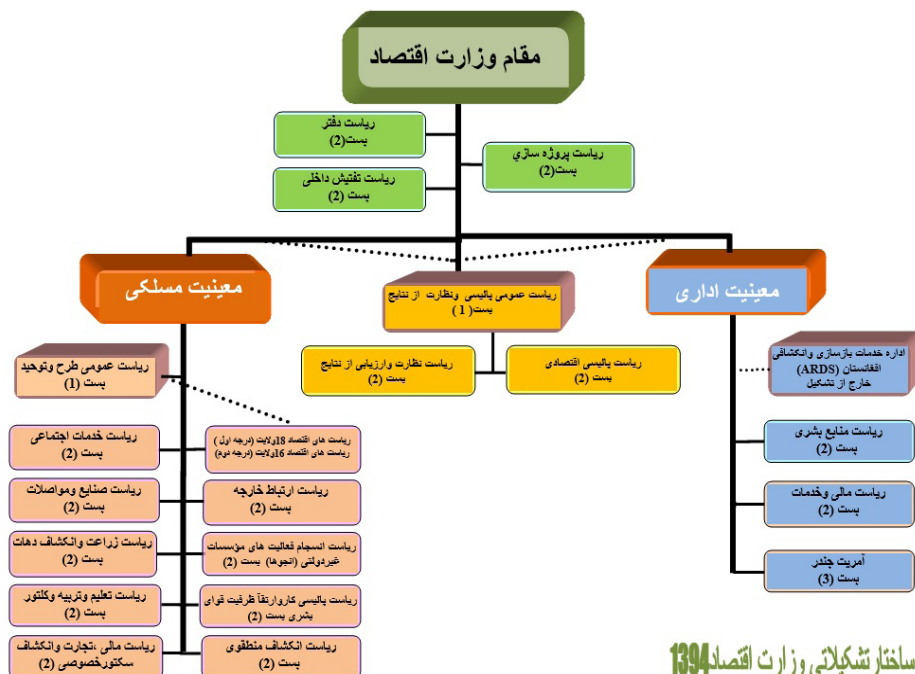
– انسجام و هماهنگی طرح‌ها و ترتیب سیاست، استراتژی و برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت به منظور تسریع روند رشد اقتصادی و اجتماعی کشور و نظارت بر تطبیق آن

– ثبت و اعطای جواز برای مؤسسات غیردولتی (NGO) و نظارت از جریان فعالیت‌های آن‌ها [۵]

این وزارت جمعاً از ۹۵۰ بخش که شامل ۵۴۱ بخش مرکزی و ۴۰۹ بخش منطقه‌ای تشکیل شده است.

از ۲ ریاست عمومی و ۱۶ ریاست مرکزی و ۳۴ ریاست منطقه‌ای تشکیل شده است. وظایف عمده هر بخش از این قسمت‌ها شامل موارد زیر است:

– مدیریت و انسجام طرح و ترتیب سیاست، استراتژی و برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت به منظور تسریع روند رشد و توسعه



ساختار تشکیلاتی وزارت اقتصاد 1394

شکل ۴-۶ ساختار سازمانی وزارت اقتصاد افغانستان

اقتصادی و اجتماعی کشور.

- مطالعه ارزیابی ظرفیت‌های موجود توسعه‌ای در شهرها به منظور تحلیل‌های اقتصاد، تأمین رشد و توسعه شهرها، محله‌ها و بخش‌های اقتصاد ملی.
- ارزیابی، تحلیل و اولویت‌بندی پروژه‌های توسعه‌ای در سطح کشور.
- نظارت و ارزیابی جریان تطبیق سیاست، برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای معین شده با بودجه‌های مشخص شده.
- حصول و ترتیب گزارش‌های سالانه از وضعیت اقتصادی و تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای، فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی داخلی و خارجی و سایر فعالیت‌های اقتصادی و ارائه آن‌ها به حکومت.
- ثبت و اعطای فعالیت برای مؤسسات غیردولتی داخلی و خارجی و نظارت بر فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی مطابق با احکام قانون.
- راهنمایی، تشویق، حمایت، نظارت و انسجام سرمایه‌گذاری‌های خصوصی به منظور توسعه: توسعه اقتصادی، اجتماعی و ارتقای سطح زندگی مردم.
- مطالعه و بررسی طرق و شیوه‌های بهتر همکاری‌های اقتصادی به منظور گسترش روابط اقتصادی دوجانبه و چندجانبه با مؤسسات بین‌المللی و ارائه پیشنهاد‌های پروژه‌ای جهت تأمین مالی به آن‌ها از طریق وزارت امور خارجه.
- ایجاد کمیته‌های بین وزارتخانه‌ای تحت ریاست وزارت اقتصاد برای ارزیابی مشکلات و ترتیب برنامه‌های کاری آینده بخش‌های ذی‌ربط.
- تأمین روابط با مؤسسات ملل متحد، سازمان‌های مالی بین‌المللی، نمایندگی‌های اختصاصی ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای و بین منطقه‌ای.
- سازمان‌دهی طرح و ترتیب سیاسی و استراتژیکی کار، قوای بشری و ارتقای ظرفیت‌ها به همکاری وزارت‌ها، ادارات و مؤسسات بین‌المللی [۵]
- مطابق با قانون مؤسسات غیردولتی افغانستان، وزارت اقتصاد مرجع ثبت، نظارت، بررسی و انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی در افغانستان می‌باشد. مطابق با این قانون مؤسسات غیردولتی به صورت زیر تعریف می‌شود:

۱. مؤسسه غیردولتی: سازمان غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی بوده که شامل مؤسسات داخلی و خارجی می‌گردد.
 ۲. مؤسسه غیردولتی داخلی: عبارت از مؤسسه غیردولتی داخلی بوده که به منظور پیشبرد هدف یا اهداف معین تشکیل می‌گردد.
 ۳. مؤسسه غیردولتی خارجی: عبارت از تشکل غیردولتی بوده که در خارج افغانستان مطابق قانون دول خارجی تأسیس گردیده و شرایط این قانون را بپذیرد.
 ۴. مؤسسه غیردولتی خارجی بین‌المللی: عبارت از تشکیل غیردولتی بوده که در خارج افغانستان مطابق قانون دول خارجی ایجاد و فعالیت آن بیش از یک کشور را شامل می‌باشد. مؤسسات ملل متحد و ارگان‌های مربوطه آن شامل این تعریف نمی‌باشند.
 ۵. غیرانتفاعی به این مفهوم که:
 - مؤسسه نمی‌تواند دارایی، عایدات و منافع حاصله را به جز اهداف کاری مؤسسه به هیچ شخصی توزیع نماید.
 - مؤسسه نمی‌تواند از دارایی، عایدات و منافع حاصله به مقاصد و منافع شخصی مؤسسان، اعضا، هیئت‌مدیره، مسؤولان، کارکنان، کمک‌دهندگان یا نزدیکان آن‌ها به شکل مستقیم یا غیرمستقیم استفاده نماید.
- مؤسسات غیردولتی به ترتیب زیر باید گزارش‌های خود را به وزارت اقتصاد ارائه نمایند.
۱. مؤسسه مکلف است طی مدت سه ماه بعد از پایان سال مالی، گزارش فعالیت‌های تحقیق‌یافته سالانه خود را به وزارت اقتصاد ارائه نماید.
 ۲. مؤسسه مکلف است گزارش فعالیت خود را در هر شش ماه مطابق فرم‌هایی که از طرف وزارت اقتصاد آماده شده و در صورت ضرورت قابل اصلاح می‌باشد، به وزارت اقتصاد ارائه نماید.
 ۳. گزارش شش ماهه به شکل نسخه اصلی، سه کپی در برابر رسید به دفتر مرکزی و دفاتر منطقه‌ای وزارت اقتصاد سپرده می‌شود. دفاتر منطقه‌ای مکلف‌اند گزارش را در اسرع وقت به دفتر مرکزی وزارت اقتصاد ارسال نمایند.
 ۴. مؤسسه مکلف است کپی از گزارش شش ماهه خویش را به وزارت بخش ارسال کند

که در آن اجرای فعالیت می‌نماید. [۵]

۴-۳-۶-۱- ریاست انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی

هدف اصلی این ریاست انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی، ایجاد شفافیت و حسابدهی از مصارفات بودجه‌ای جذب مساعدت‌های مؤسسات غیردولتی و استفاده موثر از مساعدت‌های فنی، مالی و ظرفیت کاری مؤسسات برای تطبیق برنامه‌های توسعه ایجاد هماهنگی بین مؤسسات غیردولتی و ادارات دولتی و نظارت و بررسی از کار و فعالیت مؤسسات در افغانستان است.

اهم اهداف این ریاست عبارت است از:

- هماهنگی فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی و حصول اطمینان از روند تطبیق پروژه‌ها در مناطق مختلف
- تهیه گزارشات تحلیلی بمنظور تامین و تقویت و حساب‌دهی، گزارش‌دهی از تطبیق پروژه‌ها و صورت مصارف پروژه‌های مؤسسات
- تهیه و ترتیب گزارش تحلیلی و ارزیابی و نظارت مؤسسات غیردولتی.
- هماهنگی بین مؤسسات و ادارات استانی و جلوگیری از فعالیت‌های خودسرانه مؤسسات.
- ارائه خدمات مناسب مطابق با قانون مؤسسات غیردولتی.
- رعایت قانون انجمن‌ها، به جهت فراهم آوری خدمات برای مؤسسات غیردولتی.
- وظایف کلیدی ریاست انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی شامل موارد ذیل می‌گردد:
- ثبت مؤسسات غیردولتی
- تحلیل و ارزیابی گزارش‌های شش ماهه و سالانه مؤسسات غیردولتی
- نظارت و بازدید عینی از مناطق پروژه‌های مؤسسات غیردولتی
- اجرای خدمات ویژه معافیت گمرکی و خدمات فنی

۴-۳-۷- اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی افغانستان (INSO)

این مؤسسه یک سازمان غیرانتفاعی، غیردولتی و بشردوستانه است که در کشور انگلستان ثبت می‌باشد. این دفتر که قبلاً در افغانستان به نام اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی افغانستان (ANSO) فعالیت می‌کرد، به صورت رایگان نیازمندی‌های مشورتی اجتماعات سازمان‌های غیردولتی را در زمینه‌های امنیتی ارائه می‌کند. این مؤسسه توسط کمیسیون اروپا، دفتر کمک‌های بشردوستانه، اداره همکاری و توسعه‌ای سوئیس از نظر مالی تأمین می‌گردد [۱۰].

دفتر مرکزی اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی در کابل بوده و دفاتر محلی آن در هرات، مزار شریف، جلال‌آباد و قندهار قرار دارد.

حوزه فعالیت‌های این اداره به شرح زیر می‌باشد:

— دریافت هشدارهای امنیتی روزانه، هفتگی در خصوص حوادث و گزارش‌های دو هفتگی و سه‌ماهه که دربرگیرنده تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های امنیتی می‌باشد



شکل ۴-۷) نمایی از سایت اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی افغانستان

- جلسات امنیتی به صورت هفتگی
- برنامه آگاهی سازی ماهانه امنیتی برای کارمندان مؤسسات غیردولتی
- ارائه توضیحات مؤسسات غیردولتی در ارتباط به ادارات امنیتی داخلی و بین المللی
- تربیت و آموزش محافظان [۱۱].

۴-۳-۸- اداره هماهنگی کمک ها برای افغان ها – مؤسسه اکبر (ACBAR)

مؤسسه اکبر و یا اداره هماهنگی کمک ها برای افغان ها نهادی است که در زمینه حفظ شفافیت، حساب دهی و هماهنگی میان سازمان های غیردولتی در افغانستان فعالیت می نماید. این مؤسسه که در سال ۱۹۸۸ میلادی توسط تعدادی از مؤسسات غیردولتی ایجاد گردید که برای مهاجران افغان در پاکستان فعالیت می کردند. اکنون به عنوان یک نهاد ارتباطی و انتقال دهنده اطلاعات میان دفاتر سازمان ملل متحد، مؤسسات غیردولتی، مؤسسات تأمین کننده مالی / اهداکننده ها و ادارات دولتی افغانستان همکاری می نماید [۱۲].

Date: Friday 11-11-2016

Choose Language English

Registration

Login

ACBAR

Agency Coordinating Body for Afghan Relief and Development



HOME ABOUT ACTIVITIES MEMBERSHIP RESOURCE LIBRARY MEDIA RFPS JOB CENTRE CONTACT

Search

ACBAR MID TERM GENERAL ASSEMBLY



ACBAR mid-term General Assembly

ACBAR Mid term General Assembly

Bi-annual meeting of ACBAR members

شکل ۴-۸) نمایی از سایت مؤسسه اکبر

در حال حاضر این مؤسسه توسط کشور ژاپن اداره توانمندی و حق عضویت و سازمان‌های عضو آن تأمین مالی می‌گردد. تعداد ۱۲۸ مؤسسه غیردولتی داخلی و بین‌المللی که در افغانستان فعالیت دارند عضویت این مؤسسه را دارند. برای اخذ عضویت این مؤسسه، مؤسسات مکلف‌اند تا دستورالعمل مؤسسات غیردولتی را قبول و امضا نمایند. جلسات مجمع عمومی این مؤسسه با اشتراک تمام اعضا در هر سال دو بار جریان دارد و جلسات کمیته رهبری مؤسسه که شامل ۱۲ عضو دائمی و ۴ عضو غیردائم است در همراه یک بار برگزار می‌شود. ریاست کمیته رهبری به طور دائم بدوش یک نفر افغان بوده در حالی که اعضای دائمی و غیردائم این کمیته، نمایندگان مؤسسات داخلی و خارجی عضو هستند.

علاوه بر وجود دفتر مرکزی در کابل، مؤسسه اکبر دارای دفاتر دیگری در مزار شریف و جلال‌آباد نیز می‌باشد.

فعالیت‌های این مؤسسه در چهار زمینه به شرح زیر است:

– شعبه معلومات و هماهنگی: این شعبه مسئولیت نشر معلومات، برگزاری و تنظیم جلسات، جمع‌آوری و حفظ برنامه‌های کاری مؤسسات در سطح کشور، ترتیب و تنظیم فهرستی از مؤسسات غیردولتی و دیگر فعالیت‌ها در قسمت تأمین روابط میان اعضا را به عهده دارد.

– شعبه سیاست‌گذاری و دادخواهی: این شعبه برای تسهیل هر چه بیشتر تبادل نظرات و معلومات میان مؤسسات غیردولتی کار می‌نماید تا مؤسسات غیردولتی بتوانند صدای واحد و مشترک روی مسائل کلیدی داشته باشند.

– مسئول دستورالعمل مؤسسات غیردولتی: این بخش از مؤسسه در ترویج و همچنان نظارت از کارکردهای مناسب مؤسسات غیردولتی، ظرفیت‌سازی مؤسسات و ادارات دولتی برای درک و شناخت درست از قوانین مرتبط به کار مؤسسات، فعالیت می‌کند.

– شعبه گروه ارتباط جامعه مدنی با ادارات دولتی مسئولیت دارد تا به طور مشترک با مؤسسات غیردولتی، نهادهای جامعه مدنی برای تقویت این نهادها و تأمین رابطه بین جامعه مدنی، ادارات دولتی و پارلمان افغانستان فعالیت نماید.

اداره هماهنگی کمک‌ها برای افغان‌ها یا مؤسسه اکبر در معرفی نمایندگان مؤسسات

غیردولتی در تشکل‌های هماهنگ‌کننده‌ای کمک می‌نماید که توسط ادارات دولتی افغانستان راه‌اندازی می‌شود. همچنان این مؤسسه به‌طور منظم مؤسسات غیردولتی را در خصوص قانون مؤسسات غیردولتی، قانون مالیات بر عایدات و قانون کار راه‌نمایی نموده و مشورت‌های لازم را جهت تسهیل کار آن‌ها ارائه می‌دارد. این مؤسسه در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ میلادی به نمایندگی از مؤسسات غیردولتی در مجمع توسعه افغانستان شرکت نمود [۱۲].

۴-۳-۹- جمعیت‌ها و مؤسسات غیردولتی داخلی و خارجی در افغانستان

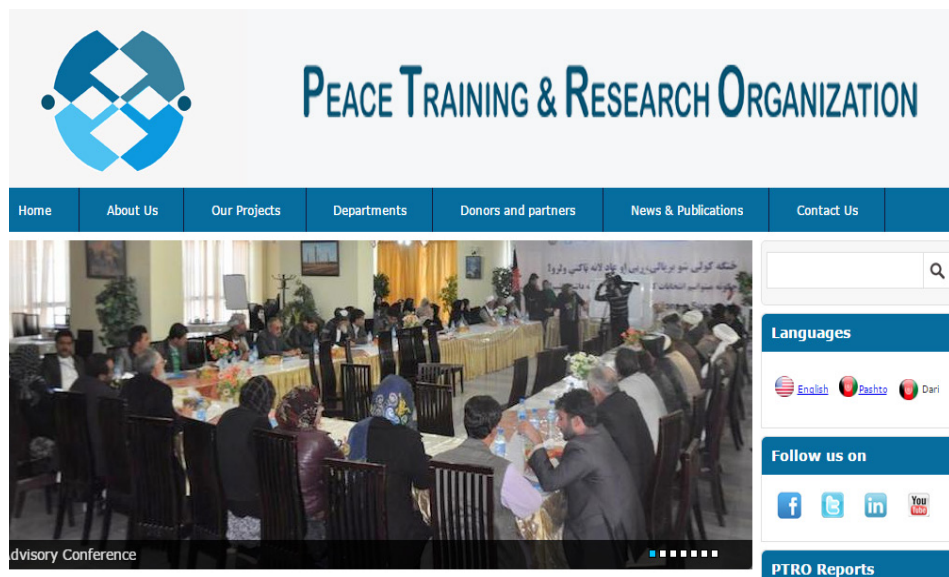
با توجه به وضعیت اقتصادی و رفاهی مردم افغانستان کشورهای مختلف در صدد راه‌اندازی مؤسسات خیریه مختلف در انواع زمینه‌ها در این کشور هستند. از جمله این کشورها با توجه به نزدیکی افغانستان، کشور ایران است. چهار مؤسسه خیریه ایرانی در افغانستان فعالیت دارند، یکی از این مؤسسات حمایت سبز پارسیان است که در ولایت‌های کابل، هرات و تخار در بخش سلامت خدمت‌رسانی می‌کند. مؤسسه دوم امداد توسعه بصیر است، مؤسسه سوم کمیته امداد خمینی است که در چهار ولایت، هرات، بلخ، نیمروز و همچنین در کابل فعالیت دارند و مؤسسه چهارم یک انجمن است به نام انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده به نام حامی که در افغانستان فعالیت می‌نماید.

البته نکته حائز اهمیت در خصوص مؤسسات خیریه مختلفی که از کشورهای مختلف چون آمریکا، انگلیس، اتحادیه اروپا، پاکستان و... وجود دارد؛ داشتن نیت غیر خیرخواهانه و بعضاً سیاسی و امنیتی این مؤسسات در افغانستان می‌باشد که سبب شده است وزارت اقتصاد افغانستان در این خصوص اظهار نظر جدی نماید. مسئولان در وزارت اقتصاد افغانستان گفته‌اند، اگر ثابت شود که مؤسسات خیریه خارجی در کشور به جای کمک‌رسانی به نیازمندان، به فعالیت‌های اطلاعاتی دست می‌زنند، جواز فعالیت آن‌ها منحل خواهد شد.

۴-۳-۹-۱- سازمان آموزش و تحقیق صلح

سازمان آموزش و تحقیق صلح یک مؤسسه غیردولتی افغان مستقر در کابل است که روی موضوعات صلح، منازعه و عدالت کار می‌کند و آموزش‌هایی را در عرصه صلح سازی و حکومت‌داری خوب ارائه می‌نماید. این سازمان همچنان روی مؤسسات ملی و بین‌الدولتی، مؤسسات غیردولتی و نهادهای ملی تحقیق می‌کند تا از سیاست‌ها آگاهی حاصل نموده و برداشت عمیق‌تر از مسائل مربوطه به دست آورد [۱۳].

در حال حاضر این مؤسسه مشغول اجرای تعدادی پروژه آموزشی و تحقیقاتی در سراسر کشور می‌باشد. یکی از پروژه‌هایی که هم‌اکنون این مؤسسه اجرا می‌نماید، ارزیابی تأثیرات محلی برنامه صلح و ادغام مجدد افغانستان بخصوص تأثیر این برنامه بر روی زنان است. این مؤسسه همچنان تأثیر روند انتقال را هم از نظر امنیتی و هم از نظر حکومت‌داری در شش ولایت مختلف ارزیابی کند. این ارزیابی شامل بررسی و تحلیل این تأثیرات بر روی جوانب مختلف زندگی مردم این ولایت و تأثیر پروسه انتقال روی مؤسسات جامعه مدنی افغانستان می‌باشد.

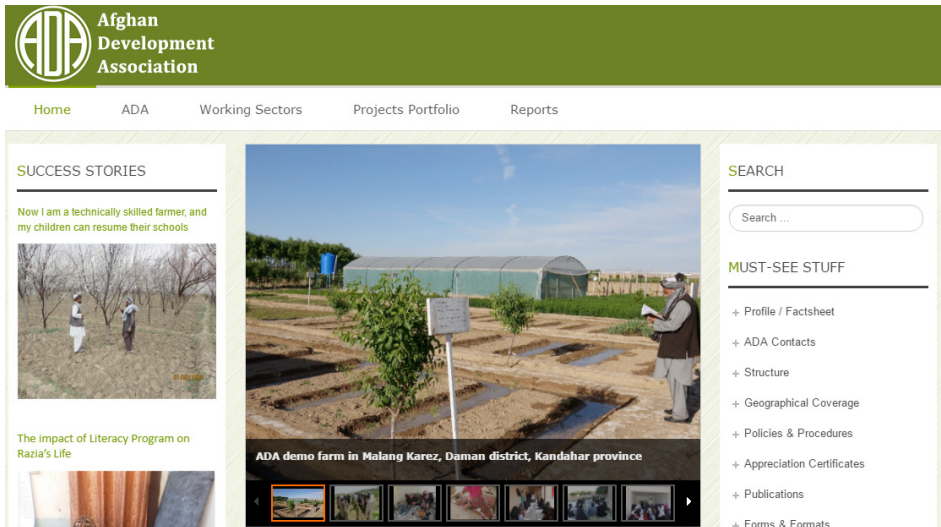


شکل ۴-۹) نمایی از سایت سازمان آموزش و تحقیق صلح

برنامه‌های آموزشی این مؤسسه شامل برگزاری کارگاه‌های آموزشی حل منازعات و افزایش آگاهی و حضور مردم در انتخابات سال ۲۰۱۴ میلادی می‌باشد. این برنامه‌ها در دوولایت شمال کشور تطبیق می‌شوند. همچنین این مؤسسه برنامه‌های آموزشی را در باره حاکمیت قانون برای نمایندگان نهادهای رسمی و غیررسمی قضایی در شمال و جنوب شرق کشور برگزار می‌نماید. این نمایندگان در حمایت و آموزش گروه‌های زن در چهار ولایت کشور برای افزایش سهم‌گیری آنان در تصمیم‌گیری‌هایشان، کمک می‌نمایند [۱۳].

۴-۳-۹-۲- انجمن توسعه افغانستان

این انجمن یک سازمان غیرانتفاعی، غیردولتی و غیرسیاسی بوده که در راستای ارائه خدمات توسعه‌ای و بشردوستانه برای مردم افغانستان فعالیت می‌نماید. این سازمان یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات غیردولتی در افغانستان است که در زمینه توسعه پایدار این کشور کمک می‌نماید. انجمن توسعه افغانستان با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و آموزشی، برای شرکت‌کنندگان در برنامه‌های خود زمینه تغییر را مساعد می‌سازد. علاوه بر این، این سازمان با همکاران خود در فعالیتهای محلی و تحقیقی نیز فعال بوده و با



شکل ۴-۱۰) نمایی از سایت انجمن توسعه افغانستان

ارائه نظرات و مشورت، روی موضوعات مختلف با دیگر شرکا همکاری می نماید. این سازمان در مناطقی که تقریباً اکثر مؤسسات توسعه ای دیگر به خاطر دلایل ناامنی در آنجا حضور ندارند، فعالیت کرده و با مردم آن مناطق رابطه پایدار و ثابتی دارد [۱۴].

انجمن توسعه افغان ها سعی دارد تأثیرات خود را از راه های مؤثر و جدید از طریق بهره برداری از منابع و نظریات همه کسانی که می توانند مؤثر واقع گردند، بالا ببرد. انجمن توسعه افغان ها از سال ۲۰۰۲ به صورت تجمعی ۲۵۵ پروژه را انجام داده و در حال حاضر انجام ۱۴ پروژه را در دست اقدام دارد. حوزه فعالیت این مؤسسه به شرح ذیل است:

- زراعت و توسعه روستاها
- آموزش و ظرفیت سازی
- تعلیم و تربیت (برنامه های حمایت و توسعه اطفال و جوانان، برنامه های آموزشی رسمی و غیررسمی).
- حفاظت از محیط زیست
- دادخواهی و تحقیقات اجتماعی
- برنامه های صلح و حل و فصل منازعه
- جنسیت و حقوق بشر
- حکومت داری خوب، مبارزه علیه مواد مخدر و فساد اداری
- مدیریت خطرات حوادث طبیعی [۱۴].



| فصل پنجم |

جمع بندی



۵- جمع‌بندی

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان کشور محصور در خشکی در آسیای مرکزی است. این کشور حدفاصل آسیای میانه، آسیای غربی و خاورمیانه و پایتخت آن کابل است. همسایگان افغانستان، پاکستان در جنوب و شرق، ایران در غرب، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی هستند. این کشور یکی از اعضای اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا، سازمان اکو و سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد. افغانستان یکی از کشورهای فقیر و با نرخ توسعه پایین یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. در سال ۲۰۰۹، نرخ مبادله تولید ناخالص داخلی ۱۴ میلیارد دلار و سرانه تولید ناخالص داخلی به ۱،۰۰۰ دلار می‌رسید. نرخ بیکاری این کشور ۳۵ درصد و تقریباً ۳۶٪ ساکنان آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بیش از ۴۲ درصد از جمعیت افغانستان برای کمتر از ۱ دلار در روز زندگی می‌کنند. اقتصاد افغانستان از حوادثی که از سال ۱۹۷۸ تاکنون جریان دارد رنج می‌برد، همراه با آن چندین خشکسالی نیز در طول سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۱ به مشکلات مردم اضافه شدند. اگرچه بعد از جاری شدن میلیاردها دلار توسط تجارت‌های بین‌المللی و کمک‌های کشورهای دیگر، در طول شش سال پیش، این اقتصاد کمی توانست رشد کند. حدود ۸۱ درصد مردم این کشور کشاورز هستند و بقیه شامل ۱۱ درصد در صنعت (اغلب بافندگی) و ۹ درصد در خدمات مشغول به کار هستند.

مطابق با ماده ۳۴۴ قانون مدنی افغانستان وقف عبارت است از حبس مال از تصرف

مالکانه و بذل منفعت آن به امور خیریه. وقف کننده در سند وقف، شخصی را برای نظارت در امور اداره، به کار انداختن مال موقوفه و توزیع منافع آن بر مستحقان به تناسب سهامشان که در سند وقف تصریح شده باشد، تعیین نموده، حدود وظایف و صلاحیت وی را با شخصی که بعداً نظارت می‌کند تعیین می‌نماید. نظارت وقف عام از وظایف وزارت ارشاد، حج و اوقاف می‌باشد. این اداره امور مربوط به اموال موقوفه را مطابق اساسنامه خودتنظیم، تصرف و اداره می‌نماید.

مطابق با ماده ۴۰۳ قانون مدنی افغانستان جمعیت عبارت است از مجموع اشخاص حقیقی یا حکمی (حقوقی) که برای مدت معین یا غیر معین به منظور تأمین اهداف خیریه عام‌المنفعه اجتماعی، علمی، ادبی، فنی و هنری به صورت غیرانتفاعی مطابق با احکام این قانون تشکیل شده باشد. اعطای اجازه تأسیس جمعیت‌ها از طریق مراجع صلاحیت‌دار دولتی صورت می‌گیرد. این مراجع موارد اجرایی جمعیت‌ها را از رهگذر تطابق آن با قوانین، مقررات و اساسنامه مراقبت می‌نماید.

مطابق با قانون مؤسسات غیردولتی افغانستان مؤسسات غیردولتی به صورت زیر تعریف می‌شود:

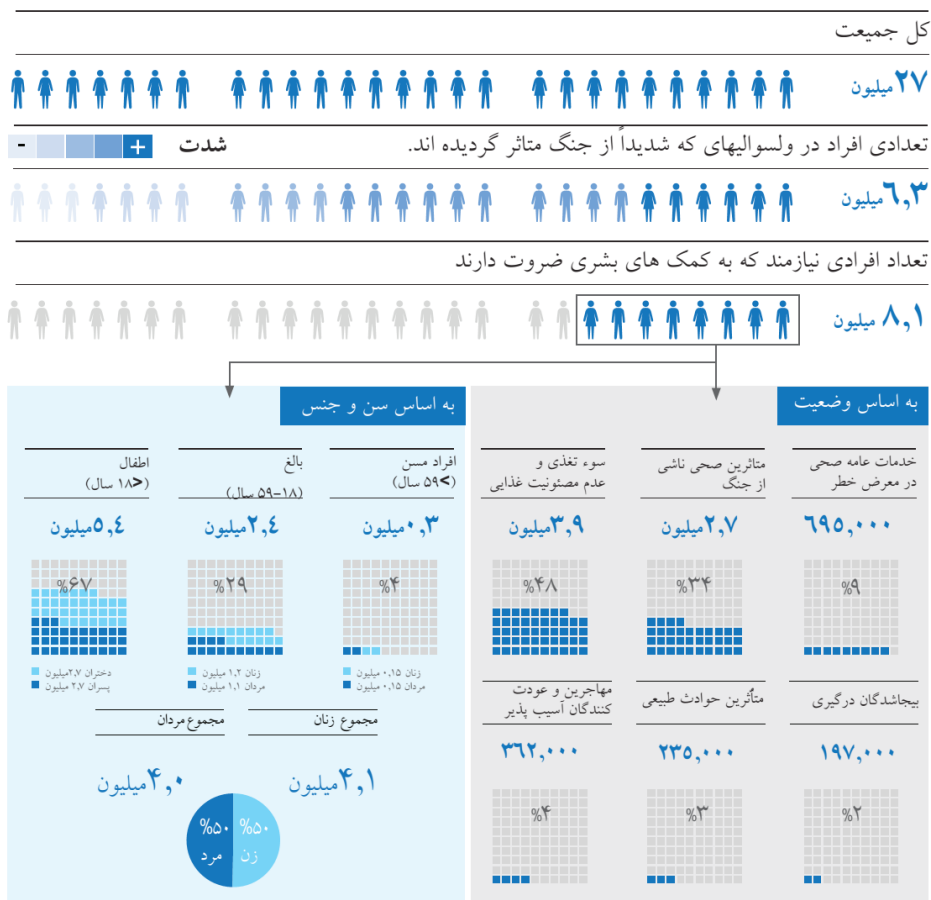
۱. مؤسسه غیردولتی: سازمان غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی بوده که شامل مؤسسات داخلی و خارجی می‌گردد.

۲. مؤسسه غیردولتی داخلی: عبارت از مؤسسه غیردولتی داخلی بوده که به منظور پیشبرد هدف یا اهداف معین تشکیل می‌گردد.

۳. مؤسسه غیردولتی خارجی: عبارت از تشکل غیردولتی بوده که در خارج افغانستان مطابق قانون دول خارجی تأسیس گردیده و شرایط این قانون را بپذیرد.

۴. مؤسسه غیردولتی خارجی بین‌المللی: عبارت از تشکل غیردولتی بوده که در خارج افغانستان مطابق قانون دول خارجی ایجاد و فعالیت آن بیش از یک کشور را شامل می‌شود. مؤسسات ملل متحد و ارگان‌های مربوطه آن شامل این تعریف نمی‌باشند.

نیازمندان افغانستان براساس ساختار سنی و جنسیت و همچنین مشکلاتی که هر یک از این نیازمندان در افغانستان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند نشان داده شده است. تقریباً ۵ میلیون کودک در افغانستان با مشکلات جدی روبه‌رو هستند.



همچنین از حیث مشکلات بیشترین مشکل در بخش سوء تغذیه و عدم وجود مصونیت غذایی می باشد.

بازیگران مختلف فعال در حوزه وقف و امور خیریه، قرآن و مسجد و ارتباط هریک با توجه به نقشی که در حکمرانی در افغانستان برعهده دارند در ادامه به اختصار توضیح داده شده است و در انتها نگاشت نهادی نشان داده خواهد شد.

کمیسیون عالی ارزیابی: درخواست های مؤسسات غیردولتی برای ثبت به وزارت اقتصاد رفته این وزارتخانه به مطالعه و بررسی این اسناد می پردازد. سپس جهت ارزیابی نهایی به کمیسیون عالی ارزیابی سپرده می شود.

وزارت ارشاد، حج و اوقاف: این وزارت سازماندهی امور مربوطه اوقاف، حج و زیارت، مساجد و نشریات را بر عهده دارد. علاوه بر این بخش‌های دیگری نظیر سازمان انسجام امور قرآنی، سازمان اسناد و ارتباط، ریاست سیاست‌ها و انسجام، ریاست اداری و مالی نیز در این وزارتخانه قرار دارد. این وزارتخانه در اصل در حوزه وقف مسئولیت حکمرانی را بر عهده دارد و در برخی موارد در حوزه تصدی‌گری نیز ورود پیدا می‌کند.

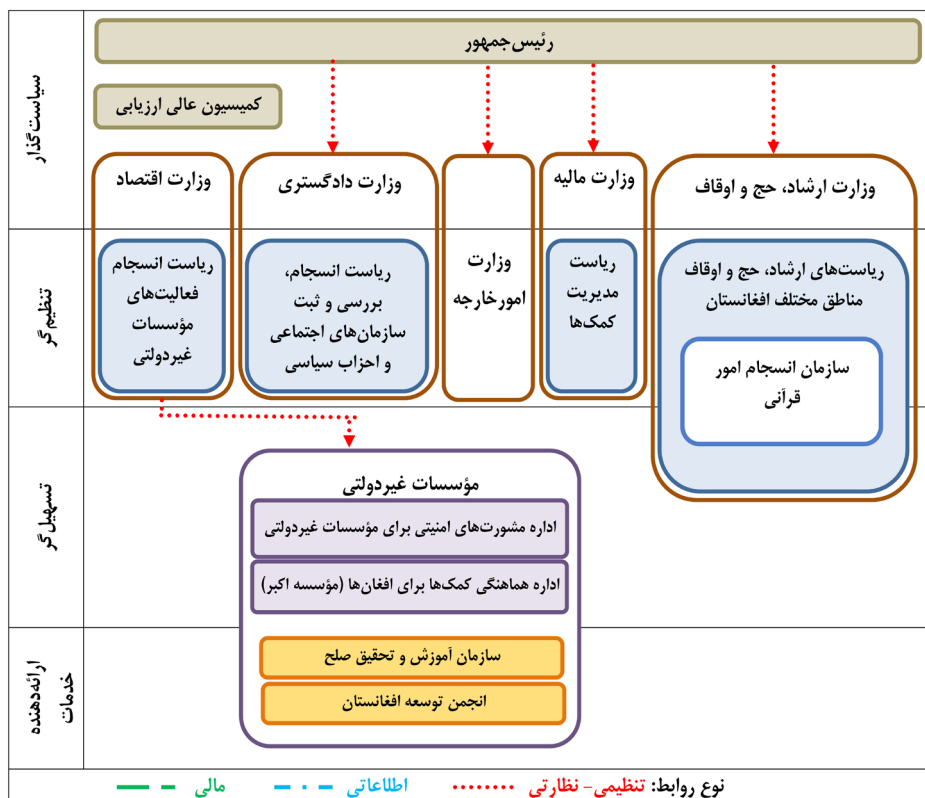
ریاست انسجام، بررسی و ثبت احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی وزارت دادگستری: جمعیت‌ها از طرف وزارت دادگستری ثبت و نظارت می‌گردند و طرز تأسیس و ثبت جمعیت‌ها در مقررۀ جداگانه تنظیم می‌گردد و جواز نامۀ فعالیت جمعیت‌ها به مدت سه سال توسط وزارت دادگستری در برابره هزار افغانی صادر می‌گردد و بعد از سه سال قابل تمدید است.

ریاست انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد: مطابق با قانون مؤسسات غیردولتی افغانستان، وزارت اقتصاد مرجع ثبت، نظارت، بررسی و انسجام فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی در افغانستان می‌باشد.

ریاست مدیریت کمک‌های وزارت مالیه: ریاست مدیریت کمک‌ها جهت حمایت از توسعه و بازسازی افغانستان با همکاران بین‌المللی همکاری می‌کند. این ریاست جریان کمک‌های رسمی توسعه‌ای را پیگیری نموده در تهیه و تطبیق پروژه‌ها کمک می‌کند و در رابطه با کمک‌ها مشورت‌های سیاستی خود را ارائه می‌نماید. این ریاست کوشش می‌کند تا اطمینان حاصل نماید کمک‌ها از طریق بودجه ملی یا میکانیزم‌های خارجی ارائه می‌گردد.

اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی افغانستان (INSO): این مؤسسه یک سازمان غیرانتفاعی، غیردولتی و بشردوستانه است که در کشور انگلستان ثبت می‌باشد. این دفتر که قبلاً در افغانستان به نام اداره مشورت‌های امنیتی برای مؤسسات غیردولتی افغانستان (ANSO) فعالیت می‌کرد، به صورت رایگان نیازمندی‌های مشورتی اجتماعات سازمان‌های غیردولتی را در زمینه‌های امنیتی ارائه می‌دارد. این مؤسسه توسط کمیسیون اروپا، دفتر کمک‌های بشردوستانه، اداره همکاری و توسعه‌ای سوئیس از نظر مالی تأمین می‌گردد.

اداره هماهنگی کمک‌ها برای افغان‌ها - مؤسسه اکبر (ACBAR): مؤسسه اکبر و یا اداره هماهنگی کمک‌ها برای افغان‌ها نهادی است که در زمینه حفظ شفافیت، حساب‌دهی و هماهنگی میان سازمان‌های غیردولتی در افغانستان فعالیت می‌نماید. این مؤسسه که در سال ۱۹۸۸ میلادی توسط تعداد از مؤسسات غیردولتی ایجاد گردید که برای مهاجران افغان در پاکستان فعالیت می‌کردند. اکنون به عنوان یک نهاد ارتباطی و انتقال‌دهنده اطلاعات میان دفاتر سازمان ملل متحد، مؤسسات غیردولتی، مؤسسات تأمین‌کننده مالی/ اهداکننده‌ها و ادارات دولتی افغانستان همکاری می‌نماید.



قانون مدنی افغانستان با ۲۴۱۶ ماده به تفصیل در خصوص موضوعات مختلف مطالبی را بیان نموده است. در این قانون وقف، مفهوم آن در افغانستان و شرایط و احکام اجرایی آن بحث شده است. ضمناً در این قانون به طریقه نظارت بر موقوفات و انواع آن بیان شده است. همچنین مشابیه وقف در این قانون در خصوص جمعیت‌ها، جمعیت‌های عام‌المنفعه، جمعیت خیریه، جمعیت فرهنگی و مؤسسات مطالبی بیان شده و تعریف هر یک و مسئولیت اداره و نظارت در هر یک مشخص گردیده است. یکی دیگر از قوانین نافذ در حوزه وقف و امور خیریه قانون مؤسسات غیردولتی افغانستان می‌باشد. در این قانون به تفصیل در خصوص مؤسسات غیردولتی، احکام مترتب بر آن، معنا و مفهوم آن در حقوق افغانستان، مسئولیت اداره و نظارت بر مؤسسات غیردولتی و مباحثی این چنینی بحث شده است. ضمناً در این قانون در خصوص مسئولیت وزارت اقتصاد و کمیسیون عالی ارزیابی نیز مطالبی بیان شده است.

قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان یکی دیگر از قوانین حاکم بر بخش وقف و موقوفات در افغانستان می‌باشد. در این قانون به تفصیل در خصوص وقف و احکام و شرایط آن به صورت مجزا پرداخته شده است.

علاوه بر قانون مدنی افغانستان که در آن به اختصار به جمعیت‌ها پرداخته شده بود، قانون دیگری با عنوان قانون جمعیت‌ها به صورت مجزا در خصوص جمعیت و تعاریفی که در این خصوص وجود دارد و همچنین احکام و شرایط آن در افغانستان وجود دارد.

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D981%D8%BA%D8%A7%D986%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D986>
www.worldbank.org/
<http://www.bsharat.com/id/ghavanin/0012.html>
<http://mohia.gov.af/fa>
<http://moec.gov.af/fa>
<http://moj.gov.af/fa>
https://docs.unocha.org/sites/dms/Afghanistan/afg_2016_hno_final_20151223_Dari.pdf
<http://www.globalhumanitarianassistance.org/wp-content/uploads/201102//gha-Afghanistan-2011-major-resource-flows.pdf>
<http://www.mof.gov.af/fa>
<http://www.areu.org.af/Uploads/EditionPdfs/1506E%20A%20to%20Z%20Guide%20to%20Assistance%20in%20Afghanistan.pdf>
www.ngosafety.org
www.acbar.org
www.ptro.org.af
www.ada.org.af
<http://www.indexmundi.com/afghanistan/religions.html>
<http://www.afghanpaper.com/info/etelaat%20omomi/mazhabefghanistan.htm>
<https://goo.gl/FGHHov>
<http://af.farsnews.com/culture/news/13951201000836>
<https://goo.gl/RQRg1G>
<https://goo.gl/7nuwoU>
<https://goo.gl/lmmM0L>
<https://goo.gl/FGHHov>



پیوست



پیوست اول: قانون مدنی افغانستان

مبحث دوم - وقف

• ماده ۳۴۳ -

وقف عبارت است از حبس مال از تصرف مالکانه و بذل منفعت آن به امور خیریه.

• ماده ۳۴۴ -

وقف، دارای شخصیت حکمی است که توسط اساسنامه تثبیت می گردد.

• ماده ۳۴۵ -

برای واریسی امور مربوط به وقف اداره دولت بنام اوقاف وجود دارد که عواید و مصارف آن را مطابق به شرایط لازمه وقف بروفق اساسنامه آن اداره و مراقبت می نماید. مگر اینکه قوانین خاص طور دیگری حکم کرده باشد.

• ماده ۳۴۶ -

وقف دارای حقوق و وجایب مالی مستقل بوده و به پرداخت دیونی که طبق شرایط اساسنامه به مصرف رسیده، مکلف می باشد.

• ماده ۳۴۷ -

صحت وقف، رجوع از آن و هرگونه تغییر در مصارف و شرایط لازمه و یا معاوضه مال موقوفه، وقتی از طرف وقف کننده اعتبار دارد، که در دفاتر مربوط ثبت گردیده باشد.

• ماده ۳۴۸ -

اجراآت متذکره ماده (۳۴۷) این قانون در دفاتر خاصی که در اداره ثبت اسناد باین منظور تعیین گردیده به ثبت می رسد.

• ماده ۳۴۹ -

هرگاه نزد ثبت کننده راجع به اعتبار سند وقف مانعی ظاهر گردد، موضوع غرض انفصال و اخذ تصمیم به محکمه غرض انفصال و اخذ تصمیم به محکمه مربوط رجعت داده می شود.

• ماده ۳۵۰ -

هرگاه وقف طبق احکام مندرج این قانون صورت نگرفته باشد، مدار اعتبار شناخته نمی شود.

• ماده ۳۵۱ -

حرمان از استحقاق و یا رجوع از وقف در محکمه مربوط صورت می گیرد. موضوع به اشخاصی که حرمان یا رجوع از استحقاق شان داده شده ابلاغ می گردد، تا دلایل خود را به محکمه ارائه نمایند.

• ماده ۳۵۲ -

هرگاه سند وقف مشتمل بر تصرفی که قانوناً ممنوع و یا باطل بوده و یا وقف کننده فاقد اهلیت قانونی باشد، اداره ثبت اسناد در همچو موارد به ثبت آن اقدام نمی نماید.

• ماده ۳۵۳ -

هرگاه وقف به شرط غیر صحیح مشروط گردیده، وقف صحیح و شرط باطل شناخته می شود.

• ماده ۳۵۴ -

(۱) وقف بطور دائمی یا موقت جواز دارد.

(۲) موقف برای مسجد و مؤسسات عامه طور موقت صورت گرفته نمی تواند.

(۳) وقف خاص موقت بوده و به زیاده از دو طبقه اولاد وقف کننده جواز ندارد.

• ماده ۳۵۵ -

وقف به امور خیریه وقتی جواز دارد که از نظر احکام دین مقدس اسلام و منافع ملی، امر خیریه شناخته شود.

• ماده ۳۵۶ -

(۱) وقف اموال منقول و غیر منقول جواز دارد.

(۲) وقف جزء مشاع در اموال غیر منقول جواز ندارد، مگر در صورتی که مفرز و معین گردیده باشد.

• ماده ۳۵۷ -

اسهام شرکت‌های که فعالیت مجاز دارند وقف شده می‌تواند.

• ماده ۳۵۸ -

اظهارات وقف کننده درباره مال موقوفه حسب الفاظ و معانی آن اعتبار دارد.

• ماده ۳۵۹ -

(۱) وقف کننده نمی‌تواند از تمام و یا قسمتی از وقف عام رجوع نماید. اما برای جهات

مصرف آن شروطی را در حدود احکام این قانون هنگام ثبت وقف تعیین نموده می‌تواند.

(۲) وقف کننده نمی‌تواند در وقف مسجد و تاسیسات عامه و چیزی که به آنها وقف گردیده تغییری وارد نماید.

• ماده ۳۶۰ -

تغییر در شروط مصارف وقف عام طور صریح و مطابق به احکام مندرج این قانون صورت می‌گیرد.

• ماده ۳۶۱ -

وقف کننده می‌تواند در حدود احکام این قانون استفاده از حقوق آتی را هنگام ثبت وقف خاص شرط گذارد:

۱. اعطاء و حرمان

۲. زیادت و نقصان.

۳. تغییر.

۴. مبادله.

• ماده ۳۶۲ -

مبادله مال موقوفه پس از منظوری اداره اوقاف در دفتر مربوط ثبت می‌گردد.

• ماده ۳۶۳ -

اقرار وقف کننده یا غیر راجع به نسب شخص، در حالی که قرائن بعدم صدق اقرار موجود باشد، بر موقوف علیهم تاثیر ندارد.

فرع اول - استحقاق در وقف

• ماده ۳۶۴ -

هرگاه در وقف به اقارب منظور وقف غیر معین یا محل مصرف آن موجود نبوده و یا اصلاً به آن مصرف ضرورت احساس نگردیده و یا اینکه حاصلات وقف بیش از اندازه مصرف مورد ضرورت باشد، حاصلات وقف تماماً و یا قسمت باقیمانده آن به اجازه محکمه به اولاد والدین و اقارب محتاج وقف کننده باندازه ضرورت هر کدام بمصرف میرسد.

• ماده ۳۶۵ -

(۱) وقف کننده نمی تواند بیش از ثلث مال خود را به اشخاص غیر وارث یه به بعضی از ورثه و یا امور خیریه وقف نماید.

(۲) ثلث مال به تناسب دارایی شخص هنگام وفات او سنجش می گردد.

• ماده ۳۶۶ -

(۱) وقف کننده می تواند جمیع مال خود را به تمام ورثه اش جمیع مال خود را به تمام ورثه اش وقف نماید.

(۲) اگر وقف کننده حین وفات وارث نداشته باشد، می تواند جمیع مال خود را بهر جهت خیریه که بخواهد وقف نماید.

• ماده ۳۶۷ -

(۱) اولاد، زوج یا زوجه و والدین شخص وقف کننده که حین وفات موجود باشند، وقتی از وقف بیش از ثلث مال مستحق می گردند که حق ارث شان به سببی از اسباب، ساقط نگردیده باشد. توزیع استحقاق مطابق باحکام میراث عملی گردیده و در صورت وفات آنها به اولاد شان منتقل می گردد.

(۲) اگر یکی از مستحقین قبلاً باندازه حصه خود مالی را بدون عوض از وقف کننده دریافت نموده باشد، استحقاق وی از مال موقوفه ساقط می‌گردد. در صورتی که کمتر از استحقاق خود دریافت نموده باشد تفاوت آنرا با در نظر داشت احکام ماده (۳۶۸) این قانون مستحق می‌گردد.

• ماده ۳۶۸-

وقف کننده می‌تواند استحقاق مال موقوفه اولاد خود را که در حال حیاتش وفات نموده است، برپا فرع متوفی نموده مطابق با احکام ماده (۳۶۷) این قانون تسلیم نماید. مشروط بر اینکه فرع مذکور قبل از وفات وقف کننده حیات داشته باشد.

• ماده ۳۶۹-

شخصی را که مطابق با احکام ماده (۳۶۷) این قانون مستحق مال موقوفه گریده، نمی‌توان تماماً و یا قسمی از آن محروم نموده و یا چنان شرطی گذاشت که موجب حرمان استحقاق وی گردد، مگر مطابق با احکام مواد مندرج این قانون.

• ماده ۳۷۰-

قتلی که وارث را از میراث محروم می‌سازد. مانع استحقاق وی از مال موقوفه نیز می‌گردد.

• ماده ۳۷۱-

(۱) هرگاه وقف کننده، شخصی را که مطابق احکام این قانون در وقف حق ثابت داشته باشد، از وقف محروم سازد، سهم ثابت وی برایش داده شده و متباقی آن بر اشخاص دیگری که از وقف محروم نگردیده اند، به تناسب اسهام وقف شان توزیع می‌گردد.
(۲) ادعای سهم ثابت تا یکسال از وفات وقف کننده قابل اعتبار است.

• ماده ۳۷۲-

تنازل موقوف علیه از استحقاق خود یا اقرار وی به تمام یا قسمتی از آن برای غیر جواز ندارد.

• ماده ۳۷۳-

هرگاه وقف کننده شرطی گذارد که مخالف منافع ملی، مصلحت وقف یا مستحقین

باشد، وقف صحیح اما شرط از اعتبار ساقط می‌گردد.

• ماده ۳۷۴-

منزلی که به مقصد سکونت وقف گریده انتفاع از آن بغیر از سکونت یا منزلی که برای انتفاع غیر از سکونت وقف گریده، سکونت در آن مجاز می‌باشد. مشروط بر اینکه محکمه بخلاف آن قرار صادر نکرده باشد.

• ماده ۳۷۵-

(۱) هرگاه وقف بر طبقات مرتب گریده باشد. اصل فرع غیر خود را محجوب نمی‌سازد. در صورت وفات اصل، استحقاق وی به فرع وی انتقال می‌نماید.
(۲) تقسیم حاصلات وقف باثرا از بین رفتن یک طبقه تغییر نمی‌نماید. در این صورت اسهام از یک فرع فرع دیگر مطابق با حکام مندرج فقره اول این ماده انتقال می‌نماید. مگر در صورتی که عدم تغییر در آن موجب حرمان یکی از مستحقین وقف گردد.

• ماده ۳۷۶-

(۱) هرگاه وقف بر طبقات مرتب گریده و در یکی از طبقات مستحق موجود نباشد. استحقاق وقف مطابق به احکام این قانون به طبقه بعدی انتقال می‌نماید.
(۲) اگر در طبقه اولی بعداً مستحق موجود شود استحقاق شان مجدداً اعاده می‌گردد.

فرع دوم- تقسیم وقف

• ماده ۳۷۷-

(۱) وقف کننده باید در سند وقف سهم مستحقین را مفروض و معین نماید اگر سهم مطابق به شروط وقف کننده به عده از مستحقین متعلق گردد. آنها می‌توانند تفریز اسهام شان را مطالبه نمایند.

(۲) اگر مال موقوفه قابل تقسیم نبوده و یا در تقسیم آن ضرر کلی متصور باشد، مطالبه فروش و تقسیم قیمت آن به تناسب سهم هریک از مستحقین صورت گرفته می‌تواند.

• ماده ۳۷۸-

ناظر وقف عامه می‌تواند تقسیم وقف و تفریز سهم مربوط بوقف عامه را مطالبه نماید.

• ماده ۳۷۹-

تقسیم وقف باثر در خواستی که به محکمه تقدیم می‌شود صورت می‌گیرد. تقسیم

انجام شده قابل فسخ نمی‌باشد.

فرع سوم- اداره وقف

• ماده ۳۸۰-

وقف کننده در سند وقف، شخصی را برای نظارت در امور اداره، دوران انداختن مال موقوفه و توزیع حاصلات آن بر مستحقین متناسب اسهام شان که در سند وقف تصریح شده باشد، تعیین نموده، حدود وظایف و صلاحیت وی را با شخصی که بعدا نظارت می‌کند تعیین می‌نماید.

• ماده ۳۸۱-

ناظر نمی‌تواند بدون اجازه محکمه بحاسب وقف، مطالبه قرض نماید. قبول تعهدات عادی بمنظور اداره وقف و بدوران انداختن آن از این حکم مستثنی می‌باشد.

• ماده ۳۸۲-

هرگاه محکمه مال موقوفه را تقسیم و یا سهم مستحقین در آن قبلا تعیین گردیده باشد، از طرف محکمه هریک از متحقین در صورتی که واجد اهلیت قانونی باشد. بحیث ناظر سهم مربوط به خود تعیین می‌گردد.

• ماده ۳۸۳-

نظارت وقف عام از وظیفه اداره اوقاف می‌باشد. این اداره امور مربوط به اموال موقوفه را مطابق اساسنامه خود تنظیم، تصرف و اداره می‌نماید.

• ماده ۳۸۴-

محکمه نمی‌تواند برای اداره مال موقوفه بیش از یک ناظر تعیین نماید. مگر اینکه در تعدد شان مصلحت متصور باشد. درین صورت محکمه صلاحیت هریک از ناظرین را تعیین نموده و می‌تواند بهر یکشان قسمتی از وقف را تخصیص بدهد. هر ناظر در اداره ساحه معینه خود مستقل می‌باشد.

• ماده ۳۸۵-

هرگاه از متحقین اهلیت نظارت وقف را داشته باشد. شخصی دیگری بحیث ناظر وقف تعیین شده نمی‌تواند. در صورتی که در بین مستحقین، شخص واجد اهلیت

نظارت موجود گردد، محکمه ختم ولایت ناظر دیگر را که قبلاً تعیین گردیده اعلام می دارد.

• ماده ۳۸۶ -

ناظر در برابر مال موقوفه امین و از طرف مستحقین وقف وکیل شناخته می شود.

• ماده ۳۸۷ -

ناظر مکلف است تمام مصارف را مطابق بطرز العملی که محکمه تعیین نموده بعمل آرد، مگر اینکه عرف جاریه مخالف آن باشد.

• ماده ۳۸۸ -

(۱) هرگاه ضرری از تقصیر کلی ناظر بر اموال موقوفه و یا حاصلات آن عاید گردد، مسئول جبران خساره وارده می باشد.

(۲) اگر ضرر عاید ناشی از تقصیر جزئی ناظر باشد، وقتی مسئولیت جبران خساره به وی عاید می گردد که وظیفه نظارت را در مقابل اجرت اجرا نماید.

• ماده ۳۸۹ -

(۱) هرگاه دعوی مربوط بحسابات وقف در محکمه دایر و ناظر به ارائه اسناد مکلف گردد. در صورتی که ناظر نتواند حسابات خود را در میعاد معین طور مستند ارائه نماید یا اوامر محکمه را درباره تصفیه حساب اطاعت نه نماید، محکمه می تواند وی را بجزای نقدی که متجاوز از پنج هزار افغانی نباشد محکوم نماید. در صورت تکرار بجزای نقدی الی ده هزار افغانی محکوم شده می تواند.

(۲) حرمان ناظر از تمام یا قسمتی از اجرت نظارت نیز جواز دارد.

• ماده ۳۹۰ -

هرگاه ناظر درباره تأخیر حسابات عذر معقولی ارائه نماید. محکمه می تواند به براءت وی یا تخفیف مجازات مندرج ماده (۳۸۹) این قانون حکم نماید.

• ماده ۳۹۱ -

هرگاه حین رسیدگی به دعوی مربوط بوقف اسباب موجب عزل ناظر موجود گردد، محکمه می تواند بعزل وی از نظارت حکم نماید.

• ماده ۳۹۲ -

محکمه تا وقتی که حکم دعوی مربوط بوقف کسب قطعیت نماید، شخص دیگری

را موقتاً بحیث ناظر تعیین می‌نماید.

• ماده ۳۹۳ -

اقرار ناظر مبنی بر نظارت شخص دیگر اعتبار ندارد.

• ماده ۳۹۴ -

ناظر باستیدان محکمه می‌تواند همه ساله دو فیصد حاصلات وقف را بمنظور مصارف ترمیم و تعمیر مال موقوفه بحساب امانت تحویل نموده و یا آنرا مطابق به تجاوزی که از طرف محکمه اتخاذ می‌گردد، بمصرف رسانیده و بدوران اندازد.

• ماده ۳۹۵ -

هرگاه ناظر و یا مستحقین تحویل دو فیصد حاصلات وقف را که مطابق بحکم ماده (۳۹۴) این قانون صورت گرفته باشد، مفید ندانند، میتوانند تعدیل یا الغای آنرا از محکمه مطالبه نمایند.

• ماده ۳۹۶ -

هرگاه برای تعمیر و ترمیم اموال موقوفه به بیشتر از مبلغ مندرج ماده (۳۹۴) این قانون ضرورت باشد، ناظر تزئید مبلغ متذکره را از محکمه مطالبه می‌نماید.

• ماده ۳۹۷ -

محکمه می‌تواند بمنظور تعمیر و ترمیم مال موقوفه، عندالضرورت یک قسمت از مال موقوفه را بفروش برساند.

فرع چهارم - انتهای وقف

• ماده ۳۹۸ -

وقف موقت با تکمیل مدت معینه یا از بین رفتن تمام موقوف علیهم، خاتمه می‌یابد.

• ماده ۳۹۹ -

وقف درباره هر سهم با از بین رفتن مستحق آن خاتمه می‌یابد. گرچه قبل از تکمیل مدت معینه با از بین رفتن باقی مستحقین طبقه ای که با از بین رفتن شان وقف منتهی می‌گردد، صروت گرفته باشد.

مشروط بر اینکه وقف کننده انتقال، سهم را به باقی مستحقین تصریح نکرده باشد. درین صورت وقف با از بین رفتن تمام مستحقین طبقه مذکور و یا تکمیل مدت معینه

خاتمه می‌یابد.

• ماده ۴۰۰ -

هرگاه وقف در تمام اسهام ثابتۀ خاتمه یابد، ملکیت مال موقوفه در صورت حیات وقف کننده بخود وی و در غیر آن به مستحقین انتقال می‌یابد. در صورتی که مستحق موجود نباشد ملکیت مال موقوفه باشخاصی که حین وفات وقف کننده از جمله ورثه شناخته شده باشند و در غیر آن بدولت تعلق می‌گیرد.

• ماده ۴۰۱ -

هرگاه وقف در تمام اسهام غیر ثابتۀ خاتمه یابد، ملکیت مال موقوفه در صورت حیات وقف کننده بخود وی و در غیر آن به اشخاصی که حین وفات وقف کننده از جمله ورثه شناخته شده باشند انتقال می‌یابد در صورتی که وارثی موجود نباشد ملکیت مال موقوفه بدولت تعلق می‌گیرد.

• ماده ۴۰۲ -

(۱) هرگاه مال موقوفه به نحوی تخریب شود که اعمار مجدد و یا استبدال آن ممکن و یا مفید نباشد، وقف خاتمه می‌یابد. همچنان وقف دربارهٔ سهم هر مستحقی که سهمیه حاصلات وی بمقدار ناچیزی تقلیل یابد، خاتمه پیدا میکند.

(۲) انتهای وقف بدرخواست اشخاص ذیعلاقه و قرار محکمه صورت می‌گیرد. ملکیت مال موقوفه که وقف آن خاتمه یافته باشد، در صورت حیات وقف کننده بخود وی و در غیر آن به شخصی انتقال می‌یابد، که در حین انتهای وقف مستحق شناخته شده باشد.

مبحث سوم - جمعیت‌ها

فرع اول - احکام عمومی

• ماده ۴۰۳ -

(۱) جمعیت عبارت است از مجموع اشخاص حقیقی یا حکمی که برای مدت معین یا غیر معین به منظور تامین اهداف خیریه عام المنفعه اجتماعی، علمی، ادبی، فنی و هنری طور غیر انتفاعی مطابق به احکام این قانون تشکیل شده باشد.

(۲) اعطای اجازه تاسیس جمعیت‌های مندرج فقره یکم این ماده، از طریق مراجع صلاحیت‌دار دولتی صورت می‌گیرد. این مراجع اجراءات جمعیت‌ها را از رهگذر تطابق آن با قوانین، مقررات و اساسنامه مراقبت می‌نماید.

● ماده ۴۰۴ -

جمعیت‌های که خلاف احکام قانون یا آداب عامه فعالیت نموده یا به اعمالی تشبث نمایند که برخلاف منافع ملی و اهداف تاسیسی آن باشد، باطل پنداشته شده هیچگونه اثری بر آن مرتب شده نمی‌تواند.

● ماده ۴۰۵ -

(۱) جمعیت دارای اساسنامه ایست که فعالیت آنرا تنظیم و از طرف اعضای مؤسس آن منظور می‌شود.

(۲) اساسنامه جمعیت حاوی طالب ذیل است:

۱. عنوان جمعیت، هدف و مرام تاسیس آن و مرکز اداره جمعیت. مرکز اداره جمعیت در خارج از افغانستان بوده نمی‌تواند.

۲. شهرت مکمله اعضای مؤسس.

۳. عواید جمعیت، بدوران انداختن و تصرف در آن.

۴. هیئت‌هایی که جمعیت را تمثیل می‌کند با تعیین اعضاء، وظایف و طرق عزل آنها.

۵. حقوق و وجایب اعضای مؤسس.

۶. طرز نظارت اموال جمعیت.

۷. طرز تعدیل اساسنامه جمعیت.

۸. الحاق، تقسیم و تاسیس نمایندگی.

۹. انحلال و تصفیه امور مالی جمعیت و مرجعی که اموال به آن انتقال می‌یابد.

● ماده ۴۰۶ -

(۱) اعضای مؤسس نمی‌توانند چنان مطالبی را در اساسنامه جمعیت بگنجانند که انتقال اموال را بعد از انحلال جمعیت بخود، فامیل و یا ورثه شان مجاز قرار دهد.

(۲) اسهام جمعیت‌های تعاونی، صندوق اعانات مبادله و صندوق تقاعد ازین حکم

مستثنی می باشد.

• ماده ۴۰۷-

خارج شدن از عضویت جمعیت خواه به اداره شخص یا جمعیت باشد. موجب حرمان از اموال جمعیت می گردد. مگر اینکه در قانون مخالف آن تصریح شده باشد.

• ماده ۴۰۸-

جمعیت نمی تواند مالک اموال غیر منقول گردد، مگر اینکه همچو مکلفیت برای اجرای وظایف اساسی جمعیت ضروری پنداشته شود. جمعیت ها تعلیم و امور خیریه ازین حکم مستثنی می باشد.

• ماده ۴۰۹-

شخصیت حکمی جمعیت وقتی تثبیت می گردد که اساسنامه آن مطابق با احکام این قانون ترتیب و نشر گردیده باشد.

• ماده ۴۱۰-

اعلان اساسنامه جمعیت بعد از پرداخت محصول معینه و ثبت جمعیت در دفاتر مربوط و نشر آن در رسمی جریده تکمیل می گردد.

• ماده ۴۱۱-

مرجع صلاحیتدار، اساسنامه جمعیت را در خلال مدت شصت روز از تاریخ مطالبه آن اعلان می نماید. در غیر آن به تکمیل شصت روز جمعیت حکما اعلام شده شناخته می شود. مرجع مذکور با اثر مطالبه اشخاص ذی علاقه مکلف است اساسنامه جمعیت را مطابق با احکام این قانون اعلان و یا آنرا رد نماید.

• ماده ۴۱۲-

تعدیل اساسنامه جمعیت با رعایت احکام مواد (۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱) این قانون بعد از اعلان نافذ شمرده می شود.

• ماده ۴۱۳-

جمعیت مراتب آتی را رعایت می نماید:

۱. نگهداری دفاتر و اسناد مربوط جمعیت در مرکز اداره آن.

۲. ثبت اسم، ولد، اسم فامیلی، سن، نمبر تذکره، پیشه و آدرس هر عضو با تاریخ شمول وی به عضویت جمعیت، در دفاتر مخصوص یا تغییراتی که در موارد فوق بعمل می‌آید.

۳. ثبت رویدادها و تصاویر مجمع عمومی و مجالس اداری در دفاتر مخصوص. هر عضو جمعیت می‌تواند از محتویات محاضر اطلاع حاصل نماید.

۴. ثبت مصارف، عواید، تبرعات و مدارک آن بالتفصیل در دفاتر مخصوص صورت می‌گیرد.

مرجع صلاحیتدار می‌تواند از محتویات این اسناد و محاضر اطلاع حاصل نماید.
۵. اشخاص خارجی می‌توانند در حالات خاص به اجازه مراجع ذیصلاح در جمعیت‌های فرهنگی کسب عضویت نمایند.

• ماده ۴۱۴ -

(۱) جمعیت مکلف است با اجازه مرجع صلاحیتدار اموال نقدی مربوط به جمعیت را به عنوان جمعیت در بانک و یا محل دیگری بودیعت گذارد.
(۲) جمعیت باید از تغییر محل ودیعت در خلال یک هفته از تاریخ تغییر، به مرجع صلاحیتدار اطلاع نماید.

• ماده ۴۱۵ -

اموال مربوط به جمعیت برای تامین اهداف معینه آن بمصرف میرسد. مقدار باقیمانده در ساحات مطمئن بدوران انداخته شده می‌تواند، مشروط بر اینکه فعالیت‌های اصلی آنرا متاثر نسازد.

• ماده ۴۱۶ -

جمعیت دارای بودجه سالانه که از طرف مجمع عمومی تصویب گردیده می‌باشد. بودجه جمعیت با اطلاع مرجع صلاحیتدار رسانیده می‌شود.

• ماده ۴۱۷ -

جمعیت نمی‌تواند خارج از حدودی که در اساسنامه آن توضیح شده فعالیت نماید.

• ماده ۴۱۸ -

جمعیت‌ها نمی‌توانند به مضاربت مالی تشبث نمایند.

• ماده ۴۱۹ -

(۱) اسم جمعیت، شماره اعلان و حدود فعالیت آن در تمام دفاتر، اوراق و نشرات آن درج می‌گردد.

(۲) هیچ جمعیت نمی‌تواند چنان اسمی را انتخاب نماید که بجمعیت دیگری متعلق باشد، گرچه ساحه فعالیت آنها مشترک باشد.

• ماده ۴۲۰ -

(۱) هیچ جمعیتی بدون اجازه مرجع صلاحیتدار نمی‌تواند به جمعیت، صلاحیتدار نمی‌تواند به جمعیت، هیئت و یا کلب در خارج از افغانستان منسوب، مشترک و یا منضم گردد.

(۲) هیچ جمعیت نمی‌تواند اموالی را از شخص، جمعیت هیئت یا کلبی که در خارج افغانستان باشد، بدست آورد مگر با اجازه مرجع صلاحیتدار.

(۳) هیچ جمعیت نمی‌تواند چیزی را به اشخاص و یا مؤسسات خارجی بدون اجازه مرجع صلاحیتدار بفرستد.

• ماده ۴۲۱ -

تبرعات تنها به اسم و حساب جمعیت مطابق به مقرراتی که از طرف حکومت وضع گردیده، جمع آوری شده می‌تواند.

مرجع صلاحیتدار می‌تواند شرائط خاصی را دربارهٔ تبرعات هر جمعیت حسب احوال علاوه کند.

• ماده ۴۲۲ -

(۱) جمعیت باید انعقاد واجندای مجمع عمومی را اقلاً (۱۵) روز قبل باصلاع مرجع صلاحیتدار برساند.

مرجع صلاحیتدار می‌تواند نماینده ایرا غرض اشتراک در مجمع عمومی جمعیت بفرستد.

(۲) جمعیت گذارشات مجمع عمومی را در خلال (۱۵) روز از تاریخ انعقاد آن، باطلاع مرجع صلاحیتدار می‌رساند.

• ماده ۴۲۳ -

(۱) جمعیت می‌تواند نمایندگی تاسیس نماید.

(۲) نمایندگی بعد از اعلان، حیثیت شخصیت حکمی مستقل را سب می‌نماید. نمایندگی نمی‌تواند اساسنامه داخلی خود را در موضوعات مربوط به وجایب آن در برابر جمعیت اصلی، طرزالعمل و سیاست عمومی جمعیت، بدون موافقه جمعیت اصلی تعدیل نماید.

فرع دوم - هیئت مدیره

• ماده ۴۲۴ -

(۱) جمعیت دارای هیئت مدیره می‌باشد. تعیین اعضاز هیئت مدیره، صلاحیت، وظایف و ختم عضویت اعضاء در اساسنامه جمعیت توضیح می‌گردد.

(۲) هیئت مذدیره مرکب از سه عضو و یا بیشتر بوده و مدت خدمت شان بیش از سه سال بوده نمی‌تواند.

(۳) تجدید عضویت مطابق به اساسنامه جمعیت صورت می‌گیرد.

• ماده ۴۲۵ -

شخصی که به صفت عضو هیئت مدیره تعیین می‌گردد، باید بحکم قطعی محکمه باصلاحیت بحرمان از حقوق سیاسی و مدنی محکوم نشده باشد.

• ماده ۴۲۶ -

(۱) هیئت مدیره در حدود صلاحیتی که در اساسنامه به آن تصریح گردیده، امور مربوط به جمعیت را اداره می‌نماید.

(۲) هیئت مدیره اقلا دو مرتبه در یک ماه تشکیل جلسه می‌دهد.

• ماده ۴۲۷ -

هیئت مدیره شخصی را از جمله اعضای خود یا دیگر اعضای جمعیت بحیث رئیس تعیین می‌نماید.

• ماده ۴۲۸ -

شخصی که از طرف هیئت مدیره بحیث رئیس تعیین می شود امور مربوط به پیشنهاد، تقرر موظفین، تطبیق مجازات تادیبی، ملاحظه اسناد مصرف و مراقبت تنفیذ تصاویر مجمع عمومی و هیئت مدیره را انجام می دهد. مشروط براینکه در اساسنامه جمعیت خلاف آن تصریح نشده باشد.

فرع سوم - مجمع عمومی

• ماده ۴۲۹ -

(۱) مجمع عمومی مرکب از تمام عضایست که وجایب خود را مطابق به اساسنامه جمعیت ایفاء نموده باشند.

(۲) تصاویر مجمع عمومی خارج از موضوعات شامل اجنداء اعتبار ندارد.

• ماده ۴۳۰ -

تصاویر مجمع عمومی باکثرت آرای اعضای حاضر بعد از تکمیل نصاب دو ثلث اعضای اصلی آن صورت می گیرد. تصاویر مجمع عمومی درباره تعدیل اساسنامه جمعیت به اکثریت مطلق و درباره انحلال جمعیت، عزل اعضای هیئت مدیره، اتحاد و یا الحاق آن با جمعیت دیگر باکثرت دو ثلث اعضاء صورت می گیرد. مگر اینکه در اساسنامه جمعیت خلاف آن تصریح شده باشد.

• ماده ۴۳۱ -

در جلسات مجمع عمومی اعضاء شخصا اشتراک نموده و یا عضو دیگری را کتبا بحیث نماینده خود تعیین مینمایند.

• ماده ۴۳۲ -

مجمع عمومی در خلال سه ماه بعد از ختم هر سال مالی بصورت عادی تشکیل جلسه داده و امور مربوطه به بودجه، حساب سال تمام راپور سالانه هیئت مدیره و راپور مربوط به امور مالی را بررسی می نماید. تشکیل جلسات فوق العاده مجمع عمومی در صورت لزوم نیز صورت گرفته می تواند. انعقاد جلسات مجمع عمومی بدعوت هیئت مدیره صورت می گیرد.

• ماده ۴۳۳ -

هرگاه هیئت مدیره جلسه فوق العاده مجمع عمومی را در خلال (۱۵) روز از تاریخ تسلیمی درخواست تحریری اقلاده نفر از اعضای مجمع عمومی که در آن هدف انعقاد جلسه نیز توضیح یافته است دایر ننماید، درخواست کنندگان می‌توانند مستقیماً اعضای مجمع عمومی را به تشکیل جلسه دعوت نمایند.

• ماده ۴۳۴ -

عضو جمعیت در موضوعی که منفعت وی در آن دخیل باشد، حق رای دادن را ندارد. رای دادن درباره انتخاب اعضای هیئت جمعیت ازین حکم مستثنی می‌باشد.

• ماده ۴۳۵ -

(۱) هرگاه مجمع عمومی یا هیئت مدیره و یا رئیس جمعیت تصاویری را خلاف احکام قانون یا اساسنامه جمعیت اتخاذ نماید، در برابر همجو تصاویر مطالبه ابطال صورت می‌گیرد.

مطالبه ابطال از طرف خازنوالی یا یکی از اعضای جمعیت به محکمه ای که اداره مرکزی جمعیت در حوزه صلاحیت آن واقع است در خلال سه ماه از تاریخ صدور تصویب تقدیم می‌گردد.

(۲) ابطال اینگونه تصاویر بر حقوق مکتسبه اشخاصی که براساس حسن نیت ذیحق گردیده اند، تاثیر ندارد.

• ماده ۴۳۶ -

(۱) مرجع صلاحیتدار تعمیل تصاویری را که از طرف مجمع عمومی یا هیئت مدیره یا رئیس جمعیت مخالف قانون، نظام و آداب عامه اتخاذ شده باشد، متوقف می‌سازد.

(۲) مرجع صلاحیت دار باید در خلال (۳۰) روز از تاریخ توقف آن دعوی ابطال را در برابر تصویب مذکور بمحکمه باصلاحیت، اقامه نماید.

فرع چهارم - انحلال و تصفیه جمعیت

• ماده ۴۳۷ -

(۱) جمعیت در حالات آتی منحل می‌گردد:

۱. در حالی که تعهدات خود را ایفا کرده نتواند.
 ۲. در حالی که اموال یا منافع خود را خارج از اهدافی که در اساسنامه آن توضیح گردیده، تخصیص دهد.
 ۳. در حالی که جمعیت به تخلف از مواد مندرج اساسنامه و یا هر نوع اجراات مخالف قانون، اهداف تاسیسی، نظام و آداب عامه مبادرت ورزد.
- (۲) مطالبه انحلال از طرف هریک از اعضای جمعیت، شخص ذی‌علاقه و یا خازنوالی به محکمه ای که اداره مرکزی جمعیت در حوزه صلاحیت آن واقع گردیده، تقدیم می‌گردد.
- ماده ۴۳۸ -

هرگاه محکمه بانحلال جمعیت حکم نماید، یک و یا چند شخص را برای تصفیه امور حسابی و توزیع دارایی جمعیت با رعایت احکام مندرج اساسنامه مربوط تعیین می‌نماید. در صورتی که درباره توزیع دارایی جمعیت منحل شده، حکمی در اساسنامه آن موجود نباشد، محکمه می‌تواند این دارایی را بجمعیت و یا مؤسسه دیگری که با جمعیت منحل شده اهداف مشترک داشته باشد انتقال دهد.

• ماده ۴۳۹ -

هرگاه محکمه برد مطالبه انحلال جمعیت حکم نماید، می‌تواند به ابطال تصرفی که مورد اعتراض قرار گرفته است، حکم نماید.

مبحث چهارم - جمعیت های عام المنفعه

- ماده ۴۴۰ -
- (۱) جمعیت عام المنفعه، عبارت از جمعیتی است که بمنظور تامین منافع عامه تاسیس می‌گردد.
 - (۲) اعطای عنوان جمعیت به صفت عام المنفعه توسط فرمان دولت صورت می‌گیرد. سلب عنوان اعطاء شده توسط چنین فرمان نیز جواز دارد.
- ماده ۴۴۱ -
- جمعیت عام المنفعه برعایت شرایط اهلیت مربوط به تملک اموال منقول و غیر منقول مقید نمی‌باشد.

• ماده ۴۴۲ -

حدود استفاده جمعیت عام المنفعه از صلاحیت سلطه عامه، مانند عدم جواز حجز بر تمام و یا قسمتی از اموال جمعیت، عدم تاثیر مرور زمان درباره ملکیت این اموال و جواز استملاک برای تامین اهداف جمعیت توسط مقررات توضیح می‌شود.

• ماده ۴۴۳ -

جمعیت عام المنفعه تحت مراقبت مرجع صلاحیتدار مربوط فعالیت می‌نماید. اجراءات جمعیت از نظر تطابق با قوانین، اساسنامه و تصاویب مجمع عمومی توسط مرجع مذکور مورد تفتیش و تحقیق قرار می‌گیرد.

هیئت تفتیش از طرف مرجع صلاحیتدار تعیین گردیده و در ختم کار راپور اجراءات خود را به مرجع مربوط تقدیم می‌نماید.

• ماده ۴۴۴ -

(۱) مرجع صلاحیتدار می‌تواند اتحاد چند جمعیت عام المنفعه را که هدف مشترک داشته باشند تصویب نماید. همچنان می‌تواند درباره توحید فعالیت‌ها یا تعدیل اهداف جمعیت‌های مختلف بروفق احتیاجات محیط یا بمنظور ایجاد هم‌آهنگی بین خدماتی که از طرف آنها انجام می‌گردد و با اسباب دیگری که برای تامین اهداف جمعیت‌ها مفید پنداشته شود، تصمیم اتخاذ نماید.

(۲) مرجع مذکور در تصویب خود اسباب و طرز العمل اتحاد و چگونگی تسلیمی اموال، اوراق و اسناد را به هیئت جدید توضیح می‌نماید.

• ماده ۴۴۵ -

(۱) مرجع صلاحیتدار می‌تواند اشخاصی را که داوطلب عضویت هیئت عامل می‌شوند، اجازه شمول ندهد.

(۲) مرجع صلاحیتدار می‌تواند یکی از داوطلبان را برای مراقبت جریان انتخابات اعضاء تعیین نماید.

(۳) اگر انتخابات مخالف احکام قانون یا اساسنامه جمعیت صورت گرفته باشد، مرجع صلاحیتدار قرار مدلی مبنی بر الغای انتخاب را در خلال (۱۵) روز از اجرای انتخابات صادر می‌نماید.

• ماده ۴۴۶ -

(۱) مرجع صلاحیتدار می‌تواند بنا بر قرار مدلل، رئیس هیئت مدیره ای را برای اجرای وظایفی که در اساسنامه جمعیت توضیح گردیده موقتاً تعیین نماید.

(۲) رئیس یا هیئت مدیره موقت وقتی تعیین می‌گردد که در اجراءات رئیس یا هیئت مدیره جمعیت چنان تخلفی بروز نماید، که دوام آنها بوظیفه بمصلحت جمعیت نبوده با وجود اخطار جمعیت و مرور (۱۵) روز از تاریخ اخطار برفع تخلفات نپرداخته باشد.

• ماده ۴۴۷ -

(۱) اعضای هیئت مدیره جمعیت و کارکنان آن مکلف اند تمام اموال جمعیت، اسناد و دفاتر مربوط را با اختیار هیئت مدیره موقت بگذارد.

(۲) مسئولیت قانونی اعضای هیئت مدیره و کارکنان جمعیت با سپردن اموال، اسناد و دفاتر مربوط به هیئت مدیره موقت خاتمه پیدا نمی‌کند.

• ماده ۴۴۸ -

رئیس یا هیئت مدیره موقت مکلف است در خلال مدتی که در قرار تعیین شان تصریح یافته، مجمع عمومی را دایر و راپور اجراءات خود را تقدیم نماید. مجمع عمومی بعد از استماع راپور، هیئت مدیره جدید را مطابق به اساسنامه و احکام قانون انتخاب می‌نماید.

• ماده ۴۴۹ -

جمعیت به تطبیق تصاویر رئیس و یا هیئت مدیره موقت که در داخل مدت معینه مندرج قرار، تعیین شان صورت گرفته، در داخل حدودی که در قرار مذکور و یا اساسنامه جمعیت توضیح شده، مکلف می‌باشد.

• ماده ۴۵۰ -

مرجع صلاحیتدار، اعضای هیئت مدیره سابق را که با اثر تخلف مسئولیت شان ثابت گردیده، برای مدتی که متجاوز از سه سال نباشد، از داوطلب شدن مجدد بحیث عضو هیئت مدیره محروم می‌سازد.

مبحث پنجم - جمعیت خیریه

• ماده ۴۵۱ -

(۱) جمعیت خیریه عبارت از جمعیتیست که برای تامین اهداف خیریه و یا رفاه اجتماعی جهت استفاده اعضای جمعیت یا سایر اشخاص تاسیس شده باشد.

(۲) اعضای هیئت مدیره نمی‌توانند در داخل جمعیت به شغل دیگری در مقابل اجرت اشتغال ورزند.

• ماده ۴۵۲ -

(۱) هیئت مدیره جمعیت خیریه مکلف به تهیه راپور اجراآت سالانه می‌باشد.

(۲) هیئت مدیره بودجه سالانه جمعیت را با اسناد و مدارک آن بمرجع صلاحیتدار تقدیم نموده و معلومات مورد ضرورت مرجع مذکور را تهیه میکند.

مبحث ششم - جمعیت فرهنگی

• ماده ۴۵۳ -

جمعیت فرهنگی، عبارت از جمعیتیست که هدف تاسیس آنرا انکشاف امور علمی، فنی، ادبی و هنری تشکیل می‌دهد.

• ماده ۴۵۴ -

هیئت مدیره جمعیت فرهنگی مکلف است راپور اجراآت سالانه خود را باطلاع مرجع صلاحیتدار برساند. این جمعیت راجع به تقدیم اسناد و معلومات لازمه تابع احکام سایر جمعیت‌های مندرج این قانون می‌باشد.

مبحث هفتم - مؤسسات

• ماده ۴۵۵ -

مؤسسه، عبارت از شخصیت حکمیست که برای انجام خدمات بشری، دینی، علمی، فنی و یا سپورتنی از طریق تخصیص اموال برای مدت غیرمعین تاسیس یافته و بروی اهداف غیرانتفاعی فعالیت می‌نماید.

• ماده ۴۵۶ -

- (۱) تاسیس مؤسسه توسط سند رسمی صورت می‌گیرد.
- (۲) سند رسمی حیثیت اساسنامه مؤسسه را داشته و حاوی مطالب آتی می‌باشد:
 ۱. عنوان مؤسسه و مرکز اداره آن. مرکز اداره مؤسسه در خارج از افغانستان بوده نمی‌تواند.
 ۲. هدف و مرام تاسیس آن.
 ۳. اسم و شهرت مکمله مؤسس یا مؤسسين.
 ۴. تفصیلات دارایی ای که به مؤسسه تخصیص یافته است.
 ۵. تشکیل اداری مؤسسه و اسم رئیس آن.
 ۶. طرز نظارت و تفتیش امور مالی مؤسسه.
 ۷. طرز تعدیل اساسنامه، الحاق، تجزیه و تاسیس نمایندگی های مؤسسه با توضیح طرز تصفیه و تعیین مرجعی که اموال مؤسسه به آن تعلق می‌گیرد.

• ماده ۴۵۷ -

هرگاه عضو مؤسس، دائنین یا ورثه داشته باشد، تاسیس مؤسسه درباره حقوق شان حکم وصیت یا هبه را دارد. در صورتی که تاسیس مؤسسه حقوق دائنین یا ورثه را متضرر سازد، آنها می‌توانند مطابق باحکام قانونی که درباره وصیت و هبه موجود است، دعوی نمایند.

• ماده ۴۵۸ -

مؤسسه ای که توسط سند رسمی تاسیس شده باشد، مؤسس آن می‌تواند قبل از اعلان توسط سند رسمی دیگری از تاسیس آن انصراف نماید.

• ماده ۴۵۹ -

شخصیت حکمی مؤسسه وقتی تثبیت می‌گردد که مطابق باحکام این قانون اعلان گردیده باشد.

• ماده ۴۶۰ -

اعلان مؤسسه بمطالبه مؤسس یا اولین رئیس آن و یا مرجع صلاحیتداری که مؤسسه تحت نظارت آن قرار دارد، مطابق باحکام مربوط به اعلان جمعیت های مندرج این قانون صورت می‌گیرد.

- ماده ۴۶۱ – مرجع صلاحیتدار می‌تواند درباره تاسیس، طرز اداره و اساسنامه مؤسسه، بمنظور تامین اهداف تاسیس آن، تعدیل وارد نماید.
- ماده ۴۶۲ – مؤسسه توسط رئیس اداره و تمثیل می‌گردد.
- ماده ۴۶۳ – رئیس مؤسسه، بودجه و صورت حسابات سالانه مؤسسه را بمرجع صلاحیتدار آن ارائه و معلومات مورد ضرورت مرجع مذکور را تهیه می‌نماید.
- ماده ۴۶۴ – مؤسسه نمی‌تواند بدون اجازه مرجع صلاحیتدار وصیت و یا هبه را قبول نماید.
- ماده ۴۶۵ – مرجع صلاحیتدار می‌تواند در ضمن دعوی از محکمه مربوط عزل موظفینی را که در وظایف محوله اهمال ورزیده یا اعمال مخالف قانون یا اساسنامه مؤسسه را مرتکب گردیده‌اند و یا اموال مؤسسه را مخالف اهداف تاسیس یا اراده مؤسس آن بمصرف رسانیده یا اینکه مرتکب قصور فاحش گردیده‌اند مطالبه نماید.
- ماده ۴۶۶ – مرجع صلاحیتدار می‌تواند برای تامین اهداف مؤسسه یا نگهداری اموال متعلق به آن تخفیف یا الغای تمام و یا قسمتی از وجایب و شروطی را که در اساسنامه مؤسسه قید گردیده است، از محکمه با صلاحیت مطالبه نماید.
- ماده ۴۶۷ – هرگاه رئیس مؤسسه مخالف قانون، نظام عامه یا خارج از حدود صلاحیت خویش اجراءات نماید، مرجع صلاحیتدار می‌تواند این اجراءات را متوقف و ابطال این اجراءات را از محکمه با صلاحیت مطالبه نماید.
- ماده ۴۶۸ – (۱) مطالبه ابطال مندرج ماده (۴۶۷) این قانون حداکثر در خلال یکسال از تاریخ اجراءات، به محکمه تقدیم می‌گردد.

(۲) ابطال اینگونه اجراءات بر حقوق مکتسبه اشخاصی که براساس حسن نیت ذیحق گردیده اند، تاثیر ندارد.

• ماده ۴۶۹ -

احکام مربوط به جمعیت ها از قبیل تاسیس، الحاق، تجزیه، تاسیس نمایندگی، تعیین رییس موقت، انحلال و تصفیه، تبدیل مؤسسه به عام المنفعه و همچنان حکم مندرج ماده (۴۱۸) این قانون بر عموم مؤسسات نیز قابل تطبیق می باشد.

• ماده ۴۷۰ -

احکام مربوط به مؤسسات مندرج این قانون درباره مؤسسه که به شکل وقف تاسیس یافته باشد، استثناء تطبیق نمی گردد.

• ماده ۴۷۱ -

اتخاذ تدابیر در برابر تخلفات موظفین جمعیت ها و مؤسساتی که در موارد مربوط این قانون تصریح یافته، مانع تطبیق قانون جزای عمومی نمی گردد.

پیوست دوم: قانون مؤسسات غیردولتی NGOs در افغانستان

فصل اول- احکام عمومی

هدف

• مادهٔ اول:

- (۱) این قانون به منظور تنظیم فعالیت های مؤسسات غیردولتی داخلی وخارجی (NGOs) درکشوروضع گردیده است.
- (۲) شرایط تأسیس، ثبت، طرز اداره، فعالیت، نظارت داخلی، انحلال وتصفیهٔ اموال مؤسسات غیردولتی داخلی وخارجی مطابق احکام این قانون تنظیم می گردد.

نام اختصاری

• مادهٔ دوم:

- مؤسسات غیردولتی داخلی وخارجی (NGOs) دراین قانون بنام مؤسسه یاد می شود.
- رعایت اسناد تقنینی

• مادهٔ سوم:

- مؤسسه دراجرای فعالیت های خود احکام قانون اساسی وسایراسناد تقنینی نافذه رارعایت می نماید.

مرجع ثبت

• مادهٔ چهارم:

- وزارت اقتصاد مرجع ثبت، نظارت، بررسی وانسجام فعالیت های مؤسسات درافغانستان می باشد.

اصطلاحات

• ماده پنجم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید:

۱. مؤسسه: سازمان غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی بوده که شامل مؤسسات داخلی و خارجی می گردد.

۲. مؤسسه داخلی: عبارت از مؤسسه غیردولتی داخلی بوده که به منظور پیشبرد هدف یا اهداف معین تشکیل می گردد.

۳. مؤسسه خارجی: عبارت از تشکل غیردولتی بوده که در خارج افغانستان مطابق قانون دول خارجی تأسیس گردیده و شرایط این قانون را بپذیرد.

۴. مؤسسه خارجی بین المللی: عبارت از تشکل غیردولتی بوده که در خارج افغانستان مطابق قانون دول خارجی ایجاد و فعالیت آن بیش از یک کشور را شامل می نماید. مؤسسات ملل متحد و ارگان های مربوطه آن شامل این تعریف نمی باشند.

۵. غیرانتفاعی به این مفهوم که:

— مؤسسه نمی تواند دارایی، عایدات و منافع حاصله را به جز اهداف کاری مؤسسه به هیچ شخصی توزیع نماید.

— مؤسسه نمی تواند از دارایی، عایدات و منافع حاصله به مقاصد و منافع شخصی مؤسسين، اعضاء، هیئت مدیره، مسؤولین، کارکنان، کمک دهندگان یا نزدیکان آنها به شکل مستقیم یا غیرمستقیم استفاده نماید.

طرز مصارف دارایی ها

• ماده ششم:

(۱) دارایی، عایدات و منافع حاصله صرف در جهت پیشبرد هدف یا اهداف غیرانتفاعی مؤسسه مصرف می گردد.

(۲) مؤسسه مکلف است در تمام فعالیت های خود حسابداری و شفافیت را بهبود بخشیده و درتادیه مزد کارکنان، کرایه دفاتر و منازل و سایر مصارف اداری و لوژستیک معقولیت را به منظور جلب اعتماد عمومی مد نظر بگیرند.

محدودیت‌های قانونی

• مادهٔ هفتم:

هیچگونه محدودیت بالای اهداف و فعالیت‌های مؤسسه در افغانستان وضع شده نمی‌تواند، مگر به موجب قانون.

فعالیت‌های غیر مجاز

• مادهٔ هشتم:

مؤسسه نمی‌تواند فعالیت‌های ذیل را انجام دهد:

۱. شرکت در فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی.
۲. پرداخت و تدارک وجوه مالی برای احزاب و نامزدهای سیاسی.
۳. ایجاد خشونت و درگیر شدن در فعالیت‌های نظامی.
۴. تولید، توزیع، خرید و فروش سلاح و مهمات و تربیت اشخاص در رشته‌های نظامی.
۵. اشتراک در فعالیت‌های تروریستی، حمایت، تشویق یا تامین تروریسم.
۶. مساعدت به زرع، تولید، رویه، خرید و فروش، توزیع، صدور، عرضه، نگهداشت، حمل و نقل، تملیک و استعمال مواد مخدر یا فراهم آوری تسهیلات در این زمینه.
۷. استفاده از امکانات مالی دست داشته علیه منافع ملی، شعایر مذهبی و تبلیغات دینی.
۸. اشتراک در پروژه‌ها و قراردادهای ساختمانی. «در موارد استثنایی به درخواست رییس نمایندگی دیپلماتیک کشور تامین کننده، وزیر اقتصاد می‌تواند اجازهٔ خاص صادر نماید».
۹. انجام فعالیت‌های تجارتي صادرات و واردات.
۱۰. انجام سایر فعالیت‌های مغایر قانون.

چتر مؤسسات

• مادهٔ نهم:

(۱) مؤسسات می‌توانند به منظور توسعه، بهبود و تحقق فعالیت‌ها و کامل کردن کارپروژه، تشکیل کاری (چتر) را مطابق احکام این قانون ایجاد نمایند. این تشکل بعد از منظوری کمیسیون عالی ارزیابی مدارا اعتبار می‌باشد.

- (۲) مؤسسات می‌توانند به منظور هماهنگی و انسجام بهتر کار، با ادارات ذیربط دولتی، سازمان هم‌آهنگ کار را منحیث یک مؤسسه غیردولتی که تعداد آن از (سه) مؤسسه کمتر نباشد، مطابق احکام این قانون ایجاد نمایند.
- (۳) مؤسسات مندرج فقره (۲) این ماده فعالیت‌های خویش را با همکاری کمیسیون عالی ارزیابی تنظیم مینمایند.

عضویت در سازمان‌های بین‌المللی

• ماده دهم:

- (۱) مؤسسه می‌تواند به منظور پیشبرد فعالیت‌های مربوط به طور داوطلبانه عضویت سازمان‌های بین‌المللی را کسب نماید.
- (۲) مؤسسه می‌تواند طبق اساسنامه، نمایندگی‌های خویش را در صورت ضرورت در سائر ولایت‌ها کشور تأسیس نماید، در این صورت دفاتر نمایندگی حایز شخصیت حقوقی مستقل نبوده، فرع دفتر مرکزی شمرده می‌شود.

فصل دوم- شرایط تأسیس و مراحل ثبت مؤسسه

شرایط تأسیس

• ماده یازدهم:

- (۱) مؤسسه با حد اقل دوشخصیت حقیقی یا حقوقی داخلی و یا خارجی که یکی از آنها در داخل افغانستان سکونت و آدرس معین داشته و شخصیت حقیقی سن قانونی را تکمیل نموده باشد، با تکمیل سند تأسیس و اساسنامه توسط مؤسسين تأسیس می‌گردد. مؤسسه مکلف است مطابق سند تأسیس و اساسنامه منظور شده فعالیت نماید.
- (۲) رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، رؤسا و اعضای شورای ملی، رئیس و اعضای دادگاه عالی، وزراء، هیئت رهبری لوی څارنوالی، معینان، رؤسای کمیسیون‌ها یا ادارات مستقل دولتی و رؤسای احزاب سیاسی، حق تأسیس مؤسسه و عضویت در آن را ندارند.

عدم استفاده از نام مشابه

• ماده دوازدهم:

- (۱) مؤسسه در دفتر ثبت با یک یا بیشتر از یک لسان رسمی کشور درج شده می‌تواند.
- (۲) مؤسسه جدید التأسیس نمی‌تواند از نام و آرم مؤسسه ای که قبلاً منحل شده، استفاده نماید.
- (۳) مؤسسه نمی‌تواند از نام مشابه سایر مؤسسات، شرکت‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی استفاده نماید.

محتویات درخواست

• ماده سیزدهم:

- (۱) مؤسسه برای مدت معین یا غیرمعین می‌تواند تأسیس گردد.
- (۲) مؤسسه دارای نام، سمبول، آرم و آدرس مشخص بوده و در فعالیت‌های خویش از آنها استفاده می‌نماید.
- (۳) ورقه درخواست تأسیس مؤسسه حاوی مشخصات و معلومات ذیل می‌باشد:
 - نام رسمی و اختصاری مؤسسه.
 - آدرس و شهرت مؤسسین.
 - ساختار تشکیلاتی.
 - میعاد فعالیت مؤسسه.
 - اهداف و نوع فعالیت مؤسسه.
 - داشتن پست الکترونیکی جهت تأمین ارتباط در صورت امکان.

محتویات اساسنامه

• ماده چهاردهم:

- (۱) اساسنامه مؤسسه دارای مشخصات و معلومات ذیل می‌باشد:
 ۱. نام و آدرس رسمی.
 ۲. اهداف و ساحه فعالیت.

۳. طرز انتخاب و عزل هیئت مدیره.
 ۴. طرز العمل تدویر جلسات.
 ۵. صلاحیتها و مکلفیت های مجمع عمومی و هیئت مدیره.
 ۶. طرز گزارش دهی به هیئت مدیره و مجمع عمومی.
 ۷. صلاحیت ها و مکلفیت های مسئولین و اعضاء.
 ۸. طرز استفاده از دارایی مؤسسه.
 ۹. تعدیل اساسنامه، ادغام، انفصال، غیرشکل و انحلال مؤسسه.
 ۱۰. طرز العمل استفاده و توزیع دارایی های مؤسسه که بعد از انحلال یا سلب فعالیت و پایان کار باقی میماند.
 ۱۱. طرز نظارت داخلی از اجرای فعالیت های مؤسسه.
 ۱۲. آغاز و ختم سال کاری مؤسسه.
- (۲) مؤسسه مکلف است، در صورت تعدیل اساسنامه مربوط، طی مدت سی روز بعد از تعدیل آنرا توأم با یک نقل تصمیم مجمع عمومی یا سایر ارگانهای با صلاحیت آن به وزارت اقتصاد کتباً اطلاع دهد.
- (۳) اداره مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد مکلف است تعدیل مندرج فقره (۲) این ماده را در دفتر مربوط ثبت نماید.

طرز ارائه درخواست

• ماده پانزدهم:

- (۱) مؤسسه ورقه درخواست را غرض کسب جواز فعالیت و ثبت آن در مرکز وزارت اقتصاد و در ولایات به ادارات ولایتی ارائه و فورمه های معیاری را به منظور درج معلومات مطالبه شده، اخذ می نماید. ادارات ولایتی مکلف اند بلافاصله ورقه درخواست را به وزارت اقتصاد ارسال نمایند.
- (۲) مؤسسه فرم های ثبت را خانه پری، نام و نام اختصاری، اساسنامه، تشکیل، اهداف اقتصادی، دارایی ابتدایی، آدرس مشخص در افغانستان و لیست وسایل و اجناس مربوطه را ارائه نموده و بعد از تایید کمیسیون عالی ارزیابی، مؤسسه داخلی مبلغ ده

هزار افغانی و مؤسسات خارجی و بین المللی مبلغ یک هزار دلار امریکایی را بعنوان حق ثبت بحساب واردات دولت بوسیله نامه رسماً تحویل بانک نموده و اویز آنرا ضمیمه اسناد مینمایند.

(۳) مؤسسه خارجی علاوه بر ارائه اسناد مندرج فقره (۲) این ماده، سند یا مدارک معتبر دیگری که ثبت و فعالیت آن را در کشور دیگر اثبات نماید، درج درخواست نموده، به وزارت امور خارجه ارائه می نماید.

(۴) مؤسسه خارجی یاد داشت کتبی را که حاوی اهداف و شرح کلی فعالیت های آن می باشد توسط نماینده با صلاحیت دفتر مرکزی خویش بعد از تایید وزارت امور خارجه جهت ثبت و ثبت به وزارت اقتصاد ارائه می نماید.

ارزیابی درخواست

• ماده شانزدهم:

(۱) درخواست ارائه شده و اسناد منضمه آن از طرف کمیسیون تخنیکی تحت نظارت اداره مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد مطالعه و بررسی گردیده، جهت ارزیابی نهایی به کمیسیون عالی ارزیابی سپرده می شود. وزیر اقتصاد حسب لزوم دید، جهت سهولت متقاضیان در ولایات و وظیفه کمیسیون تخنیکی را به ادارات ولایتی مربوطه تفویض نموده می تواند.

(۲) اداره مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد بعد از دریافت درخواست ثبت مؤسسه خارجی، در صورت نواقص یک کپی اسناد شامل دوسیه رادرمدت یک هفته به وزارت امور خارجه ارسال می نماید.

وزارت امور خارجه مکلف است در مدت یک ماه اسناد را ارزیابی و از نتیجه آن وزارت اقتصاد را کتباً مطلع سازد، در غیر آن کمیسیون عالی ارزیابی می تواند درخواست ثبت را طی مراحل نماید.

(۳) در صورتی که وزارت امور خارجه در مورد ثبت مؤسسه اعتراض داشته باشد، اعتراض را همراه با اسناد و شواهد به وزارت اقتصاد ارائه می نماید. اداره مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد مکلف است اسناد و شواهد را ضم دوسیه نموده، غرض تصمیم گیری به کمیسیون عالی ارزیابی محول نماید.

ترکیب کمیسیون عالی ارزیابی

• ماده هفدهم:

- (۱) کمیسیون عالی ارزیابی مرکب است از:
- نماینده با صلاحیت وزارت اقتصاد، به حیث رییس.
 - نماینده با صلاحیت وزارت امور خارجه، به حیث عضو.
 - نماینده با صلاحیت وزارت مالیه به حیث عضو.
 - نماینده با صلاحیت وزارت عدلیه به حیث عضو.
 - نماینده با صلاحیت وزارت کار و امور اجتماعی، به حیث عضو.
- (۲) کمیسیون عالی ارزیابی، درخواست ثبت را بررسی نموده، طی مدت پانزده روز از تاریخ ارائه درخواست تصمیم مبنی بر ثبت یا رد آن را اتخاذ می نماید.

صدور جواز فعالیت

• ماده هجدهم:

- (۱) هرگاه ثبت مؤسسه از طرف کمیسیون عالی ارزیابی تصویب گردد، وزارت اقتصاد مکلف است جواز فعالیت را به درخواست دهنده به امضاء وزیر اقتصاد و یا شخصی که صلاحیت به وی تفویض شده، صادر نماید.
- (۲) وزارت اقتصاد مکلف است یک نقل (کاپی) مکمل اسناد مؤسسه خارجی را بعد از تصویب کمیسیون عالی ارزیابی به وزارت امور خارجه و وزارت سکتوری مربوطه ارسال نماید.
- (۳) هرگاه ثبت مؤسسه مورد تصویب قرار نگیرد، وزارت اقتصاد مکلف است دلایل عدم ثبت را طور کتبی به درخواست دهنده ابلاغ نماید.
- (۴) وزارت اقتصاد شهرت مکمل مؤسسات ثبت شده را به منظور تأمین امنیت، بدسترس وزارت امور داخله قرار می دهد.
- (۵) وزارت اقتصاد یک نقل اسناد مورد نیاز مؤسسات تصویب شده را عندالضرورت بدسترس وزارت های سکتوری قرار می دهد.

رد درخواست

• ماده نوزدهم:

- (۱) کمیسیون عالی ارزیابی درحالات ذیل درخواست ثبت را رد می‌نماید:
۱. در صورتی که اساسنامه اسناد و مدارک ثبت مطابق شرایط مندرج این قانون نباشد.
 ۲. در صورتی که اسناد نامکمل باشد.
 ۳. در صورتی که نام مؤسسه درخواست دهنده با نام مؤسسه دولتی یا غیردولتی قبلاً ثبت شده و یا با نام شرکت‌ها و متشبهین خصوصی مشابهت داشته و سبب سوء تفاهم گردد.
 ۴. در صورتی که دو یا بیش از دو مؤسسه غیردولتی به عین نام درخواست ثبت را ارائه نماید. حق اولیت به مؤسسه ای که اولاً درخواست ثبت را ارائه نموده است داده می‌شود، درین صورت به درخواست دهنده بعدی فرصت داده می‌شود تا نام جدید را انتخاب نماید.
- (۲) در صورت موجودیت نواقص در اسناد ارائه شده، کمیسیون عالی ارزیابی اسناد را طی مدت سی روز از تاریخ دریافت درخواست جهت رفع نواقص از طریق کمیسیون تخنیکی به درخواست دهنده مسترد می‌نماید. در این صورت درخواست دهنده مکلف است طی مدت بیست روز اسناد را اصلاح و مجدداً ارائه نماید.

تثبیت شخصیت حقوقی

• ماده بیستم:

شخصیت حقوقی مؤسسه در افغانستان با کسب جواز فعالیت از وزارت اقتصاد تثبیت و تکمیل می‌گردد.

ضرورت اسناد قبلی

• ماده بیست و یکم:

هرگاه مؤسسه به اسناد ثبت شده قبلی ضرورت داشته باشد، اداره مربوط مکلف است در زمینه همکاری نماید.

فصل سوم- فعالیت های اقتصادی، منابع تمویل ومالیات مؤسسه

منع فعالیت های اقتصادی

• ماده بیست ودوم:

- (۱) مؤسسه در صورتی می تواند به فعالیت های اقتصادی مبادرت ورزد که جهت برآورده شدن اهداف غیرانتفاعی آن صورت گیرد.
- (۲) عواید حاصله از فعالیت های اقتصادی مؤسسه صرف برای پیشبرد اهداف ومقاصد تعیین شده مؤسسه مورد استفاده قرار می گیرد.
- (۳) عواید حاصله فعالیت های اقتصادی مؤسسه بصورت مستقیم یا غیرمستقیم به منظور منفعت شخصی مؤسسين، مسؤولين، اعضاء، هیئت مدیره وسایر کارکنان وکمک دهندگان مصرف یا توزیع شده نمی تواند.
- (۴) - هیئت مدیره، مسؤولين وسایر کارکنان نمیتوانند معامله اقتصادی را با مؤسسه مربوط انجام دهند.

آغاز کار

• ماده بیست وسوم:

- (۱) مؤسسه مکلف است قبل از آغاز کار مسوده اسناد پروژوی تعهد شده را بعد از مطالعه وموافقیه توسط ادارات سکتوری غرض تایید وثبت به وزارت اقتصاد ارائه نماید.
- (۲) پروژه های عاجل واضطراری بشری از حکم مندرج فقره (۱) این ماده مستثنی می باشد. مؤسسه مکلف است در هماهنگی با ادارات ذیربط بعد از انجام پروژه گزارش آنرا به مراجع مربوط ارائه نماید.

شرایط استخدام در مؤسسات

• ماده بیست وچهارم:

- (۱) مؤسسه مکلف است در فعالیت های اقتصادی وپروژه های مربوط شرایط ایمنی ومحافظوی کار را برای کارکنان خویش فراهم وامتیازات اقلیمی وساحوی رابه آنها بپردازد.

(۲) مؤسسه مکلف است اصل شایسته‌گی را در استخدام مد نظر گیرد. رییس و اعضای هیئت مدیره مؤسسه نمیتوانند اعضای فامیل یا اقارب نزدیک خویش را مقرر نمایند. (۳) مؤسسه مکلف است در استخدام کارکنان حق اولیت را به افغانهای واجد شرایط بدهد.

(۴) مؤسسه مکلف است در استخدام کارکنان خارجی اجازه قبلی مراجع ذیربط را حاصل و از تاریخ مواسلت، آغاز و ختم وظیفه آنها به وزارت امور خارجه کتباً اطلاع دهد. در حالات اضطراری بشری استخدام اتباع خارجی از این امر مستثنی است.

منابع تمویل

• ماده بیست و پنجم:

مؤسسه از منابع ذیل تمویل شده می‌تواند:

- ۱- امانه و هدایا.
- ۲- ترکه، عطایا و وصیت.
- ۳ حق العضویت.
- ۴- دارایی منقول و غیر منقول.
- ۵- عواید حاصله از طریق فعالیت‌های قانونی اقتصادی.

شرایط استفاده از اموال

• ماده بیست و هشتم:

- (۱) مؤسسه طبق احکام قانون دارای اموال منقول و غیر منقول بوده و برای انجام مقاصد و اهداف غیرانتفاعی از آن استفاده می‌نماید.
- (۲) اموال منقول و غیر منقول بنام مؤسسه ثبت گردیده، کاپی آن به وزارت‌های مالیه و اقتصاد ارسال می‌گردد.
- (۳) مؤسسين، اعضای هیئت مدیره و سایر کارکنان نمیتوانند اموال منقول و غیر منقول مؤسسه را بنام خود یا اقارب نزدیک خریداری و یا ثبت نمایند.
- (۴) عواید ناشی از اموال منقول و غیر منقول مؤسسه مطابق احکام این قانون و اساسنامه

مربوط تحت نظریه‌ت نظر و یا شخصی که در اساسنامه مؤظف گردیده باشد، در جهت اهداف غیرانتفاعی مورد استفاده قرار گرفته می‌تواند.

بررسی امور مالی

• ماده بیست وهفتم:

(۱) مؤسسه مکلف به داشتن صورت حساب (ریکارد) مالی سالانه بوده و گزارش آن مطابق احکام این قانون تهیه و حین بررسی و نظارت بدسترس وزارت اقتصاد قراردادده می‌شود.

(۲) مؤسسه مکلف است امور مالی سالانه خویشرا با استفاده از نورم‌های بین المللی، بررسی مالی و حسابی نموده، نقل گزارش آنرا به وزارت های اقتصاد و مالیه و مراجع تمویل کننده ارائه نماید. مؤسسه ای که توانایی بررسی مالی و حسابی خود را توسط بررسان مالی بین المللی نداشته باشند وزارت های اقتصاد و مالیه در مشوره با نهاد های هماهنگ کننده مؤسسات تدابیر مناسب دیگری را در زمینه اتخاذ نمایند.

(۳) هیئت مدیره و سایر مسؤولین مؤسسه از اجراءات غیرقانونی امور مالی و حسابی مسؤول می‌باشد.

تهیه وسایل و سامان آلات

• ماده بیست وهشتم:

(۱) مؤسسه مکلف است مواد، ماشین آلات، عراده جات و سایر سامان آلات مورد ضرورت پروژه های تایید شده را از داخل کشور تهیه نماید. در صورت عدم موجودیت آن در داخل کشور یا تفاوت فاحش قیمت ها، مؤسسه می‌تواند آنرا از خارج تدارک نماید.

(۲) مؤسسه مکلف است درباره توريد سامان آلات، مواد و لوازم از خارج، اجازه قبلی ادارات ذیربط دولتی را از طریق وزارت اقتصاد حاصل نماید.

(۳) مؤسسه نمی‌تواند وسایط و تجهیزات مؤسسه را بفروش برساند یا به خارج انتقال دهد.

مؤسسه می‌تواند وسایط و تجهیزات خویش را به منظور تأمین اهداف غیرانتفاعی

بالای اشخاص انفرادی و سکتور خصوصی به اساس مزایده و داوطلبی تحت نظر نمایندگان با صلاحیت وزارت های مالیه و اقتصاد به فروش برساند، در این صورت از فروش همچو وسایل و تجهیزات طبق قانون مالیه اخذ می گردد.

هرگاه وسایط و تجهیزات بالای سایر مؤسسات به فروش برسد، در این صورت مؤسسه فروشنده از پرداخت مالیه معاف می باشد.

(۴) مؤسسه مکلف است درباره ورود و فعال ساختن وسایل و تجهیزات مخابراتی اجازه قبلی وزارت مخابرات را از طریق وزارت اقتصاد حاصل نماید.

داشتن حساب بانکی

• ماده بیست و نهم:

(۱) مؤسسه مکلف است دارایی های اسعاری و افغانی خود را به حساب معینه بانکی در یکی از بانکهای داخل کشور شامل حساب نماید.

(۲) بانک ها مکلف اند در مورد افتتاح حساب بانکی و اسعاری برای مؤسسات تسهیلات لازم فراهم نمایند.

معافیت از مالیات ها

• ماده سی ام:

(۱) مؤسسه از پرداخت هر نوع مالیات، تکس و محصولات گمرکی در ارتباط به توريد اموال، اجناس و سایر تجهیزات مربوط به ساحه فعالیت شان که در پیشبرد اهداف غیرانتفاعی و خیریه ضروری می باشد، طبق احکام قوانین مالیات بر عایدات و گمرکات معاف می باشد.

(۲) تبعه خارجی مؤسسه مکلف است مطابق احکام قانون تکس و یزه را بپردازد.

(۳) کارکنان مؤسسه مکلف اند مطابق احکام قانون مالیات بر عایدات، مالیات مربوط را بپردازند.

فصل چهارم- گزارش دهی مؤسسات

ارائه گزارش

• ماده سی و یکم:

(۱) مؤسسه مکلف است طی مدت سه ماه بعد از پایان سال مالی، گزارش فعالیت های تحقق یافته سالانه خویش را به وزارت اقتصاد ارائه نماید.

(۲) مؤسسه مکلف است گزارش فعالیت خویش را در هر شش ماه مطابق فورمه که از طرف وزارت اقتصاد ترتیب و عندالضرورت قابل اصلاح بوده، به وزارت اقتصاد ارائه نماید.

(۳) گزارش شش ماه به شکل نسخه اصلی، سه نقل ترتیب و به دفتر مرکزی و دفاتر منطقوی وزارت اقتصاد در برابر رسید سپرده می شود. دفاتر منطقوی مکلف اند گزارش را به اسرع وقت به دفتر مرکزی وزارت اقتصاد ارسال نمایند.

(۴) گزارش شش ماهه به یکی از لسانهای رسمی کشور ترتیب می گردد.

(۵) مؤسسه مکلف است نقلی از گزارش شش ماه خویش را به وزارت سکتوری که در آن اجرای فعالیت می نماید، ارسال کند.

تحلیل و ارزیابی گزارش

• ماده سی و دوم:

(۱) وزارت اقتصاد مکلف است در ظرف نود روز از تاریخ دریافت گزارش شش ماهه مؤسسه، آنرا تحلیل و ارزیابی نموده از نتیجه به مؤسسه مربوط اطلاع دهد.

(۲) وزارت اقتصاد مکلف است نقل مختصر گزارش سالانه مؤسسات خارجی را بعد از تحلیل و ارزیابی به وزارت امور خارجه ارسال نماید.

نظارت، بررسی و تسلیمی پروژه

• ماده سی و سوم:

(۱) نظارت و بررسی از کمیت و کیفیت کار و طرز فعالیت پروژه مؤسسه مطابق قرارداد عقد شده صورت می گیرد.

(۲) مؤسسه مکلف است غرض بازدید و نظارت هیئت‌های وزارت اقتصاد و ادارات ذیربط سکتوری از پروژه‌های منظور شده تسهیلات کاری را فراهم نماید.

(۳) ادارات ذیربط سکتوری مکلف اند در تماس با مؤسسه جریان پیشرفت کار پروژه را از نظرفنی به صورت دوامدار بررسی و مراقبت نموده، با نظر داشت خصوصیت پروژه به وزارت اقتصاد گزارش ارائه نماید.

(۴) مؤسسه مکلف است بعد از اكمال پروژه طبق قرارداد عقد شده از صورت تسلیمی پروژه و اسناد مربوطه به ادارات سکتوری ذیربط و وزارت اقتصاد کتباً اطلاع دهد.

فصل پنجم- تجدید سازمان، ادغام، انحلال و تصفیه مؤسسات

تغییر شخصیت

• ماده سی و چهارم:

(۱) مؤسسه می‌تواند با مؤسسه یا مؤسسات دیگر که دارای اهداف مشابه باشند، بعد از تفاهم با وزارت اقتصاد مدغم، منفصل یا تغییر شکل دهد.

(۲) در صورت ادغام یا تغییر شکل، مؤسسه ثبت شده جدید مسئول ایفاء تعهدات مؤسسه قبلی می‌باشد.

(۳) در صورت انفصال مؤسسات از همدیگر، هر کدام مسئول تعهدات خویش می‌باشد، مگر اینکه در قرارداد طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد.

(۴) مؤسسه نمی‌تواند به تشکیل انتفاعی تغییر شخصیت حکمی نموده یا با سایر تشکیلات انتفاعی مدغم گردد.

انحلال

• ماده سی و پنجم:

(۱) مؤسسه در حالات ذیل منحل می‌گردد:

۱. در صورتی که میعاد تأسیس آن ختم گردیده باشد، اما در صورت تقاضا و تداوم فعالیت، این میعاد قابل تجدید می‌باشد.

۲. در صورتی که عالیترین مرجع تصمیم‌گیری مؤسسه به طور داوطلبانه مطابق اساسنامه مربوط به انحلال آن تصمیم اتخاذ نماید.

۳. در صورتی که مؤسسه در ظرف یک سال بعد از پایان سال مالی، گزارش سالانه فعالیت خویش را به وزارت اقتصاد ارائه ننماید.

۴. در صورتی که مطابق حکم مندرج فقره (۱) ماده چهل و هفتم این قانون در خلال مدت شش ماه به ثبت مجدد اقدام نه نماید.

۵. در صورتی که فعالیت مؤسسه از جانب کمیسیون عالی ارزیابی در مغایرت با منافع عامه، نقض احکام این قانون یا سایر قوانین نافذ تثبیت گردد.

(۲) وزارت اقتصاد مکلف است از حالات انحلال مندرج اجزای (۱، ۳ و ۴) فقره (۱) این ماده و نقایص و کمبودهای مربوط، کتباً به مؤسسه اطلاع دهد. در صورتی که مؤسسه در خلال مدت سی روز از تاریخ ابلاغ به رفع آن موفق نگردد، مؤسسه بعد از تایید کمیسیون عالی ارزیابی منحل می‌گردد.

(۳) در صورت اعلام انحلال یا انقضای میعاد معینه اعتراض، وزارت اقتصاد مؤسسه را از دفتر ثبت حذف می‌نماید.

(۴) مؤسسه می‌تواند درباره انحلال به کمیسیون حل اختلافات مراجعه و اعتراض خویش را ارائه نماید.

عواقب انحلال

• ماده سی و هشتم:

(۱) در صورت انحلال یا تغییر شکل مؤسسه (از حالت غیرانتفاعی به انتفاعی) دارایی منقول و غیر منقول باقی مانده بعد از پرداخت طلبات و دیون و تایید کمیسیون عالی ارزیابی به سایر مؤسسات دارای فعالیت‌های مشابه توزیع می‌گردد. در صورتی که مؤسسات مشابه آن موجود نباشد، دارایی منقول و غیر منقول به دولت تعلق می‌گیرد.

(۲) دارایی منقول و غیر منقول مؤسسه منحل شده به مؤسسين، اعضا، هیئت مدیره مسوولين، کارکنان و کمک دهنده گان و یا اقارب آنها توزیع شده نمی‌تواند.

فصل ششم- کمیسیون حل اختلافات

ترکیب کمیسیون

• مادهٔ سی و هفتم:

(۱) به منظور حل اختلافات ناشی از تطبیق احکام این قانون بین مؤسسات و ادارات دولتی و اتخاذ تصمیم در زمینه کمیسیون حل اختلافات ایجاد می‌گردد.

(۲) کمیسیون حل اختلاف دارای (۵) پنج عضو بوده که سه عضو آن باساس پیشنهاد وزارت اقتصاد و منظوری رییس جمهور و دو عضو آن از طرف ادارهٔ مؤسسات هماهنگ غیردولتی معرفی و وظایف محوله را با بیطرفی و استقلالیت انجام می‌دهند.

(۳) رییس کمیسیون حل اختلافات از بین اعضای آن به شکل دوره‌یی برای مدت یکسال انتخاب می‌گردد.

(۴) اعضای کمیسیون برای یک دورهٔ دو ساله از طرف ادارات ذیربط معرفی و بیش از یک دوره تمدید شده نمی‌تواند.

(۵) اعضای کمیسیون دارای شرایط ذیل می‌باشند:

– داشتن تحصیلات عالی و تجربهٔ کاری حد اقل پنج سال.

– نداشتن سوابق جرمی.

(۶) کمیسیون می‌تواند بمنظور پیشبرد وظایف محوله طرزالعمل جداگانهٔ را وضع نماید.

بررسی اعتراض

• مادهٔ سی و هشتم:

(۱) اعتراض کننده می‌تواند اعتراض خویش را کتباً به کمیسیون حل اختلافات ارائه نماید.

(۲) کمیسیون حل اختلافات مکلف است بعد از دریافت اعتراض و شکایات زمان معین را غرض حضور طرفین اختلاف تعیین و در ظرف یک ماه تصمیم اتخاذ نماید.

(۳) کمیسیون شواهد و مدارک لازمهٔ دو جانبه را جمع‌آوری و به طرفین اجازهٔ مباحثهٔ شفاهی و کتبی را می‌دهد.

تصمیم کمیسیون

- ماده سی و نهم:

- (۱) تصمیم کمیسیون قطعی می باشد. در صورتی که طرفین به آن قناعت نداشته باشند، می توانند به محاکم مربوط مراجعه نمایند.
- (۲) طرفین اختلاف در جریان بررسی شکایات حق داشتن وکیل مدافع را دارا می باشند.

فصل هفتم- احکام نهایی

عدم مداخله در امور مؤسسه

- ماده چهارم:

- (۱) ادارات دولتی و غیردولتی نمیتوانند در فعالیت های کاری مؤسسات مداخله نمایند، مگر مطابق احکام این قانون.
- (۲) ادارات سکتوری مربوط از حکم مندرج فقره (۱) این ماده مستثنی اند.

نمبرپلیت

- ماده چهل و یکم:

مؤسسه بعد از کسب جواز فعالیت می تواند نمبرپلیت مؤقت را برای وسایط نقلیه خویش طبق اسناد تقنینی مربوط تهیه نماید.

مساعدت های داوطلبانه

- ماده چهل و دوم:

مساعدت ها و همکاری های اشخاص حقیقی و حکمی داوطلب، احزاب سیاسی، اتحادیه های تجارتي، سازمان های اجتماعی، مناطق نظامی و مراکز عبادتگاه های مذهبی تابع احکام این قانون نمیباشند.

استخدام کارکنان

- ماده چهل و سوم:

مؤسسه مکلف است حین استخدام کارکنان مربوط احکام قانون کار و سایر اسناد

تقنینی نافذہ کشور را رعایت نماید.

نظارت و وضع لوایح

• مادهٔ چهل و چهارم:

- (۱) وزارت اقتصاد مکلف است از تطبیق احکام مندرج این قانون نظارت نماید.
- (۲) وزارت اقتصاد می‌تواند بمنظور تطبیق بهتر احکام این قانون لوایح وضع نماید.

حفظ اسرار

• مادهٔ چهل و پنجم:

مسئولین و اعضای مؤسسه نمیتوانند اسرار پروژه‌های محرم، اسناد محرم، آرشیف آبادات تاریخی، فرهنگی و مناطق نظامی را به مقاصد شخصی و انتفاعی در داخل و یا خارج کشور انتقال دهند.

کسب معلومات

• مادهٔ چهل و ششم:

مراجع امنیتی می‌توانند صرف از طریق وزارت اقتصاد معلومات مورد نیاز خویش را پیرامون فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی بدست آورند.

مکلفیتهای مؤسسه

• مادهٔ چهل و هفتم:

- (۱) مؤسسه که قبل از انفاذ این قانون جواز فعالیت خویش را قانوناً اخذ نموده، مکلف است در خلال مدت شش ماه از تاریخ انفاذ این قانون، درخواست ثبت مجدد خویش را توأم با اسناد مربوط به ادارهٔ مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد ارائه نماید.
- (۲) در صورتی که مؤسسات مندرج فقرهٔ یک این ماده پول تضمین را قبل از انفاذ این قانون پرداخته باشند، وجوه مذکور به عوض پول حق الثبت محاسبه می‌شود.
- (۳) ادارهٔ مؤسسات غیردولتی وزارت اقتصاد مکلف است طی مدت یک هفته درخواست و اسناد مربوط را غرض بررسی به کمیسیون عالی ارزیابی ارائه نماید. کمیسیون عالی ارزیابی طی مدت (نود) روز بعد از تاریخ نهایی تکمیل فورمه دربارهٔ

تایید یا رد آن تصمیم اتخاذ می‌نماید.

(۴) وزارت اقتصاد مکلف است در صورت تایید درخواست و اسناد مربوط، مجدداً جواز فعالیت را طبق احکام این قانون صادر نماید.

(۵) وزارت اقتصاد مکلف است، با نظرداشت حکم ماده نوزدهم این قانون دلایل رد خویش را کتباً به مؤسسه ارائه نماید.

(۶) در صورتی که مؤسسه مرتکب یکی از تخلفات ذیل گردد، بعد از تایید کمیسیون عالی ارزیابی حسب احوال از مبلغ یک هزار افغانی (۱۰۰۰) الی پنجصد هزار افغانی (۵۰۰۰۰۰) جریمه نقدی می‌گردد:

۱. ارائه گزارش سالانه نادرست.

۲. عدم ارائه گزارش سالانه در موعد مندرج فقره (۱) ماده سی و یکم این قانون.

۳. عدم فراهم نمودن تسهیلات غرض نظارت طبق حکم مندرج فقره (۲) ماده سی و سوم این قانون.

تاریخ انفاذ

• ماده چهل و هشتم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن مقرر فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی داخلی و خارجی (NGOs) منتشره جریده رسمی شماره (۷۹۲) سال ۱۴۲۱ ق ملغی شمرده می‌شود.

پیوست سوم: قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان

فصل سوم- وقف و انتفاع منافع

تعریف وقف

- ماده دوصدوسی هشتم:

وقف تحبیس عین مال و تسبیل منافع آن بوده و دارای شخصیت حکمی می باشد.

ارکان وقف

- ماده دوصدوسی ونهم:

ارکان وقف عبارت اند از:

۱. واقف: شخصی است که مال خود را وقف می کند.
۲. موقوف علیه: شخصی است که استیفای منافع موقوفه از طرف واقف به او واگذار شده است.
۳. عین موقوفه: مالی است که موضوع وقف قرار می گیرد.
۴. جهت وقف (شخصیت حکمی وقف).

اقسام وقف به اعتبار موقوف علیهم

- ماده دوصدوچهلیم:

وقف به اعتبار موقوف علیهم و جهت آن بر دو قسم ذیل می باشد:

۱. وقف عام: مالی که برای امور خیریه جهت منافع عامه وقف شده باشد، مانند مدرسه یا برای اشخاص غیرمحصور مثل محصلین.

۲. وقف خاص: مالی که برای امور خیریه در جهات مخصوص یا اشخاص محصور وقف شده باشد (مانند اولاد).

شرایط وقف

• ماده دوصد و چهل و یکم:

(۱) وقف به ایجاب منجز و اقف، به لفظ یا عملی که دلالت بر وقف نماید و قبض طبقه اول موقوف علیهم یا ولی آنها قبل از فوت یا رجوع مالک محقق می گردد. ولی اگر وقف معلق بر چیزی حتی معلوم الحصول گردد، باطل است، مگر اینکه صحت وقف بر آن معلق باشد.

(۲) قبول وقف عام از مرجع تقلید اهل تشیع افغانستان و یا نماینده مرجع تقلید یا متولی موقوفه و در وقف خاص از طرف موقوف علیهم انجام می گیرد. همچنان در صحت وقف بر مقاصد عامه مجرد استفاده برای قبض کفایت می کند، مانند اداء نماز در مسجد و دفن در مقبره.

(۳) عدم قبول یا رد وقف از طرف نسل متقدم، موجب محرومیت نسل متأخر از قبول آن نمی گردد.

(۴) واقف باید مالک مال مورد وقف بوده و اهلیت تصرف در اموال و حقوق مالی داشته باشد. ولی هرگاه پسری ده ساله کامل وصیت به وقف مال نماید، وصیت او صحیح می باشد.

(۵) موقوف علیهم باید معین و در وقف خاص، حین انتفاع موجود باشند. ولی معدوم به تبع موجود از این حکم مستثنی است، مانند اینکه بگویند این زمین را به اولاد و بعد از آنها به اولاد آنها وقف کردم.

(۶) وقف بر حمل غیر متولد و مجهول به نحوی که منصرف به کلی مجهول باشد، باطل است.

شرایط مال مورد وقف

• مادهٔ دو صد و چهل و دوم:

(۱) مال مورد وقف دارای شرایط ذیل می‌باشد:

۱. عین باشد: بنا براین وقف دین و وقف کلی و مبهم و وقف منفعت باطل است.
 ۲. انتفاع از وقف با بقای عین آن ممکن و حلال باشد: بنا براین، اگر انتفاع از عین موقوفه، جز به تلف شدن آن ممکن نباشد و یا انتفاع از آن حرام باشد، وقف باطل است.
 ۳. در ملک واقف باشد.
 ۴. قبض و اقباض آن هرچند در آینده ممکن باشد.
 ۵. موقوفه مالیت مشروع و قانونی داشته باشد.
- (۲) هرچیزی که آنرا عرف و عادت جزء یا تابع موقوفه محسوب می‌نماید، در موقوفه داخل می‌باشد.
- (۳) جهت و هدفی که به منظور رسیدن به آن، مالی وقف می‌شود، مشروع باشد.
- (۴) واقف می‌تواند شرط کند که موقوفه، عندالحاجه به ملک واقف باز گردد. شرطی که با مقتضای عقد وقف منافات داشته یا غیر مشروع باشد، مبطل وقف است.

ادارهٔ وقف

• مادهٔ دو صد و چهل و سوم:

- (۱) وقف دارای شخصیت حکمی بوده و متولی نمایندهٔ قانونی آن می‌باشد.
- (۲) واقف می‌تواند خود یا شخص یا اشخاص دیگری را مستقلاً و یا مشترکاً متولی وقف یا ناظر اطلاعی یا استصوابی تعیین نماید.
- (۳) متولی وقف دارای اهلیت تصرف در اموال و حقوق مالی بوده و می‌تواند بعد از قبول سمت از تولیت امتناع ورزد.
- (۴) هرگاه واقف در وقف خاص که به نحو تملیک بوده، متولی تعیین نکرده باشد، موقوف علیهم سمت متولی را دارا می‌شوند، ولی اگر در ادارهٔ آن اختلاف نمایند، نمایندهٔ مرجع تقلید شیعه، یکی از موقوف علیهم یا شخص ثالثی را به عنوان متولی نصب می‌کند.

- (۵) هرگاه واقف در وقف عام و یا در وقف خاص به نحو صرف، نه تملیک، متولی تعیین نکرده باشد، مرجع تقلید اهل تشیع یا نایب ما ذون او، برای آن متولی نصب می نماید.
- (۶) واقف یا مرجع تقلید اهل تشیع نمی تواند متولی وقف را بعد از انتصاب و قبول او عزل نماید، مگر به موجب مفاد و شرایط مندرج در وقفنامه.
- (۷) ناظر و متولی وقف در حکم امین بوده، جز با تعدی و تفریط، ضامن چیزی نمی باشند. ولی اگر عمل، عرفا اجرت داشته باشد، می تواند اجرة المثل را با تأیید محکمه از حاصلات موقوفه بردارد، مگر اینکه از قراین فهمیده شود، واقف قصد مجانی بودن تولیت را داشته است.
- (۸) متولی نمی تواند، تولیت وقف را در حیات خود یا بعد از فوت به دیگری واگذار نماید مگر اینکه چنین اذنی از طرف واقف داشته باشد.
- (۹) هرگاه در ضمن عقد وقف، مباشرت متولی شرط نشده باشد، وی می تواند برای اداره وقف وکیل تعیین نماید.
- (۱۰) وقف مجهول المصرف بر مصرف متعارف موقوفات حتی الامکان در موارد مشابه نظر واقف یا مطابق به نظر مرجع تقلید اهل تشیع مصرف می گردد.
- (۱۱) عواید زاید بر مصرف متعارف موقوفات، حتی الامکان در موارد مشابه، به نظر واقف یا مطابق به نظر مرجع تقلید اهل تشیع مصرف می گردد.

وظایف متولی وقف

• ماده دوصد و چهل و چهارم:

وظایف متولی وقف عبارت اند از:

۱. ثبت موقوفه در مراکز ثبت دولتی در اسرع وقت.
۲. حفظ و تسهیل انتفاع از موقوفه.
۳. پرداخت مالیات و سایر عوارض دولتی و حق النظاره در صورت استحقاق.
۴. اقامه دعوی علیه اشخاصی که تصرف غیر قانونی یا استفاده سوء از وقف نموده اند.
۵. نگهداری عین موقوفه از ضیاع، فرسودگی، خرابی، ترمیم و تحکیم آن در موقع لازم.
۶. مصرف منافع وقف، طبق وقفنامه.

حق التولیه و حق النظاره

• مادهٔ دوصد و چهل و پنجم:

(۱) حق التولیه و حق النظاره و سایر مصارف لازمه وقف از اصل عایدات وقف مقدم بر حق موقوف علیهم می‌باشد، مگر اینکه واقف طوری دیگری پیش‌بینی کرده باشد. و لی هرگاه موقوفه در معرض خرابی باشد که برای نسلهای آینده باقی نخواهد ماند، در این صورت اصلاح آن واجب می‌باشد، هر چند نسل حاضر از منافع آن محروم گردد. (۲) هرگاه موقوفه به علت خرابی یا سایر اسباب فاقد منافع برای جهت وقف شود، متولی می‌تواند آنرا اجاره داده و اجرت را بر جهت مقصود مصرف کند. ولی اگر اجاره ممکن نباشد، می‌تواند بعضی از موقوفه را بفروشد و صرف بر حصهٔ باقیمانده کند تا قابل انتفاع گردد، در غیر آن می‌تواند آنرا به عین دیگری که انتفاع به آن ممکن باشد، تبدیل نماید. ولی هرگاه ممکن نباشد، می‌تواند آنرا بفروشد و ثمن آنرا بر جهت موقوف مقصود موقوف علیها صرف نماید.

(۳) حق التولیه و حق النظاره، مطابق اندازهٔ تعیین شده در وقف نامه می‌باشد و در صورت عدم تعیین، متولی، مستحق اجرت المثل عمل خود می‌باشد.

عزل ناظر و متولی

• مادهٔ دوصد و چهل و ششم:

(۱) ناظر و متولی در موارد ذیل عزل می‌شوند:

۱. فقدان وصف که در هریک شرط شده باشد.

۲. اثبات خیانت.

۳. ناتوانی در ادارهٔ وقف.

۴. استعفاء.

۵. اثبات تعدی یا تفریط یا مسامحه در انجام وظایف.

(۲) هرگاه در حالات مندرج اجزاء دوم، سوم و پنجم مندرج فقره (۱) این ماده، شخص دیگری از طرف مجتهد اهل تشیع به ضمیمهٔ آنها تعیین و مشکل رفع گردد، در این صورت متولی و ناظر که از جانب واقف نصب شده، عزل نمی‌گردند.

(۳) هرگاه مسجد خراب شود، عرصه آن از مسجد بودن خارج نه گردیده و تا ابد مسجد باقی خواهد ماند، ولی اگر انتفاع از موقوفه غیر مسجد به خاطر نابود شدن موقوف علیهم ناممکن شود، وقف باطل و بملکیت مالک یا ورثه او منتقل می شود.

خاتمه وقف

• ماده دوصد و چهل و هفتم:

وقف با از بین رفتن شخصیت حکمی آن یا اموالی که وقف شده است، خاتمه می یابد.

استیفاء منافع

• ماده دوصد و چهل و هشتم:

(۱) حق انتفاع، عقدی است که به موجب آن مالک دارای اهلیت تصرف، انتفاع مالی را به شخص دیگری واگذار نماید.

(۲) حق انتفاع با ایجاب مالک به لفظ یا عمل دال بر آن و قبول و قبض منتفع یا ولی او ایجاد می شود.

(۳) حق انتفاع به موجب حبس، قرار ذیل می باشد:

۱. حق انتفاع عمری: انتفاع مال به مدت عمر مالک، و یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالث.

۲. حق انتفاع رقبی: انتفاع مال به مدت معین، مانند ده سال یا کم و یا بیشتر.

۳. حق انتفاع سکنی: انتفاع به خصوص سکونت به نحو عمری یا رقبی.

(۴) هرگاه حق انتفاع به مدت عمر منتفع یا شخص ثالث باشد، با فوت مالک یا رجوع او زایل نمی گردد، ولی اگر به مدت عمر مالک یا شخص ثالث باشد و منتفع فوت نماید، در این صورت حق انتفاع تا فوت مالک یا شخص ثالث به ورثه منتفع انتقال می یابد.

(۵) نحوه انتفاع از مال، مطابق به نظر مالک می باشد، در صورتی که منتفع در انتفاع آن مخالف نظر مالک عمل نموده یا در آن تعدی یا تفریط نماید، مسئول جبران خساره

وارد می‌باشد.

(۶) مصارف حفظ و تسهیل انتفاع از مال بر عهده مالک می‌باشد، ولی مصارف عرفی بر ذمه منتفع می‌باشد، مگر اینکه مالک آنرا متقبل نموده باشد.

(۷) مالک می‌تواند، مال و ملک خود را بر جهتی که وقف بر آن جایز است، حبس کند، در این صورت محبوس در ملک مالک باقی می‌ماند، ولی هرگاه حابس در حبس مال، قصد قربت نموده و حبس او دائم باشد، نمی‌تواند که حبس را فسخ کند. ولی اگر مقید به مدت معینی بوده، نمی‌تواند قبل از آن مدت رجوع نماید. مثلاً اگر بگوید موثر من برای ده سال در خدمت ایتم یا اهل علم باشد، قرۃ الی الله، باید به آن ملتزم گردد و اگر حابس قبل از ده سال فوت نماید، مال مذکور بعد از ده سال به ورثه او منتقل می‌گردد. ولی اگر بی مدت باشد، حابس می‌تواند هر وقت بخواهد حبس را فسخ نماید و این حکم در عمری، رقبی و سکنی نیز جاری می‌گردد، و همچنان بدون قصد قربت نیز لازم می‌گردد که در این صورت مالک تا موعد معین به مال خود رجوع کرده نمی‌تواند.

پیوست چهارم: قانون جمعیت ها

فصل اول- احکام عمومی

مبنی و هدف

• مادهٔ اول:

این قانون مطابق حکم ماده سی و پنجم قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم امور مربوط به تأسیس و طرز فعالیت، حقوق، وجایب و انحلال جمعیت وضع گردیده است.

تعاریف و اصطلاحات

• مادهٔ دوم:

تعاریف و اصطلاحات آتی در این قانون مفهوم ذیل را افاده می کند:

۱. جمعیت: جمعیت ها به انجمن ها، اتحادیه ها، شوراها، مجمع ها و تشکیلات اطلاق می شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی و حکمی به صورت داوطلبانه و غیرانتفاعی، غیرسیاسی و مطابق احکام این قانون تشکیل می گردد.
۲. انجمن: اجتماع داوطلبانه اشخاص حقیقی است که برای حصول مقاصد علمی، ادبی و حرفه ای مطابق احکام این قانون ایجاد می گردد.
۳. اتحادیه: اجتماع داوطلبانه اشخاص حکمی است که برای مقاصد مشترک و مشروع حرفه ای، صنفی و تخصصی مطابق احکام این قانون ایجاد می گردد.
۴. شوروی: اجتماع داوطلبانه اشخاص حقیقی است که برای حصول مقاصد مشترک قومی، صنفی و منطقه ای مطابق احکام این قانون ایجاد می گردد.

۵. مجمع: اجتماع و یا جمع شدن گروهی از اشخاص و نهادهای است که برای یک هدف مشترک و مشخص دورهم جمع می‌شوند.
۶. جوازنامه: سند حقوقی بهاداریست که شکل و محتوای آن از طرف وزارت عدلیه ترتیب و اعطاء می‌گردد.

رعایت احکام قوانین

• ماده سوم:

جمعیت‌ها مکلف اند در پیشبرد اهداف خویش اساسات دین مقدس اسلام، احکام قانون اساسی و مواد این قانون و سایر قوانین نافذ کشور را رعایت نمایند.

تثبیت شخصیت

• ماده چهارم:

شخصیت حکمی جمعیت زمانی تثبیت می‌گردد که اساسنامه آن مطابق به احکام این قانون ترتیب، ثبت و نشر گردیده باشد.

حدود فعالیت

• ماده پنجم:

(۱) جمعیت‌ها نمی‌توانند خلاف منافع ملی و خارج از حدود مندرجات اساسنامه ثبت شده خویش فعالیت نمایند.

(۲) جمعیت‌ها نمی‌توانند، به فعالیت‌های سیاسی مبادرت ورزند و یا مطالب سیاسی را در اساسنامه‌های مربوط پیش‌بینی نمایند.

تساوی در برابر قانون

• ماده ششم:

جمعیت‌ها، در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.

فصل دوم- طرز تأسیس و ثبت تأسیس جمعیت

• ماده هفتم:

اتباع افغانستان که سن (۱۸) سالگی را تکمیل نموده باشند، مطابق احکام این قانون می توانند، جمعیت ها را تأسیس نمایند.

منع تأسیس بیش از یک جمعیت تحت یک نام

• ماده هشتم:

به منظور ایجاد زمینه توسعه و توسعه بیشتر جمعیت ها، تأسیس بیش از یک جمعیت تحت یک نام جواز ندارد.

تأسیس اتحادیه

• ماده نهم:

جمعیت های دارای اهداف و فعالیت های مشترک یا مشابه می توانند، باهم الحاق یا ادغام گردد.

محتویات اساسنامه

• ماده دهم:

(۱) اساسنامه جمعیت از طرف مؤسسان آن تصویب گردیده و حاوی مطالب ذیل می باشد:

۱. عنوان جمعیت و اهداف آن.
۲. ساحه فعالیت و نحوه کار آن.
۳. شرایط عضویت و حقوق و وجایب اعضاء آن.
۴. شرایط اخراج از عضویت و تطبیق سایر موییدات انضباطی.
۵. ساختار تشکیلاتی.
۶. موعد و طرز برگزاری جلسات.
۷. طرز انتخاب هیئت رهبری و صلاحیت های آن.
۸. طرز کنترل و اجرای فعالیت های آن.

۹. ذکر منبع تمویل و طرز نظارت بر آن.
۱۰. طرز تعدیل و تغییر در اساسنامه، الحاق یا ادغام آن با جمعیت‌های دیگر.
۱۱. تعیین موقعیت دفتر مرکزی و نمایندگی‌های آن.
۱۲. موارد انحلال و طرز تصفیۀ امور مالی جمعیت.
۱۳. ذکر اسما و شهرت مؤسسان.
- (۲) مؤسسان جمعیت مکلف اند، اساسنامه مندرج فقره (۱) این ماده را ترتیب، تصویب و در مطابقت با احکام این قانون و سایر اسناد تقنینی طی مراحل نمایند.

داشتن دفاتر

• مادهٔ یازدهم:

جمعیت‌ها مکلف به داشتن دفاتر منظم مالی و حسابی می‌باشند.

مقر فعالیت

• مادهٔ دوازدهم:

- (۱) دفتر مرکزی و مقر فعالیت جمعیت ای که مطابق احکام این قانون تأسیس می‌گردد، در خارج کشور بوده نمی‌تواند.
- (۲) جمعیت‌های که مطابق احکام قوانین کشورهای خارجی توسط افغانهای مقیم آن کشور تأسیس و اداره می‌شوند، می‌توانند در داخل کشور شعبه یا نمایندگی تأسیس نمایند، در این صورت فعالیت‌های نمایندگی در داخل کشور تابع احکام این قانون می‌باشد.
- (۳) جمعیت‌ها می‌توانند دفاتر فرعی خویش را در خارج از افغانستان مطابق به قوانین کشور میزبان ایجاد نمایند. مشروط به این که مغایر منافع ملی کشور نباشند.

مرجع ثبت

• مادهٔ سیزدهم:

- (۱) جمعیت‌ها از طرف وزارت عدلیه ثبت می‌گردند.
- (۲) طرز تأسیس و ثبت جمعیت‌ها در مقررۀ جداگانه تنظیم می‌گردد.

- (۳) جوازنامه فعالیت جمعیت ها به مدت سه سال توسط وزارت عدلیه در برابره هزارافغانی صادر می گردد و بعد از سه سال قابل تمدید است.
- (۴) وزارت عدلیه موظف است شعبه صدور و تمدید جوازنامه ها را در مراکز ولایات ایجاد نماید.

آغاز فعالیت

- ماده چهاردهم: جمعیت بعد از اخذ جوازنامه می تواند به فعالیت آغاز نماید.

حقوق

- ماده پانزدهم: جمعیت ثبت شده دارای حقوق ذیل می باشد:
۱. فعالیت مستقل یا با اشتراک سایر جمعیت ها، مشروط براینکه مطابق احکام ماده نهم این قانون با هم الحاق یا ادغام نموده باشند.
 ۲. داشتن نشریه موقوف یا غیر موقوف مستقل به منظور پخش اهداف آن طبق احکام قانون.
 ۳. سایر حقوق قانونی ای که ممد تأمین اهداف مندرج اساسنامه مربوط باشد.

فصل سوم- امور مالی

منابع تمویل جمعیت

- ماده شانزدهم: (۱) جمعیت از منابع ذیل تمویل شده می تواند:
۱. حق الشمول.
 ۲. حق العضویت.
 ۳. فروش نشرات.
 ۴. اعانه و هدایای اشخاص داخلی و خارجی.
- (۲) جمعیت ها می توانند جهت تحقق اهداف مندرج اساسنامه مربوط، کمک های

مالی و تکنیکی مؤسسات و جمعیت‌های خارجی را به آگاهی وزارت عدلیه بدست آورند.

(۳) منابع تمویل و موارد مالی جمعیت علنی بوده و دارایی آن تنها در جهت تحقق اهداف آن به مصرف می‌رسد.

افتتاح حساب بانکی

• ماده هفدهم:

جمعیت‌ها مکلف اند، حساب بانکی معینی را در یکی از بانک‌های داخلی کشور افتتاح و از آن استفاده نمایند.

ارایه گزارش عواید و مصارف

• ماده هجدهم:

جمعیت‌ها مکلف اند، در اخیر هر سال مالی گزارش عواید و مصارف خویش را به وزارت عدلیه ارایه نمایند

فصل چهارم- انحلال جمعیت

انحلال جمعیت

• ماده نوزدهم:

(۱) جمعیت، طبق اساسنامه مربوط به تصویب مجمع عمومی منحل شده می‌تواند.
(۲) هرگاه مجمع عمومی، انحلال جمعیت را تصویب نماید، دارایی آن تحت نظر اداره انسجام، بررسی و ثبت جمعیت‌ها و احزاب سیاسی مطابق صراحت اساسنامه مربوط به مرجع تعیین شده و در غیر آن به یکی از جمعیت‌های دارای اهداف مشابه توزیع می‌گردد.

در صورتی که جمعیت مشابه آن موجود نباشد، دارایی مذکور به وزارت‌ها و ادارات ذیربط تعلق می‌گیرد.

محکمه

• ماده بیستم:

(۱) جمعیتی که مطابق احکام این قانون تأسیس گردیده است در یکی از حالات ذیل به اساس مطالبه هریک از اعضاء و پیشنهاد وزارت عدلیه و حکم محکمه ذیصلاح منحل می‌گردد:

۱. تخطی از احکام اسناد تقنینی نافذ کشور.

۲. عدم ایفای تعهدات مندرج اساسنامه مربوط.

۳. مبادرت به اجرای فعالیت‌های مخالف اساسنامه مربوط.

(۲) هرگاه جمعیت مرتکب تخلفی گردد که قانون آن را جرم شمرده است، غرض تعقیب عدلی به خازنوالی معرفی می‌گردد.

در صورتی که جرم ثابت شود، محکمه علاوه بر مجازات ممثلین آن، به انحلال جمعیت نیز حکم می‌نماید.

تصفیه امور مالی و حسابی

• ماده بیست و یکم:

(۱) هرگاه محکمه به انحلال جمعیت حکم نماید، سه نفر مرکب از نمایندگان وزارت‌های مالیه و عدلیه و جامعه مدنی را برای تصفیه امور مالی و حسابی و توزیع دارایی جمعیت با رعایت احکام اساسنامه مربوط تعیین می‌نماید.

(۲) محکمه می‌تواند حکم انتقال دارایی جمعیت منحل شده را به جمعیت دارای اهداف مشابه و در صورتی که چنین جمعیت موجود نباشد، به وزارت‌های مربوط صادر نماید.

فصل پنجم - احکام نهایی

منع انتقال دارایی به اشخاص معین

• ماده بیست و دوم:

مؤسسان جمعیت نمی‌توانند دارایی جمعیت‌ها را بعد از انحلال یا ختم فعالیت

جمعیت به خود، اعضای خانواده یا اقارب خود تخصیص و یا چنین مطلب را در اساسنامه مربوط درج نمایند.

مراقبت و نظارت

- ماده بیست و سوم:

(۱) اداره انسجام، بررسی و ثبت جمعیت‌ها و احزاب سیاسی مکلف است، از اجراءات جمعیت‌ها و مطابقت فعالیت آنها با اساسنامه مربوط و قوانین نافذ، نظارت به عمل آورد.

(۲) جمعیت‌ها مکلف اند در پایان هر سال مالی گزارش فعالیت و دارایی منقول و غیر منقول خویش را به اداره انسجام بررسی و ثبت جمعیت‌ها و احزاب سیاسی ارائه نمایند.

داشتن نشان

- ماده بیست و چهارم:

جمعیت، دارای نشان و مهر مخصوص می‌باشد.

رعایت احکام قانون مدنی

- ماده بیست و پنجم:

در مواردی که در این قانون حکمی پیش بینی نگردیده باشد، احکام مواد (۴۰۳) الی (۴۳۹) قانون مدنی در زمینه قابل تطبیق می‌باشد.

ثبت مجدد

- ماده بیست و ششم:

جمعیت‌هایی که قبل از انفاذ این قانون در وزارت عدلیه ثبت شده اند، در خلال مدت یکسال از تاریخ نشر این قانون مجدداً در حدود احکام این قانون ثبت، گردند.

انفاذ

- ماده بیست و هفتم:

این قانون از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ و با انفاذ آن قانون سازمان‌های اجتماعی منتشره جریده رسمی شماره (۸۰۴) مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ ملغی می‌گردد.

